

ماهنامه تحلیلی
و پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی

هدایت

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۲

شماره - ۱۴۲

دفاع مقدس



امام خامنه‌ای (مدظله العالی):
فداکاری‌های هشت سال دفاع مقدس توانست یک نظام الهی و معنوی
و متکی بر تفکر و اندیشه درست و برخاسته از ایمان را تحکیم کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شهریور ۱۳۹۲

«هدایت»
«ماهنامه تملیلی سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسؤول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

مخاطبین: هادیان سیاسی

همکاران این شماره:

۱- حسین عبداللهی فر ۲- علی مرادزاده ۳- احد کریم خانی

۴- عبدالله داورزنی ۵- بهزاد کاظمی ۶- عباسعلی بیگدلی

۷- فاطمه بهاری لشکری ۸- حمید مهدوی

شمارگان: ۷/۷۷۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۱۰@yahoo.com E-mail:

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ❁ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی می‌باشد، فلذا بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد، انتظار می‌رود هادیان عزیز ما را یاری فرمایند.
- ❁ انتقادات و پیشنهادات ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ❁ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ❁ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ❁ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

۵.....	کلام نور
--------	----------

بفش سیاسی

۹.....	* دلائل و پیامدهای قرار گرفتن نام حزب ا... در فهرست گروههای تروریستی
۱۹.....	* کنکاشی در ابعاد حقوقی تحریمهای جدید آمریکا علیه ایران
۳۱.....	* ملاک هایی برای ارزیابی دولت یازدهم
۳۹.....	* تحدید جمعیتی؛ تهدیدی برای آینده کشور

بخش اقتصادی

۵۵.....* دستاوردهای جهادی دولت های نهم و دهم.

بخش مقالات وارده

۶۹.....* تأثیر فشارهای کشورهای خارجی بر روند شکل گیری قطعنامه ۵۹۸

اندیشه سیاسی اسلام

۸۳.....اندیشه سیاسی محقق سبزواری.

۹۷.....بخش مفاهیم و اصطلاحات.

۱۰۱.....بخش پرسش و پاسخ

مصر در میانه بازگشت به دیکتاتوری و انقلاب

طی روزها اخیر دو مسئله بنیادی، تحولات مصر را به خود مشغول و پرسش‌های قابل توجهی را ایجاد کرده است. اول، مسئله درگیری‌ها بین موافقان و مخالفان اخوان المسلمین و محمد مرسی و دوم بحث آزادسازی حسنی مبارک است. پرسش اول حول محور این مسئله می‌چرخد که آیا جنگ داخلی در مصر شکل می‌گیرد؟ در این باره نظرات مختلفی ارائه شده است. شواهد موجود به طور همزمان پاسخ‌های مثبت و منفی را پیش روی تحلیل گران قرار می‌دهد.

مسئله این است که دو طیف مخالف رودروی هم قرار گرفته و هیچکدام از خواسته هایشان کوتاه نمی‌آیند. ارتش دارای قدرت نظامی، شبکه ای، مالی و دولتی است و در طرف دیگر اخوان المسلمین نیز دارای قدرت دینی، پایگاه اجتماعی و مردمی است که حکومت را حق خود دانسته و مرسی را رئیس جمهور قانونی می‌داند. اخوان المسلمین با توجه به نفوذ داخلی و منطقه‌ای قادر است هر زمان که اراده کند، حامیان خود را وارد خیابان‌ها کند و میزان آسیبی که تا کنون دیده، این اراده را در آن به وجود آورده که عقب نشینی نکند.

۵

سید
هدایت

از سوی دیگر ارتش با توجه به اینکه حمایت بخشی از مردم را با خود به همراه دارد (شواهد ۳ ژوئن تا کنون) با این ادعا که کشور از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود، میلی به کناره گیری نشان نمی‌دهد. تعمیق این بحران بی شک راه نفوذ دیگر کشورها و گروه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به داخل کشور باز خواهد کرد که بحث سلفی‌های مخالف اخوان و همچنین القاعده که همواره با گسترش تنش به اهداف مورد نظر خود نزدیک می‌شود، از جمله آنها است. در حال حاضر هر دو گروه مصر حضور دارند و با توجه به تحولات و تغییرات ایجاد شده بیش از همه در برابر اخوان قرار گرفته‌اند.

مسئله دیگر و مهمی که می‌تواند جنگ داخلی را در کشورهای منطقه همچنین مصر تشدید کند، دخالت‌های خارجی و تضاد منافع کشورهای مختلف است. اگر چه گروه‌های مختلف در حال حاضر این آمادگی را دارند که آتش جنگ داخلی را در مصر روشن کنند، بخصوص که در مصر جدای از مسئله اسلام گرایان تندرو که متأسفانه سوریه را بستر جدال‌های خشن مذهبی قرار داده‌اند، قبطی‌هایی حضور دارند که ۱۰ درصد جمعیت ۸۵ میلیونی مصر را تشکیل می‌دهند و حتی پیش از انقلاب مصر در فوریه ۲۰۱۱ درگیری‌های بین دو طیف مسلمان و مسیحی در این کشور وجود داشت. با این وجود می‌توان گفت که کشورهای مختلف بخصوص آمریکا و همچنین اروپا برخلاف سوریه تمایل ندارند مصر به سمت جنگ داخلی پیش برود. این مسئله به عمق و نوع رابطه واشنگتن و قاهره، بحث امنیت رژیم صهیونیستی همچنین تاثیر آن بر کل منطقه باز می‌گردد. بنابراین جدال بین عربستان سعودی (سلفی - القاعده ای) و قطر (اخوانی) با توجه به نیازهای آمریکا به مصر بدون جنگ داخلی، قابلیت حل و فصل را دارد.

در حال حاضر برای اینکه مصر از جنگ داخلی فاصله بگیرد تنها دو راه دارد، ابتدا حضور یک قدرت فائقه در راس حاکمیت. همچون دوره‌های

دیکتاتوری پیشین که قادر باشد دیگر جریان‌ها را سرکوب کند. راهی که در حال حاضر ارتش آن را دنبال می‌کند. دوم میانجیگری منصفانه برای حل و فصل بحران پیش آمده با حضور همه گروه‌های داخلی بخصوص اخوان المسلمین که به شکل قانونی دولت را در اختیار داشت. بنابراین برای ورود به عرصه سیاست نباید موانعی بر سر راهش قرار داد. البته میانجیگری که مورد وثوق همه گروه‌ها از ارتش تا احزاب باشد به سختی شکل خواهد گرفت اما همه طیف‌های سیاسی برای فاصله گرفتن از جنگ داخلی به ناچار باید به آن تن دهند.

مسئله دوم و جدیدی که این روزها در مصر شکل گرفته به آزادسازی حسنی مبارک، رئیس جمهور پیشین باز می‌گردد. آزادی وی از زندان "تورا" در قاهره و انتقالش به بیمارستان نظامی معادی در کرانه رود نیل دست کم در بر گیرنده دو موضوع است. ابتدا اینکه ارتش و بازمانده نظام خواهان برخورد چکشی و استفاده از رویکرد اول یعنی بازگرداندن دیکتاتوری برای حفظ امنیت کشور است. بسیار تعجب برانگیز و غیرقابل باور خواهد بود که حسنی مبارک به قدرت بازگردد اما روند کنونی نشان از آن دارد که ارتش به دنبال بستن راه تعامل و سرکوب دیگر گروه‌های سیاسی است. هنگام آزادی مبارک، سایت شبکه خبری فاکس نیوز به نقل از آسوشیتد پرس که با یکی از حامیان مبارک گفت گو کرده بود، نوشت: «بدون مبارک کشور به طور کامل از دست می‌رود». آیا این می‌تواند بخشی از زمینه سازی‌ها باشد؟! اگر چه مبارک پس از بیمارستان در خانه خود تحت نظر خواهد بود اما به هر حال با این رفتار بخش هایی از افکار عمومی، برای بازگشت دیکتاتوری به عرصه قدرت آماده شده است!

مسئله دوم در این زمینه آن است که آزادسازی حسنی مبارک در هر صورت به مسئله جنگ داخلی تاثیر گذاشته و آن را کمرنگ کرده است. به

این دلیل که طیف‌های گسترده دموکراسی خواهی که مخالف اخوان المسلمین بوده و به همین منظور در کنار ارتش قرار گرفته بودند، با این اقدام عقب نشینی کرده و از این نهاد نظامی فاصله می‌گیرند. بنابراین دیگر رویارویی ارتش با اخوان که با حمایت گروه‌های سیاسی ضد اخوان همراه بود، معنا پیدا نمی‌کند. اگر چه این به آن معنی نیست که دیگر گروه‌های جدا شده از ارتش با اخوان متحد نمی‌شوند اما فعلا علیه اخوان المسلمین هم عمل نمی‌کنند. اخبار موجود نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف نسبت به آزادسازی مبارک اعتراض کرده و از حامیان خود دعوت کرده اند که به خیابان‌ها بازگشته و دست به تظاهرات بزنند. حال اگر ارتش خواسته خود را عملی کند و مخالفان نیز به تظاهرات ادامه دهند، مصر در روند انقلابی خود یک گام به عقب برداشته و شرایط پیش از انقلاب را بار دیگر پیش روی خود می‌بیند. با این تفاوت که ارتش، گروه‌های سیاسی و مردم، تجربه‌های جدید و سختی را پشت سر گذاشته اند. بنابراین پیروزی هر طرف بستگی به آن دارد که این تجربیات چقدر مسیر را به آنها نشان داده و چگونه از آن استفاده خواهند کرد.



شاخص های مهم دولت مطلوب اسلامی

شاخص اول، شاخص اعتقادی و اخلاقی است -
بخصوص در مسئولان رده های بالا - سلامت اعتقادی،
سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و
نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می شود.

مجموعه ی بیانات امام، مجموعه ی موضع گیری های
امام، مجموعه ی رهنمودهای امام در اختیار ما است. به این
باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم.

وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده میدهد که «إِنْ
تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ»، وقتی
اینجور خدای متعال با صراحت، به ما وعده میدهد، ما باید
به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل
بکنیم.

✓ جنگ تحمیلی، فقط جنگ یک دولت همسایه با ما
نبود؛ یک جنگ بین المللی علیه ما بود با همه ی ابزارها.
همه ی تلاششان را کردند، نتوانستند بعد از هشت سال
یک وجب از خاک کشور را تصرف بکنند، اینها
وعده هایی است که محقق شد.

✓ با قرآن رابطه تان را قطع نکنید، حتماً هر روز مقداری
قرآن بخوانید، با دعا و توسل رابطه تان را محکم کنید،
سختیهای کار را بر میدارد، شما را بانشاط میکند،
آماده ی مواجهه ی با موانع بزرگ میکند.

شاخص دوّم، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این
گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است.

✓ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دلبستگی‌هایی، سلیقه‌هایی داریم؛ اینها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد.

✓ در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست.

✓ کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است.

شاخص سوّم، مسئله‌ی عدالت است.

✓ ما این دهه را اسم گذاشتیم به "دهه‌ی پیشرفت و عدالت". پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پرجلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهد می‌کنید.

✓ همه‌ی ارسال رُسل و انزال کتب و مانند اینها «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند.

شاخص چهارم، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است.

✓ شما باید چشم بصیرِ بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به‌وجود بیاید.

✓ واقعاً فساد مثل موریانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرج‌های زیادی و مانند اینها، در دستگاه‌تان نفوذ بکند.

شاخص پنجم، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است.

✓ جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است؛ مثل سیاستهای کلی، سند

چشم‌انداز، سیاست‌های تحوّل نظام اداری، مصوّبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی مجازی است.

شاخص ششم، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب، آثار و تبعات یک اقدام، و حتّی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر.

✓ از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیّت بالای کارشناسی در مسائل کشور است. ما اگر از این ظرفیّت استفاده کنیم، حتماً سود خواهیم برد.

شاخص هفتم، تکیه به ظرفیّت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد، یعنی امیدمان را به بیرون از ظرفیّت داخلی کشور ندوزیم.

✓ در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم.

الویتهای کاری دولت؛

✓ اقتصاد و علم، این دو به نظر من چیزهایی است که امروز باید در ردیف اوّل اولویتهای ما قرار بگیرد؛ هم شما که قوّه‌ی مجریّه هستید، و هم در درجه‌ی بعد قوای دیگر.

✓ آنچه که در درجه‌ی اوّل در زمینه‌ی اقتصاد لازم است، ثبات و آرامش و خاموش کردن تلاطم عرصه‌ی اقتصادی است، یعنی این تلاطمی که وجود دارد، چه در ذهن مردم، چه در بازار، این را بایستی با تدبیر حل کرد.

✓ مسئله‌ی مهار تورّم است، تأمین نیازهای اساسی مردم است؛ و تحرک بخشیدن به تولید ملی. اینها مسائل اساسی اقتصاد ما است؛ باید به اینها توجه بکنید.

✓ اقتصاد مقاومتی، به معنای ریاضت اقتصادی نیست، ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به‌وجود بیاوریم که در مقابل بحرانها و جزر و مدهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است.

- ✓ اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم، قطعاً در زمینه‌ی اقتصاد از فروش نفت و از خام‌فروشی‌هایی که داریم و مانند اینها، برای ما بسیار پر صرفه‌تر خواهد بود.
- ✓ یکی از کلیده‌ای حل مشکلات اقتصادی و معضلات اقتصادی ما، تکیه‌ی روی علم است.
- ✓ دو نکته است در مورد این مسائل علمی: یکی تکمیل زنجیره‌ی علم و فناوری است؛ یعنی این زنجیره‌ی از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تو لید و سپس بازار را ما باید تکمیل بکنیم، نکته‌ی بعدی هم شرکت‌های دانش‌بنیان؛ هرچه می‌توانید باید بروید سراغ شرکت‌های دانش‌بنیان.

مسایل منطقه‌ای؛

- ✓ در قضایای مصر ما هیچ مایل نیستیم که دخالت در امور داخلی مصر بکنیم، لکن نمی‌توانیم از کشتاری که نسبت به مردم مصر انجام گرفت غمض عین بکنیم؛ ما این کشتار را محکوم می‌کنیم.
- ✓ یکی از دغدغه‌های ما این است که خدای نکرده در مصر بین گروه‌های مردم، جنگ در بگیرد که این یک فاجعه‌ای خواهد بود برای دنیای اسلام و منطقه
- ✓ بالاخره بعد از سالهای متمادی حاکمیت استکبار و استبداد با هم بر مصر، مردم به برکت بیداری اسلامی توانستند انتخابات درستی داشته باشند، نمی‌شود که این روند متوقف بشود و به عقب برگردد.
- ✓ در مسئله‌ی سوریه هم که آمریکا تهدید کرده و گفته‌اند می‌خواهند دخالت کنند، این قطعاً یک فاجعه برای منطقه خواهد بود و مطمئناً آمریکایی‌ها از این مسئله ضرر خواهند کرد.
- ✓ دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و خارجی در یک کشور - حالا سوریه یا غیر سوریه - جز آتش‌افروزی و جنگ‌طلبی هیچ معنای دیگری ندارد و نفرت ملت‌ها را نسبت به اینها زیاد می‌کند.

دلائل و پیامدهای قرار گرفتن نام حزب ا... در فهرست گروههای تروریستی

عبدالله داورزنی



مقدمه

پس از ماهها رازیزنی و تکاپو، شاخه نظامی حزب ا... و مرکز ثقل جبهه مقاومت، از طرف ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در لیست سازمانهای تروریستی قرار گرفت. سناریوی درج نام حزب ا... در لیست گروههای تروریستی در ظاهر بخاطر اتهام حزب ا... به دست داشتن در حادثه انفجار اتوبوس تروریستهای اسرائیلی در شهر ساحلی «یورگاس» در بلغارستان بود که در جولای سال ۲۰۱۲ رخ داد. و پنج اسرائیلی کشته شدند. پیشینه تحولات منطقه خاورمیانه و تحولات جاری و دور نمای آینده نشان می‌دهد. که اقدام اتحادیه اروپا در نشست بروکسل اقدامی ناشیانه محسوب می‌شود که هیچ تناسبی با اتهام یاد شده ندارد. بلکه این تصمیم افق بلندتری را در نظر گرفته است.

در ۳۰۰ سال گذشته سابقه کشورهای مؤثر در



اتحادیه اروپا سابقه‌ای آمیخته با ظلم و خیانت در حق دیگر ملت‌ها و هویت این دولت‌ها آمیخته با تروریسم دولتی است. حال چگونه است که تروریست‌های بالذات، حزب... قهرمان و محبوب آزادی‌خواهان جهان را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌دهند.

گزاره اصلی این است که محور غربی، عربی و صهیونیستی و سلفی جریان سازش اصلی‌ترین تمرکز خود را در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه برای تضعیف محور مقاومت با فشار بر سوریه و حزب... قرار داده است.

مجموعه اقدامات بخش خارجی کاخ سفید، اتحادیه اروپا، مرتجعین منطقه، تلاش برای بر هم زدن کامل موازنه قدرت میان محور مقاومت و سازش در منطقه هست. که سناریوی جدی و عریان‌تر آن مذاکرات اخیر سازش بین فلسطینیان و رژیم فاقد مشروعیت اسرائیل است.

با وجودی که سالهاست رژیم اسرائیل به کمک امریکا بدنبال فشار بر اروپا برای قرار دادن نام حزب... در لیست گروه‌های تروریستی است ولی قطع فعلی و متقاعد شدن کشورهای اروپائی برای چنین اقدام غیر منطقی نیازمند واکاوی حوادث و تحولات منطقه‌ای است که دلائل و پیامدهای نشست ۳۱ تیر ماه در بروکسل قابل بررسی است که در پی می‌آید.

دلائل اقدام اتحادیه اروپا

۱- نقش راهبردی حزب... در معادلات منطقه‌ای

تجربیات گذشته نشان می‌دهد که تنها نیروی مردمی که توانسته هیمنه‌ی چهارمین ارتش جهان را در منطقه بهم بریزد و الگوی کارآمدی در مقابل همه نهضت‌های آزادی‌بخش که با نظام سلطه درگیر هستند قرار دهد جنبش مردمی حزب... هست.

حزب... از زمان شکل‌گیری تا کنون خواب را از چشمان جنایتکاران صهیونیستی ربوده و در چندین نوبت همچون جنگ ۳۳ روز ضربات

جبران ناپذیری را بر پیکر رژیم اشغالگر قدس وارد کرده است و به تأسی از او جریان حماس در نوار غزه موارد مشابه آنرا در جنگهای پیروزمندانه ۲۲ روزه و ۸ روزه با آنان را تجربه کردند. حزب الله توانسته سرزمین های اشغال شده جنوب لبنان را از چنگال صهیونیست ها آزاد نماید. و در تحولات منطقه و تغییر معادلات نقش آفرینی نماید.

۲- موفقیت و نقش حزب... در همراهی با نیروهای سوری و شکست

تروریست ها

قریب سه سال از آغاز بحران سوریه می گذرد و به رغم حمایت های همه جانبه جبهه غربی- عربی هنوز بشار اسد در قدرت باقی است و امروزه خود غربیها اعتراف می کنند که بشار اسد سالها در قدرت باقی خواهد ماند.

تحولات میدانی در سوریه نشانگر این است که روز به روز عرصه بر تروریست ها و حامیان عربی و غربی آنها تنگ تر شده و کارشناسان یکی از عوامل مؤثر در تغییر موازنه قدرت در سوریه را وجود حزب... در بحران سوریه و خصوصاً عملیات القصیر می دانند.

حزب... با صراحت اعلام کرده که در عرصه نبرد لبنان حضور دارد. و از مردم و حکومت سوریه در برابر تهاجم در توطئه جبهه غربی- عربی حمایت می کند.

روزنامه لوموند فرانسه دلائل اقدام اروپا را اینگونه بازگو می نماید: اروپایی ها به این دلیل با این پیشنهاد موافقت کردند که حزب... وارد بحران سوریه شد و کنار حکومت بشار اسد جنگید.

۳- تلاش و همراهی و توطئه جریان ۱۴ مارس در تضعیف جایگاه

سیاسی حزب...

شاید در وهله اول بنظر برسد که اتحادیه اروپا و خصوصاً آمریکایی ها

بودند که بخاطر منافع منطقه‌ای و ایجاد محدودیت و جلوگیری از نفوذ حزب... دست به این اقدام زدند اما واقعیت ماجرا این است که قطعاً آنها بدون کمک برخی از احزاب واقعی لبنان از جمله جریان ۱۴ مارس به رهبری سعد حریری که از دشمنان و مخالفان حزب... بشمار می‌آیند نمی‌توانند این توطئه را به سرانجام برسانند.

حزب المستقبل که خود از حامیان مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی سوری بشمار می‌آید همپای آمریکایی‌ها حزب... را به دخالت در امور سوریه متهم می‌کرد. که سخنان سعد حریری گواه این ماجراست. سعد حریری در قیاس حزب... با اسرائیلی‌ها می‌گوید: «حزب... جنایت اسرائیل را کپی برداری کرده و در القصیر اجرا می‌کند.»

بنظر می‌رسد احزاب داخلی مخالفت حزب... کوشیدند با گره زدن فعالیت‌های این سازمان در مرزهای لبنان و سوریه به اقدامات تروریستی به نوعی شرایط را برای محدود کردن در عرصه داخلی فراهم کنند. و متهم کردن شاخه نظامی حزب... از طرف اتحادیه اروپا مهر تأیید بر این گونه تحرکات گروه‌های داخلی لبنان است. همسوئی گروه‌های سیاسی مخالف حزب... با اروپا نشانگر تلاش و قدرت‌های فرامنطقه‌ای خصوصاً اروپا بر پایه‌ریزی شالوده آینده سیاسی لبنان و تحمیل معادلات خود به عرصه داخلی این کشور هستند.

۴- حذف فیزیکی فرماندهان حزب... و زمینه‌سازی برای جنگ مجدد

تجربه نشان داده که در مصاف حزب... و رژیم صهیونیستی بازنده اصلی دشمن صهیونیستی و برنده جنگ نیروهای شیعی حزب... بوده‌اند. و این رهاورد برای حزب...، دشمن را در حوزه تهدید سخت با ناکامی و ناامیدی مواجه کرده است. به همین دلیل سرمایه‌گذاری صهیونیست‌ها در حوزه تهدید نیمه سخت افزایش پیدا کرده است. قرار گرفتن نام حزب... در ردیف

گروه‌های تروریستی این فرصت را به دشمن حزب‌ا... خواهد داد. تا با برچسب تروریستی حذف فیزیکی نیروهای تأثیرگذار را در دستور کار خود قرار دهد. و با اقدامات اطلاعاتی، ترور فرماندهان و تضعیف نظامی این گروه حمله مجدد و تلافی‌جویانه خود را متوجه جنوب لبنان نماید.

۵- پیشبرد مذاکرات سازش با تأثیرگذاری بر بازیگر راهبردی

بی‌شک یکی از بازیگران راهبردی محور مقاومت تا کنون جنبش حزب‌ا... لبنان بوده، به اذعان همه کارشناسان حوزه خاورمیانه تأثیرات حزب‌ا... به نحوه رویاروی و نبرد با غاصبان فلسطین سرمشق مبارزان منطقه و خصوصاً فلسطین و جریان حماس بوده است.

هر نوع تضعیف حزب‌ا... حوزه مسائل فلسطین و چگونگی تصمیمات رهبران فلسطین را تحت تأثیر قرار خواهد داد. طی روزها و ماه‌های گذشته با تحولات سوریه، مصر، ترکیه، قطر و تضعیف سیاسی حماس و تغییر رویکرد آنان آمریکایی‌ها مقطع فعلی را مناسب‌ترین موقعیت برای به انجام رساندن مذاکرات سازش می‌دانند. فلذا فشار سیاسی به حزب‌ا... می‌تواند فضای سازش را فراهم کند.

چنانکه نیویورک تایمز اخیراً اذعان کرده که «قرار گرفتن حزب‌ا... در لیست سیاه اتحادیه اروپا کمک مناسبی به روند سازش در مقطع فعلی خواهد کرد.»

ب: پیامدهای منفی اقدام اتحادیه اروپا

۱- حقوقی و سیاسی:

آنچه می‌تواند اقدام اخیر اتحادیه اروپا را در افکار عمومی مورد سؤال قرار دهد مغایرت این اقدام با قوانین بین‌المللی است و اساس تصمیم اخیر اروپا را با چالش مواجه می‌کند. اگر چه ممکن است تعاریف سازمان ملل درباره

پدیده تروریسم متفاوت باشد ولی در زمینه حق ملت‌ها در آزادسازی سرزمین‌هایشان در بین نخبگان سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی اتفاق نظر وجود دارد و مصداق عینی این اتفاق نظر در خصوص حزب‌ا... لبنان، مقاومت اسلامی حماس حماس در نواز غزه و گروه‌های فلسطینی است، برای اینکه ذهن جامعه بین‌الملل نسبت به این اقدام روشن‌تر شود. استدلال بعضی اساتید حقوق بین‌الملل از جمله ادیب الفرزلی گواه این مدعاست: ایشان تأکید دارد «این اقدام بیش از آنکه متکی بر دلائل قضائی یا ارادی باشد یک تصمیم سیاسی است و تصمیم اخیر اتحادیه اروپا علیه حزب‌ا... بر اساس منافع سیاسی این کشور صادر شده است و هیچ تأثیر و پیامد کوتاه مدتی بر مقاومت ندارد»

۲- پارادوکس اقدام سیاسی اتحادیه اروپا در مقابل یک حزب مطرح

سیاسی در لبنان

از نیمه اول سال گذشته میلادی آمریکا و رژیم صهیونیستی دست به کار شدند و تلاش کردند تا با پاپوش درست کردن برای حزب‌ا... اتحادیه اروپا را متقاعد کنند که این حزب لبنانی را که یکی از محورهای اصلی مقاومت محسوب می‌شود را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. البته تلاش اولیه آنها برای تحریم حزب‌ا... بود که به در بسته خوردند. دلیل این هم، این بود که استدلال کشورهای اروپایی این بود که اتحادیه اروپا حزب‌ا... را به عنوان یک حزب سیاسی فعال در لبنان به رسمیت می‌شناسد و معتقد است مدارک کافی برای قرار گرفتن این گروه لبنانی در فهرست گروه‌های تروریستی وجود ندارد. علاوه بر این، کشورهای اروپایی تأکید داشتند که چنین اقدامی به روابط اتحادیه اروپا با لبنان در جایی که حزب الله خدمات اجتماعی گسترده‌ای ارائه می‌دهد و شاخه سیاسی آن نیز قدرت را در دولت این کشور در اختیار دارد لطمه وارد می‌کند. که البته این استدلال به مذاق

امریکا و رژیم صهیونیستی خوش نیامد. از این رو بود به تکاپو افتادند تا مدارک مورد نیاز را تهیه کنند. اولین موردی که به ذهن آنان خطور کرد مقصر جلوه دادن و متهم کردن حزب الله در حادثه انفجار اتوبوس تروریست‌های اسرائیلی در شهر ساحلی یورگاس بلغارستان بود. که این تصمیم بیشتر جنبه سیاسی داشت تا دلائل محکمه پسند.

از این رو می‌توان ادعای کشورهای اروپایی در متهم کردن جریان‌ی که سالهاست در محیط لبنان، در دولت لبنان، در پارلمان لبنان و در بین گروه‌های سیاسی نقش مثبت ایفا می‌کند نوعی تناقض و پارادوکس سیاسی و یک نوع فریب‌کاری دانست و این موضع با به رسمیت شناختن و کارکرد احزاب سیاسی و دموکراسی مورد ادعای غرب در تضاد است.

بررسی تأثیر اقدام اتحادیه اروپا بر حزب...

۱- واکنش حزب... به تصمیم اتحادیه اروپا

از آنجا که ساخت و شاکله حزب... لبنان از زمان تأسیس تا کنون، براساس روحیه جهادی، مقابله با زیاده خواهی‌های رژیم صهیونیستی قرار داشته: تحلیل و استدلال مسئولان بلند پایه حزب... این است که اقداماتی از این دست تا کنون از ناحیه مخالفان حزب... و نیروهای مقاومت بی‌سابقه نبوده است. دبیر کل حزب...، سید حسن نصر... درباره ارزش این تصمیم می‌گوید: «این تصمیم در وهله اول جنبه روحی و روانی دارد. و هدف آن تضعیف روحیه مبارزان این کشور در مقابل اشغالگری اسرائیل است و معتقد است هرگونه حرکتی که از طرف اتحادیه اروپا علیه این جنبش چیزی جز جوهر روی کاغذ نخواهد بود.»

در واقع معنای این حرف این است که تصمیم اتحادیه اروپا چیزی جز برای افکار عمومی نیست. زیرا حزب... گروهی مقاوم در برابر اسرائیل و بازیگر سیاسی مهمی در صحنه داخلی لبنان است و هیچ کاری با اروپا ندارد. از این

رو حزب... لبنان در اعلام مواضع صریح نسبت به تن دادن کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اعمال فشارهای آمریکا و اسرائیل واکنش نشان داد و با صدور بیانیه‌ای این تصمیم را خصمانه و غیر عادلانه نامید.

۲- تغییر رویکرد و تعدیل سیاست‌های داخلی و خارجی

تأثیرگذاری حزب... در محیط سیاسی لبنان و تغییرات اساسی در معادله قدرت در محیط منطقه‌ای خصوصاً بحران سوریه و تقویت نقش جریانهای مبارز در تقابل با راهبردهای آمریکا در خاورمیانه، حزب... را به مثابه یک قدرت تعیین کننده قرار داده است، و تضعیف نقش او می‌تواند معادله قدرت را به نفع زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی تغییر دهد. از این رو احساس اتحادیه اروپا این است که با اتخاذ چنین رویکردی، می‌توانند حزب... را در دراز مدت از توسعه توان دفاعی خود منصرف کنند یا او را وادار کنند تا از نبرد رسانه‌ای و روانی بر ضد رژیم صهیونیستی دست بردارد. در صورتی که این حزب منافع در کشورهای اروپایی ندارد و اتخاذ چنین تصمیمات ناعادلانه بر عزم مسئولان حزب... بر پایداری و سرسختی و همگرایی با کشورهای حوزه مقاومت خواهد افزود و تلاش خواهد کرد برای تأمین منافع حیاتی و استراتژیک خود با دولت‌های محور مقاومت از جمله ایران و سوریه ارتباطی نزدیک‌تر داشته باشد.

۳- تضعیف مهم حزب... در تشکیل دولت جدید لبنان

ماه‌هاست که "تمام سلام" نخست وزیر جدید لبنان تلاش می‌کند تا کابینه‌ای را با حضور و مشارکت همه طرف‌های لبنانی از جمله جریان ۱۴ مارس و حزب... تشکیل دهد. و امروز تبعات چنین تصمیمی و لو اینکه شاخه نظامی حزب... در ردیف و لیست جریانهای تروریستی قرار گیرد، می‌تواند به آتش بی‌ثباتی و تنش در لبنان و خاورمیانه دامن بزند. و امروز اتحادیه اروپا

باید به این سؤال پاسخ بدهد که اصولاً دخالت‌ها و اعمال فشار و تحریم بر یکی از مهمترین سازمانها و احزاب سیاسی مشهور در محیط لبنان که با سیاست و دولت این کشور در هم تنیده شده و در ائتلاف با گروههای سیاسی نقش آفرینی می‌کند می‌تواند حلال مشکلات لبنان باشد؟ یا با فرض، آنها دامنه تأثیرات حزب... را در محیط پیرامونی کم نماید؟ و حال اینکه دولت لبنان روز پنج شنبه بیست و هفتم تیرماه قبل از تصمیم اتحادیه اروپا با صدای بلند از این اتحادیه درخواست کرد تا از افزودن نام حزب... به فهرست گروههای تروریستی چشم پوشی کند. و این نشان می‌دهد هرگز جریانهای فرامنطقه‌ای نمی‌توانند سهم حزب... را در ترکیب دولت جدید نادیده بگیرند. بدلیل اینکه حزب... از عقبه مردمی خوبی برخوردار بوده و همواره توجه همه کابینه‌های قبلی را به خود جلب کرده است.

نتیجه‌گیری:

اتحادیه اروپا در شرایطی حزب... لبنان را در فهرست گروههای تروریستی قرار داده است که مسئولان ارشد لبنانی از جمله رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور ضمن هشدار درباره تحرکات اخیر اروپایی‌ها ضد این گروه، حمایت خود را از عملکرد حزب... در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، و امنیتی اعلام کرده‌اند. از دید کارشناسان قرار دادن نام حزب... در فهرست گروههای تروریستی آنهم در آستانه سالروز پیروزی لبنان در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب... در سال ۲۰۰۶ پاداش مشترکی از سوی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به رژیم صهیونیستی در این مقطع زمانی است که هدفشان نابودی یا تضعیف جبهه مقاومت و حزب... در منطقه است. مسئولان ارشد حزب...، از جمله سید حسن نصر... با تشریح توطئه‌های غربی برای بدنام کردن حزب... تصریح کرد

به دلیل حمایت‌های مردمی و همچنین دولت و شخصیت‌های لبنانی حزب... هیچگاه منزوی نخواهد شد. چرا که حزب... بخش مهمی از ساختار جامعه لبنان و مهمترین سد در برابر افزون‌طلبی اسرائیل خواهد بود.

تعظیم لیست گروه‌های تروریستی از جمله امکانی است که دولت‌های غربی خصوصاً آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در مناطق مختلف دنیا و بویژه منطقه خاورمیانه از آن استفاده می‌کنند این تصمیم تلاش دارد با افزایش فشارهای، به تضعیف نقش حزب... و منزوی کردن او بپردازد اما تجربه نشان داده که حامیان و هواخواهان مقاومت اسلامی در لبنان برای پشتیبانی از او منسجم‌تر شده و نقش این تشکل سیاسی مذهبی به‌عنوان حافظ تمامیت ارضی لبنان پررنگ‌تر خواهد شد.

کنکاشی در ابعاد حقوقی تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران

احمد کریم خانی

به فاصله شش هفته پس از برگزاری انتخابات ۲۴ خردادماه، طرح جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران در راستای توقف کامل صادرات نفت کشور در مجلس نمایندگان این کشور به رأی گذاشته شد و با ۴۰۰ رأی موافق در برابر بیست رأی مخالف به تصویب رسید. این در حالی است که این طرح تنها چند روز پیش از حضور حجت الاسلام روحانی در رأس دولت جدید ایران به تصویب رسیده و به "قانون جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران" نام گرفته است.

این طرح تحریمی در صورت تصویب در کنگره و تبدیل شدن به قانون، اقدامات لازم برای قطع کامل صادرات نفت کشور، از طریق تهدید مشتریان نفتی به جرایم سنگین را پی گیری می‌کند. همچنین با تنگ‌تر کردن حصار مالی بر ایران، مبادلات ارزی با ایران را تحریم خواهد کرد و از سویی با وسعت بخشیدن به تحریم‌های سابق، بخش‌های خودرو، معادن ساخت و ساز و مهندسی ایران را نیز به لیست تحریم‌ها می‌افزاید.

لایحه جدید، که عصر چهارشنبه نهم مرداد تصویب شد، به کاهش روزانه یک میلیون بشکه صادرات نفت ایران در مدت بیش از یکسال منجر خواهد شد. این لایحه همچنین هرگونه تجارت در بخش‌های معدن و ساخت و ساز ایران را در فهرست سیاه قرار داده است. آمریکا با تصویب این لایحه به دنبال آن است تا سال ۲۰۱۵ میلادی تمامی صادرات نفتی ایران را متوقف کند. این لایحه برای تبدیل شدن به قانون باید به تصویب سنا رسیده و باراک اوباما،

رئیس جمهوری آمریکا نیز آن را امضا کند. قبل از این رای گیری، گروهی از نمایندگان دموکراتیک آمریکا برای متقاعد کردن کنگره با هدف به تعویق انداختن رای گیری درباره این لایحه تلاش کردند

دلایل اختلاف کاخ سفید و کنگره بر سر تحریم‌های جدید

پارلمان ایالات متحده که به آن «کنگره» گفته می‌شود، متشکل از دو مجلس سنا و نمایندگان است. این دو مجلس با هم تعامل می‌کنند و قوانین را بررسی و تصویب می‌کنند. معمولاً وقتی در سنا موضوعی مطرح می‌شود، برای تأیید به نمایندگان می‌رود، و بعد از تصویب نمایندگان حالت مصوبه کنگره به خود می‌گیرد (و اگر بین این دو بر سر موضوعی اختلافی به وجود آمد، در محلی به نام کنفرانس مطرح می‌شود و از هر کدام از دو مجلس نمایندگانی به آنجا می‌روند و موضوع را مجدداً مورد بررسی قرار می‌دهند). بعد از تصویب مصوبه در کنگره (هم سنا و هم نمایندگان)، قانون برای لازم الاجرا شدن نزد رئیس جمهور (عالی‌ترین مقام اجرایی در آمریکا) می‌رود و بعد از امضای رئیس جمهور حالت قانونی به خود می‌گیرد. چون رئیس جمهور حق وتو دارد، لذا در صورتی که قانونی را وتو کند (حتی بعد از تصویب در کنگره نیز قانون) اجرایی نمی‌شود.

مجله آمریکایی «فارین پالیسی» در این باره نوشته است: «کاخ سفید با دور جدید تحریم‌های تحمیل شده علیه ایران که به «اتفاق آرا» در مجلس سنای آمریکا به تصویب رسید و جدیدترین نمونه اعمال فشار کنگره برای اجرای اقدامات تهاجمی تر علیه ایران در مقایسه با دولت محتاط آمریکا است، مخالفت کرد». فارین پالیسی ادامه داده است که «کاخ سفید در قالب ایمیلی به چندین دفتر سنا اعلام کرده است که "ما معتقد نیستیم که اختیارات مازاد برای به کارگیری تحریم‌های بیشتر علیه ایران در شرایط فعلی ضرورت داشته باشد"

"تیموتی ویتور"، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا مخالفت رسمی دولت آمریکا را اعلام کرده و توضیح داده است که «از دیدگاه کاخ سفید، تحمیل این تحریم‌های جدید علیه ایران ضرورتی ندارد و در این برهه زمانی موثر نیست." ویتور در این باره گفته است که «همزمان که ما همراه با شرکای خود روی اجرای موثر چنین تلاش‌هایی متمرکز هستیم، اما بر این باوریم که اختیارات بیشتر در این زمینه (تحمیل تحریم‌های بیشتر) تهدیدی است برای تضعیف این تلاش‌ها.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا همچنین افزوده است که «ما همچنین نگران برخی از تدوین‌هایی هستیم که در حال حاضر پیش نویس شده‌اند و می‌خواهیم که در رابطه با آنها با شرکای خود در کنگره همکاری داشته باشیم تا این قانون را موثرتر سازیم و آن را با قانون تحریم‌های فعلی منطبق کنیم تا مطمئن شویم که موفقیت تا به امروز خود را در زمینه اجرای تحریم‌ها تضعیف نمی‌کنیم.

تحریم‌های جدید از سوی کنگره آمریکا اما در حالی اعمال شده است که همزمان موضوع مذاکره با ایران هم در دستور کار جدید دولت آمریکا قرار گرفته است. آن چیزی که رسانه‌های داخلی نیز از آن صحبت می‌کنند. به گفته "گری سیک" مشاور امنیت ملی دولت‌های پیشین آمریکا، باراک اوباما بعد از پیروزی در دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری به صورت جدی به دنبال مذاکره مستقیم با تهران و پذیرش حق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران است. آنچه مسلم است، اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران با ادعای کاخ سفید برای مذاکره دو جانبه با ایران منافات جدی دارد و شاید دلیل اصلی مخالفت کاخ سفید با اعمال تحریم‌های تازه همین امر باشد. به عبارت شفاف‌تر چون کاخ سفید تحریم‌های جدید را مانعی برای احتمال مذاکره ایران تلقی کرده است، از امضای آن اجتناب کرده است.

البته برخی تحلیلگران معتقدند که کاخ سفید برای فشار آوردن بر ایران برای پذیرش شرایط تحمیل شده از سوی شورای امنیت و ۵+۱ از امضای آن خودداری می‌کند، به عبارتی از عدم امضای آن به عنوان چماقی برای فشار بر ایران استفاده می‌کند. تا ضمن القای این تفکر به افکار عمومی که «ما مخالف تحریم هستیم»، به سیاست مداران فشار وارد کند که شرایط تحمیلی آنها را بپذیرند.

آیا تحریم‌های یک جانبه خلاف حقوق بین الملل است؟

سوای مسائل سیاسی، از زاویه‌ای دیگر نیز می‌توان به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، نگرست و آن نگاه حقوق بین‌المللی به این تحریم‌ها است که تلاش داریم با استناد به موازین حقوق بین‌الملل، اعم از منشور ملل متحد، به تشریح این مهم پردازیم که «آیا تحریم‌های یک جانبه مطابق با موازین حقوق بین الملل است یا خیر؟

برخی از حقوقدانان معتقدند که اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد در پرونده ای، دولتی را تحریم کرد، سایر دولت‌ها راه برایشان در این زمینه بسته است اما تحریم دولتی علیه دولت دیگر به صورت یک جانبه قانونی نیست. که در این جا به تشریح برخی ادله مطرح شده در این زمینه پرداخت شده است.

۱. تحریم‌های یکجانبه؛ نقض اختیارات شورای امنیت

ماده ۳۹ منشور ملل متحد وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده شورای امنیت گذاشت تا در صورت تشخیص توصیه و یا تصمیمات مقتضی را اتخاذ نماید و به طور مثال طبق ماده ۴۱، تحریم ارتباطی یا اقتصادی را اعمال نماید. احراز یکجانبه نقض صلح و امنیت بین‌المللی و اقدام یکجانبه از سوی کشورها اولاً بازگشت به دوران پیش از منشور ملل متحد است و ثانیاً موجب نادیده گرفتن اختیارات شورای امنیت است. به عبارت دیگر اعطای صلاحیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت

بین المللی از سوی کشورها به شورای امنیت موجب سلب این اختیار از سوی اعضای ملل متحد می‌شود. جالب تر آنکه مبتکران اصلی تحریم‌های یکجانبه اعضای دائمی شورای امنیت هستند که اقدام آنها می‌تواند به معنای اعلام شکست قدرت این رکن از سوی اعضای دائم این رکن باشد.

۲. تحریم‌های یکجانبه؛ انحراف از رهنمودهای قطعنامه‌های سازمان

ملل متحد

اعلامیه اصول حقوق بین الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان ملل مورخ ۱۹۷۰ (قطعنامه شماره ۲۶۲۵) اصل مبنایی عدم مداخله را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد که هیچ کشوری حق تشویق استفاده از فشار اقتصادی، سیاسی یا هرگونه فشار دیگری برای مجبور کردن کشور دیگر برای تبعیت از حاکمیت کشور مقابل باشد. بسیاری از قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی مختلف به نامشروع بودن تحریم‌های یکجانبه یا به طور کلی یا صرفاً آنهایی که ویژگی فراسرزمینی دارند (مانند قوانین داماتو کندی و هلمز برتون) اشاره داشته‌اند. قطعنامه A/RES/۴۶/۲۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۱ از کلیه کشورها می‌خواهد که فشارهای اقتصادی یکجانبه را که با هدف مداخله در تصمیمات اتخاذ می‌شوند را لغو نماید. بند دو این قطعنامه، فشارهای اقتصادی را که شامل مسدود کردن سرمایه و اموال می‌شود را مغایر با منشور ملل متحد می‌داند. قطعنامه A/RES/۵۱/۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۶ تحت عنوان «حذف تدابیر فشار اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی» ضمن غیرقانونی دانستن تحریم‌های یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی این قوانین را مغایر با حق دولتها در تعیین سرنوشت اقتصادی خود می‌داند. بند ۲ این قطعنامه واضعان این قوانین را ملزم به حذف قوانین یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی می‌کند که تحریم‌هایی را علیه شرکت‌ها و افراد بار می‌کند. بند

سه از کلیه کشورها می‌خواهد که تدابیر اقتصادی یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی را به رسمیت نشناسند.

۳. تحریم‌های یکجانبه به مثابه نقض غرض از تحریم

حقوق اقتصادی اجتماعی مقدمه وجود حقوق سیاسی و مدنی است و لذا نقض حق بر حیات، بهداشت، صلح و توسعه باعث می‌شود تا حقوق مدنی و سیاسی نیز به منصفه ظهور نرسد. بسیاری از تحریم‌ها با هدف احقاق حقوق نسل اول (مدنی و سیاسی) مانند حق بر دموکراسی دست به اعمال تحریم می‌زنند (مانند موارد هائیتی و عراق) در حالی که در رهگذر این تحریم‌ها حقوق نسل دوم (اقتصادی و اجتماعی) نقض می‌شود. هرچند تحریم‌های یکجانبه کشورهای غربی علیه ایران با هدف اعلامی دموکراسی صورت نمی‌پذیرد اما نقض غیرمستقیم حقوقی مانند حق حیات که به دنبال تحریم هوانوردی ایران صورت گرفته است می‌تواند موجب تشدید نارضایتی ملت ایران از سازوکارهای بین‌المللی شود که خود مغایر با هدف اعاده صلح و امنیت میان ملل متحد است.

۴. تحریم‌های یک جانبه؛ نقض تعهدات قراردادی برخی از دولت‌ها

برخی از دولتها طی موافقتنامه‌های دوجانبه مودت و آزادی تجارت یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. موافقتنامه مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از این نمونه‌هاست که پس از فراز و نشیب‌های بسیار در روابط دو کشور کماکان از سوی دو دولت معتبر قلمداد می‌شود. این معاهده طرفین را ملزم به برقراری تجارت آزاد میان اتباع یکدیگر کرده‌اند و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران نقض صریح بند ۲ ماده ۸ این معاهده است. لازم به ذکر است این معاهده رجوع اجباری به دیوان بین‌المللی دادگستری را پیش‌بینی کرده است که جا دارد مسئولین کشورمان این امکان را مورد توجه قرار دهند. علاوه بر آمریکا کشورها تحریم‌کننده دیگر

نیز بعضاً موافقتنامه مشابهی با ایران دارند که نیاز به بررسی ماهوی این معاهدات است.

۵. تحریم یک جانبه در تعارض با نظم نوین اقتصادی

قطعه‌نامه ۳۲۸۱ مورخ ۱۹۷۴ (منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولتها) تحریم‌های یکجانبه را نمی‌پذیرد. ماده ۷ این منشور از مسئولیت دولت‌ها در ترویج توسعه اقتصادی و اجتماعی شهروندان سخن به میان آورده است و ماده ۳۲ اتخاذ فشارهای اقتصادی را ممنوع کرده است و تنها استثنای این اصل را اقدام دسته جمعی در چارچوب منشور ملل متحد می‌داند. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد نیز در قطعه‌نامه‌ای تدابیر تحمیلی اقتصادی، اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی کشورهای توسعه یافته علیه کشورهای در حال توسعه را ممنوع کرده است. اعمال تحریم‌های اقتصادی خصوصاً علیه سرمایه‌های ملی و شخصی یک کشور می‌تواند مغایر با تعهد کشورهای توسعه یافته مبنی بر انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه است (آنگونه که در موافقتنامه تریپس تأکید شده است). لذا تحریم‌های اقتصادی یکجانبه حتی اگر حق کشورهای توسعه یافته تلقی شود در کمترین وجه با تعهد به انتقال فناوری آنها مغایرت دارد.

۶. تحریم یکجانبه در تعارض با اصل حاکمیت بر منابع طبیعی

ماده یک پاراگراف دوم میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد «کلیه ملت‌ها می‌توانند برای نیل به هدفهای خود منافع و ثروت طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه به مصرف برسانند». این اصل در مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی به کرات مورد تأیید قرار گرفته است. تحریم‌های یکجانبه می‌تواند نافی حق دولتها در نحوه مصرف کردن منابع

طبیعی خود باشد چرا که تحریم یکجانبه‌ای که به طور مثال سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز را ممنوع می‌کند می‌تواند حق دولت تحریم شده در بهره برداری از آن را تحت تأثیر قرار دهد.

بی اعتمادی به آمریکا

بر اساس افشاگری‌های «ادوارد اسنودن» در خصوص جاسوسی آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا از متحدین این کشور، در یادداشتی تحت عنوان «چرا باید به آمریکا اعتماد کنیم؟»، هشدار داده شد که واشنگتن در مراودات بین‌المللی خود حتی در مواجهه با متحدانش نیز منطقی، صادقانه و معتمدانه عمل نمی‌کند، چه رسد در مواجهه با ایران که سال‌هاست در مخاصمه با ایالات متحده به سر می‌برد. متأسفانه تنها چند روز پس از انتشار یادداشت مزبور، مجلس نمایندگان آمریکا با حدود ۴۰۰ رای، تحریم‌های تندی را علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد که کاملاً غیرقابل اعتماد بودن واشنگتن را در حوزه مساله هسته‌ای اثبات کرد؛ هرچند که واشنگتن در مواجهه با ایران بارها این واقعیت را اثبات کرده است. البته تصویب تحریم در کنگره آمریکا علیه ایران چیز عجیبی نیست و انواع و اقسام این تحریم‌ها که از سوی رئیس‌جمهور «ظالمانه» خوانده شده‌اند، تاکنون به تصویب رسیده‌اند اما تحریم‌های اخیر دو خصوصیت ویژه دارند: اولاً، ظاهراً تندتر از تحریم‌های قبلی به نظر می‌رسند و ثانیاً، اندک‌زمانی قبل از تحویل دولت به رئیس‌جمهور به تصویب رسیده‌اند.

در همین جا تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تصویب تحریم‌های مزبور در مجلس نمایندگان، به معنای اجرایی شدن آنها از همین لحظه نیست بلکه باید به تصویب سنا و نهایتاً توشیح باراک اوباما، رئیس‌جمهور این کشور نیز برسند. اما تجربه ثابت کرده است که عموماً تحریم‌های مصوب مجلس نمایندگان، بقیه مسیر قانون گذاری را نیز به راحتی طی کرده و نه سنای تحت

تسلط دموکرات ها و نه رئیس جمهور دموکرات ایالات متحده، مانعی در برابر این رویکرد یک جانبه گرایانه ایجاد نمی کنند. به عبارت دیگر، تدبیر بنیان گذاران دولت آمریکا برای تحدید قوا به وسیله یکدیگر، وقتی به مساله تحریم های ایران می رسد تقریبا هرگز با موفقیت مواجه نشده است.

دریافت پیام اشتباه کشورهای غربی از انتخابات ۲۴ خرداد

پیام اشتباهی که کشورهای غربی از انتخابات ۲۴ خرداد ایران دریافت کرده اند در حال تبدیل شدن به یک معضل عمده است. پیش از انتخابات، برخی دلسوزان مکررا گفته بودند که اگر در انتخابات فضایی بوجود بیاید که غرب حس کند مردم به خط سازش رای داده اند، فوری ترین و مستقیم ترین اتفاقی که خواهد افتاد این است که فشارها بر ایران به طور بی سابقه ای تشدید خواهد شد. این ارزیابی در مقطع ماقبل انتخابات چندان جدی گرفته نشد چرا که کسانی تنها راه برنده شدن را گره زدن مشکلات اقتصادی به سیاست خارجی و مذاکرات هسته ای بویژه تحریم ها می دیدند و سودای برنده شدن در انتخابات چندان مجالی برای آنها باقی نگذاشت تا تأمل کنند که چه میراثی برای خود به جا می گذارند. اکنون به وضوح می توان دید که آن پیش بینی درست بوده است. آمریکایی ها و صهیونیست ها پس از ۲۴ خرداد به این جمع بندی رسیده اند -یا کسانی آنها را به این جمع بندی رسانده اند- که هدف مردم از رای به حسن روحانی این بوده است که او از راه مصالحه یا هر راه دیگر هر چه زودتر تحریم ها را کاهش بدهد و بهبودی در وضع اقتصادی مردم ایجاد شود. نخست در اول تیرماه دولت آمریکا تحریم هایی که شش ماه قبل درباره منع تجارت طلا و فلزات، بنادر و همچنین بیمه علیه ایران وضع کرده بود به اجرا گذاشت و سپس مجلس نمایندگان آمریکا قانونی را تصویب کرد که هدف از آن آنگونه که آمریکایی ها ادعا می کنند به صفر رساندن صادرات نفت ایران است. در حالی که قاعدتا آمریکایی ها باید به رویی گشاده

به استقبال روحانی می‌رفتند و لااقل تا زمان روی کار آمدن او از تشدید تحریم‌ها خودداری می‌کردند، مشاهده می‌شود که کسی در واشینگتن - و خصوصا تل آویو، جایی که تصمیم‌های اصلی در آن گرفته می‌شود- برای این «پالس‌های مثبت» ارزشی قائل نشده است بلکه برعکس هرچه درباره اعتمادسازی، شفاف سازی، تعامل و اعتدال گفته شده از دید آمریکایی‌ها چیزی جز نشانه‌های ضعف و بنابراین افزایش آسیب پذیری ایران نبوده است. تداوم این وضعیت می‌تواند برای دولت آقای روحانی که امیدهای زیادی را در بین مردم برای حل مشکلات کشور برانگیخته بسیار خطرناک باشد. امریکایی‌ها باید هر چه سریع‌تر از این توهم خارج شوند که فشارهای بیشتر حرکت جامعه و دولت آینده را به سمت سازش سریع‌تر خواهد کرد. اگر فقط راه برای کم شدن سرعت قطار تحریم‌ها وجود داشته باشد، آن یک راه این است که مقام‌های کلیدی دولت یازدهم این مسئله را به غربی‌ها تفهیم کنند که با این اقدامات تنها کاری که می‌کنند افزایش پر نشدنی فاصله با هرگونه توافق و مصالحه احتمالی است. این کاری است که قبل از هر کس شخص آقای روحانی باید انجام بدهد. غربی‌ها باید بدانند که هیچ راحت الحلقومی از جانب ایران برای بلعیدن روی میز گذاشته نخواهد شد و گرنه تنها کاری که می‌کنند این است که آورده‌های خودشان را از روی میز بر می‌دارند، فشارها و تهدیدها را بیشتر می‌کنند و قیمت آنچه را که شما روی میز گذاشته اید هم به حداقل مقدار ممکن محاسبه خواهند کرد. اگر دولت یازدهم علاقه‌ای به مذاکره موفق با غربی‌ها دارد باید به آنها نشان بدهند که رفتارشان تابع شدت فشارها نیست والا تنها چیزی که دریافت خواهند کرد فشار است و بس.

نتیجه گیری

چندی پیش رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با مسئولین نظام در خصوص مذاکره با آمریکا و کشورهای غربی مانند انگلیس تاکید کردند که

"باید طرف مقابل را شناخت اما آمریکایی‌ها، هم غیرقابل اعتمادند، هم غیر منطقی و هم اینکه در برخوردشان صادق نیستند". سخنان رهبر انقلاب درحالی مطرح شد که با روی کار آمدن دولت جدید در ایران چه در داخل کشور و چه در خارج، عده‌ای تصور می‌کردند که بحث مذاکره با امریکا بار دیگر قوت خواهد گرفت و تنش میان دو کشور کاهش خواهد یافت اما درست در زمانی که دولت جدید ایران در حال پا گرفتن بود، امریکا با اتخاذ شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران، پیام تازه‌ای به دولت جدید داد و به این ترتیب مجدداً دروغ بودن اراده رهبران کاخ سفید برای مذاکره با ایران را اثبات کرد. رفتار امریکا نه در هنگام روی کار آمدن روحانی بلکه در طول سالیان متمادی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نشان داده است که این کشور در روابط خود با ایران صداقت نداشته و همواره در این مسیر از در دشمنی وارد شده است و هیچ گاه نیز حاضر به عذرخواهی و پذیرفتن اشتباهات گذشته خود در برابر ملت ایران نبوده و نیست. همزمان با آغاز کار حجت الاسلام روحانی نیز تا این لحظه همان رفتارهای نخ نمای گذشته تکرار شد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که تشدید تحریم‌ها، اعمال سیاست چماق و هویج، پی‌گیری بحث براندازی از درون و تغییر رژیم، حمایت از تروریستها، حمایت بی قید و شرط از اسرائیل و تهدید مکرر به حمله نظامی در زمره اصلی ترین برنامه‌های اوباما در قبال ایران قرار داشت. وی هنگام انتخاب دوباره خود در کاخ سفید موضوع گفت وگوهای دوجانبه با ایران را مطرح کرد اما همزمان با این ادعا تحریم‌های شدیدتری را علیه ایران در نظر گرفت. به هر روی بیشترین تحریم‌های ایران در دولتی اتفاق افتاد که از قضای روزگار بیشترین ادعای تلاش برای رابطه با ایران را داشت. آخرین سیاست تحریمی امریکا در قبال ایران همزمان با روی کار آمدن دولت جدید

در ایران اتخاذ شد و آمریکا نشان داد که سیاست‌هایش با آمدن و رفتن دولت‌ها در ایران تفاوت چندانی نمی‌کند و برای او تنها یک هدف و آن نیز سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد.

ملاک هایی برای ارزیابی دولت یازدهم

حسین عبداللہی فر

با شکل گیری کابینه دکتر روحانی که با رای اعتماد بالای نمایندگان مجلس مواجه شد، ابعاد بیشتری از اهداف و رویکردهای دولت یازدهم روشن گردید.

برخی دیگر با استقبال از این دولت، شرایط فعلی را بهترین حالت می‌دانند و برخی نیز این وضعیت را بدترین حالت ممکن ارزیابی کرده و رویکرد تقابلی با آن را آغاز کرده‌اند و این در حالیست که نه نگاه اول که با رویکرد کاملاً منفی گرایانه‌ای همه چیز را از دست رفته تلقی کرده و نومیدانه به صحنه می‌نگرد، از صحت و دقت بالایی برخوردار بوده و نه دیدگاه دوم که کاملاً خوشبینانه، قصد دارد اوضاع را بر وفق مراد و حتی مهندسی شده نشان دهد، صحیح به نظر می‌رسد. در این میان بعضی چنین وانمود می‌کنند که در عرصه رقابت‌های انتخاباتی جهت رسیدن به وضعیت فعلی ایفای نقش کرده‌اند و حال آنکه چنین ادعاهایی با واقعیات صحنه انتخابات همخوانی نداشته و نباید عده‌ای جهت توجیه عملکرد غلط خود، وضعیت فعلی را به نفع خود مصادره کنند.

به هر حال دیدگاه‌های متعدد در خصوص کابینه و دولت یازدهم را می‌توان در چند دسته طبقه بندی کرد:

الف) دیدگاه اصلاح طلبان

در اصلاح طلبان دو نقطه نظر متفاوت نسبت به دولت یازدهم مشاهده می‌شود که یکی متعلق به همراهان و موتلفین آقای روحانی در انتخابات است. از این دسته می‌توان به عنوان همراهان ناراضی یاد کرد چرا که از

ترکیب کابینه ناراضی و انتظار معاون اولی عارف را حداقل خواسته خود می‌دانند که محقق نشد. لذا ضمن همراهی کلی با کابینه و دولت یازدهم، نسبت به حضور برخی از وزراء معترض بوده و در کل کابینه آقای روحانی را مشابه کابینه آقای هاشمی در دهه هفتاد ارزیابی می‌کنند. برخی از این دسته از اصلاح طلبان مدعی شده‌اند که کابینه را آقای هاشمی بسته و ایشان انتقام مجلس ششم را گرفته است. برخی نیز متذکر شده‌اند که ائتلاف اجباری با روحانی صحیح نبوده و حداقل بایستی تعهدات لازم از وی اخذ می‌شد.

گروه دیگر اصلاح طلبان شامل افرادی می‌گردد که از قبل مخالف ائتلاف با روحانی بوده اما در حال حاضر معتقدند شرایط به نسبت به گذشته مساعدتر و ترکیب کابینه نیز با توجه انتظاراتی که آقای روحانی داشته اند، مناسب ارزیابی می‌کنند. ضمن آنکه از نگاه این افراد شرایط کشور جهت بازگشت اصلاح طلبان مطلوب و تلاش‌ها برای تغییر ترکیب مجلس از هم‌اکنون آغاز شده است.

ب) دیدگاه اصولگرایان

در جریان اصولگرایی نیز حداقل دو دیدگاه نسبت به دولت یازدهم وجود دارد؛ یکی دیدگاه تقابلی است که معتقد است اکثریت اعضای کابینه متعلق به اصلاح طلبان و حتی بخش‌هایی از متهمین به فتنه تعلق دارد. لذا تنها عنوان اعتدال برای حفظ ظواهر و تعادلی میان دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب وجود ندارد، این افراد برای مستند سازی ادعای خویش به ترکیب وزرای پیشنهادی آقای روحانی اشاره می‌کنند که از ۱۸ نفر ۹ نفر با تابلو اصلاحات و ۵ نفر با عنوان مستقل اما دارای تفکر اصلاح طلبی و کارگزاری و از چهار نفر موسوم به اصولگرایان هم برخی دارای تفکر اصولگرایی نیستند. برخی از افراد این گروه حتی گفته‌اند که آقای روحانی وزارتخانه‌هایی را به اصولگرایان اختصاص داده که بتواند اهداف خویش در حذف اصولگرایان را

توسط خود آنها محقق سازد.

این گروه عمدتاً متعلق به کسانی است که در جریان انتخابات قائل به ائتلاف اصولگرایی نبوده و انتخابات را صرفاً رقابت درون گروهی میان طیف‌های مختلف اصولگرایان می‌دانستند و در خصوص حضور اصلاحات و اعتدال بر این باور بودند که از این جریان اولاً کسی به میدان نخواهد آمد و ثانیاً آراء لازم جهت پیروزی را ندارد.

عنوان دیدگاه دیگر اصولگرایان «تعاملی» است که شامل افرادی می‌شود که میان آرمانگرایی و واقعی بینی موفق به ترکیب شده و واقع‌بینانه پیروزی جریانی در مقابل اصولگرایان را پذیرفته و ترکیب کابینه را هم مانند شخص آقای روحانی «متفاوت» از اصولگرایی و اصلاح طلبی ارزیابی می‌کنند. اینها بر این عقیده هستند که انتقاد نسبت به حضور برخی از وزراء کاملاً پا برجا و پذیرفتنی است اما کلیت کابینه رویکردی اقتصادی و کاری داشته و همین که آقای روحانی توانسته است افراد میانه رو از گروه‌های سیاسی را گزینش کرده و البته باید نسبت به بازگشت فتنه گران حساس بود.

نگاه‌های بیرونی و خارجی نسبت به کابینه را هم می‌توان در دو دسته جای داد. یکی نگاه مثبت که می‌گوید باید رویکرد غرب در قبال دولت آقای روحانی متفاوت از گذشته باشد و این دولت می‌تواند در یک رویکرد تعاملی برخی از مسائل مطرح شده در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را حل کرده و به صورت جدی مذاکرات ۵+۱ را دنبال خواهد کرد. در مقابل این نظر برخی از اندیشکده‌های آمریکایی بر این باورند که روی کار آمدن دولتی با عنوان میانه‌رو و اعتدال‌گرا برای منافع غرب در منطقه و جهت مقابله افراطی با ایران ناسازگار است. در یکی از مراکز مطالعاتی آمریکایی پیروزی اعتدال‌گرایان در ایران را مانع تحقق پروژه «ایران هراسی» در منطقه ارزیابی کرده که چند میلیارد ضرر اقتصادی را به خاطر عدم امکان فروش تسلیحات

به کشورهای منطقه وارد کرده است ضمن آنکه برخورد نظامی، اجماع جهانی علیه ایران و حرکت تجزیه طلبانه در این کشور را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازد.

در میان این نگاه‌های متفاوت و متعارض ارزیابی واقع‌بینانه از دولت یازدهم چگونه صورت می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش، سوال مهم این است که چه ملاک و معیارهایی برای ارزیابی دولت یازدهم وجود دارد.

ملاک‌های چهار گانه جهت ارزیابی دولت یازدهم

به نظر می‌رسد جهت ارزیابی دولت و کابینه یازدهم لازم است چهار ملاک مهم را مورد توجه قرار داد:

الف) انتخابات و رای مردم

حضور و مشارکت بیش از ۷۲٪ مردم در پای صندوق‌های رای و گزینش آنها دو پیام آشکار داشت؛ یکی اعتماد به نظام و تحقق حماسه سیاسی مورد نظر رهبر معظم انقلاب جهت ناکام کردن توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و دیگری تغییر وضع موجود و خروج کشور از وضعیت اقتصادی فعلی.

آنچه در ارزیابی کابینه باید به عنوان یک معیار مورد توجه قرار گیرد این است که دولت یازدهم باید ماهیتی متفاوت از دولت دهم و رویکرد اقتصاد محور و توانمند و کاری باشد که الزاما از عهده پاسخگویی به نیازهای معیشتی و مشکلات اقتصادی جامعه برآید. از این رو، کابینه یازدهم را باید فراتر از نگاه‌های صرفا سیاسی ارزیابی کرد و به نظر می‌رسد همین نگاه در رای اعتماد نمایندگان مجلس به این دولت وجود داشته که تیم اقتصادی دولت با رای بالایی کار خود را آغاز کرده است.

ب) ماهیت دولت و شخصیت رئیس دولت

معیار دیگری که در ارزیابی کابینه یازدهم باید مورد توجه قرار گیرد ماهیت دولت و نوع تفکر آقای روحانی است. وی در رقابت‌های انتخاباتی خود

را شخصی مستقل معرفی کرد و گفتمان خود را اعتدال معرفی کرد. ایشان در معرفی خود می‌گوید: من یک اعتدال‌گرا هستم من همیشه با اصولگرایان معتدل و اصلاح طلبان معتدل آشنا بودم. امروز هم همان مسیر را دارم هیچ گاه افراط‌گر نبودم نه به سمت راست و نه به سمت چپ. تعریف وی از اعتدال این است که؛ اعتدال‌گرایی به معنای توازن میان آرمان و واقعیت، ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی، اجماع ملی، قانون‌گرایی، بردباری در تعاملات سیاسی، اخلاق و مدارا، دوری از افراط و تفریط، عدم عدول از اصول و محافظه کاری در برابر تحول، رویکرد خردورزانه، فعالانه، واگذاری امور به صاحبان صلاحیت و نه انفعال، نه تقابل در سیاست خارجی.

با این تعریف و شاخصه‌ها از اعتدال، به نظر می‌رسد کابینه یازدهم منطبق بر ویژگی‌های رئیس دولت و شخص آقای روحانی است که باید در ارزیابی‌ها مورد عنایت قرار گیرد.

ج) رهنمودهای مقام معظم رهبری

مجموعه فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص انتخابات ۲۴ خرداد، حماسه سیاسی و نتایج گزینش مردم بیانگر رویکرد حمایتی معظم له از دولت بوده که البته بنابه فرموده ایشان به دو دسته حمایت عام و حمایت خاص قابل تقسیم بوده و میزان آن بستگی به حدود پای بندی دولت‌ها به ارزشهای اسلام و انقلاب دارد.

اما آنچه در حال حاضر به عنوان معیار ارزیابی دولت باید مد نظر قرار گیرد رهنمودهای صریح ایشان در خصوص دولت می‌باشد که بخشی از آن را در جریان مراسم تنفیذ بیان فرموده و تاکید کردند: «من به همه‌ی مسئولین محترم توصیه می‌کنم که ان شاءالله همکاری‌های خودشان را در زمینه‌ی برطرف کردن مشکلات کشور بیش از پیش کنند؛ قوای مجریه، مقننه و قضائیه حداکثر همکاری را بکنند... جمهوری اسلامی با مواضع روشن، با

امکانات فراوان، با آینده ای که همراه با بشارتهای فراوانی است، باید کارهای بزرگی را انجام دهد؛ در درجه‌ی اول، مسائل مربوط به مشکلات داخلی است.... کارهای فراوانی هم وجود دارد که مسئولین از حالا به بعد ان شاءالله باید انجام دهند. جریان پیشرفت کشور و پیشرفت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی توقف پذیر نیست. ان شاءالله به توفیق الهی کارها پیش خواهد رفت.

و همه سعی کنند کمک کنند. من از همه‌ی جریان‌های گوناگون سیاسی درخواست می‌کنم و اصرار دارم، و همچنین از همه‌ی شخصیت‌های متنفذی که دارای نفوذ کلمه هستند، دارای حوزه‌ی تأثیرگذاری در میان ملت هستند، درخواست می‌کنم به مسئولین، به دولت، به رئیس‌جمهور کمک کنند تا ان شاءالله بتوانند وظائف سنگینی را که بر عهده دارند، بخوبی انجام دهند و توقعاتی را که وجود دارد و مردم دارند، ان شاءالله به بهترین وجهی برآورده کنند.

(د) شرایط محیطی (نظام جهانی، منطقه و اوضاع داخلی)

در خصوص تحولات منطقه و نظام جهانی سه نظریه وجود دارد؛

۱- نظام بین‌الملل در حال تغییر است و بار آن را خاورمیانه بدوش می‌کشد. صاحبان این دیدگاه معتقدند بعد از فروپاشی شوروی نظام بین‌الملل تثبیت نشده و چندگانگی قطبی فعلی که سبب شده تا از جهات مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی؛ نوع نظام‌های تک، دو، سه و چند قطبی حاکم گردیده که از پیامدهای آن بروز بی‌ثباتی، تحولات سریع و بروز رخدادهای غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد. کارشناسان مطالعات بین‌الملل وضعیت ناپایدار کنونی را در حال تغییر و تحول به سمت یک نظام پایدار و تعیین اقطاب آن ارزیابی کرده و تاکید می‌کنند بسیاری از تحولات سیاسی و امنیتی منطقه جنوب شرق آسیا و بی‌ثبات‌سازی‌های سازماندهی شده به عنوان بخشی از

تغییر سیستم نظام بین الملل قابل تفسیر می‌باشد.

۲- آنارشیزم منطقه‌ای عنوان دیدگاه دیگری است که اتفاقات منطقه را در چارچوب تشنجات داخلی ارزیابی می‌کند. از این منظر آنچه در سوریه، مصر، عربستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، تونس و عراق رخ می‌دهد، مسائلی کاملاً داخلی و بدون ارتباط با مسائل جهانی قابل تحلیل بوده لکن در کلیه مراحل و روند این تحولات می‌توان تلاش غرب و امریکا جهت جلوگیری از افزایش قدرت منطقه ایران اسلامی را مشاهده کرد.

۳- در دیدگاه سوم همه تحولات منطقه تحت مدیریت آمریکا ارزیابی می‌شود. صاحبان این نظریه بر این باورند که ایالات متحده با وقوف بر نیروی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران در تولید امواج بیداری اسلامی، ادامه این روند را برای منافع حیاتی غرب خطر آفرین دانسته و برای توقف آن دست به کار شده است. بر اساس این نظر واشنگتن تمرکز خود را در منطقه بر روند قدرت یابی، قدرت سازی، قدرت نمایی جمهوری اسلامی قرار داده و اتفاقات سوریه را بوسیله گروه‌های افراطی سنی مذهب در راستای تجزیه، جنگ‌های مذهبی، بی ثبات سازی در کشورهای ناهمخوان غرب تدارک دیده و اخیراً توانسته است جنبش تمرد را در کشورهایی که با بیداری اسلامی، نقش امریکا کم‌رنگ شده، بویژه مصر ابعاد ضد غربی بیداری اسلامی را مهار کند.

نگاهی اجمالی به نقطه نظرهای مطرح شده نشان می‌دهد که نظریه سوم از تناسب بیشتری با شرایط منطقه برخوردار است. چراکه آمریکا برای حفظ منافع و موقعیت خود در خاورمیانه در صدد تضعیف و مهار قدرت جهان اسلام برآمده و به این منظور، درگیری امنیتی و کاهش توان نظامی ارتش اسلام را در دستور کار خود قرار داده است.

مقاصد پیچیده غرب و اوضاع منطقه ایجاب می‌کند با دقت و حساسیت بیشتری با مسائل داخلی برخورد کرده و به عنوان یک ملاک مهم جهت

ارزیابی دولت یازدهم و رویکردها و عملکردهای آن مورد توجه قرار داد و اجازه نداد نگاههای تنگ جناحی و افراطی گری‌های بی‌منطق به قصاص‌های پیش از قضاوت و جنایت منجر گردد.

اهمیت آنچه در خصوص ارزیابی دولت یازدهم مورد اشاره قرار گرفت از آن جهت مهم و موثر می‌باشد که مبنای مواجهه با آن را در طول چهار سال آینده شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد چهار رویکرد در نحوه مواجهه با دولت وجود دارد که عبارتند از: رویکرد تهاجمی، رویکرد تقابلی، رویکرد تعاملی و رویکرد تدافعی.

جهت پرهیز از هرگونه پیشداوری در انتخاب این رویکردها و اجتناب جدی از انفعال و نومییدی لازم است در چهار چوب راهبرد زیر به تنظیم روابط با دولت پرداخت: «رصد هوشمندانه، حمایت حکیمانه، نقد منصفانه».

افزایش جمعیت؛ فرصت یا تهدید

«تحدید جمعیتی؛ تهدیدی برای آینده کشور»

مهدوی^۱

مساله افزایش و کاهش رشد جمعیت و تبعات آن از جمله مهم ترین مباحث اقتصادی، اجتماعی هر جامعه انسانی است. سؤال مهمی که از نظر آینده نگری جمعیت مطرح است این است که آیا تغییر در ساختار سنی و گذار از جوانی به سالخوردگی، همان وضعیتی را برای جمعیت ایران رقم نخواهد زد که سال‌هاست در کشورهای اروپایی به یک چالش جدی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی این کشورها درآمده است؟ در آن صورت برای جبران کاستی‌های آن چه چاره‌ای باید اندیشید؟ افزایش جمعیت فرصت است یا تهدید؟

چرا تمام رسانه های غربی برای ایران کاهش جمعیت را توصیه می‌کنند؟ کاهش جمعیت چه آثاری در پی دارد؟ نظر آمار و ارقام در مورد کاهش جمعیت ایران و جهان چیست؟ و در نهایت اینکه آیا در جامعه امروز ما ضرورت اصلاح سیاستهای جمعیتی به چشم می‌خورد؟

مقدمه

بر اساس جدیدترین یافته مرکز آمار ایران از هفتمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۰ کل کشور، جمعیت ایران به ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفر و نرخ رشد میانگین ۵ ساله ۸۵-۹۰، به ۱،۲۹ درصد رسیده در حالی که این نرخ در میانگین ۱۰ ساله ۷۵-۸۵، ۱،۶۲ درصد بود.

^۱- کارشناس ارشد پژوهش‌های اجتماعی

پس از اعلام گزارش مرکز آمار، رهبر معظم انقلاب، که پیش از این در سال ۸۸ نیز نسبت به این قضیه هشدار داده بودند، بار دیگر به ضرورت تغییر در سیاست های کنترل جمعیت تأکید فرمودند و در جمع مسئولان نظام، خواستار تجدیدنظر در سیاست های جمعیتی کشور شدند. ایشان فرمودند: "در اوایل دهه هفتاد اجرای این سیاست بنا بر مصالحی صحیح بود، اما ادامه آن در سال های بعد خطا بود".

البته جمعیت شناسان نیز روند جمعیتی ایران را در مرز هشدار اعلام و تأکید کردند در صورت عدم رشد جمعیت، با افزایش قشر سالمند مواجه خواهیم شد و ممکن است ما نیز با رخداد «پیری جمعیت» روبرو شویم.

رشد سالانه جمعیت در ایران طی ۷ دوره سرشماری نشان می دهد که رشد جمعیت بعد از انقلاب و دهه شصت، به شدت افزایش پیدا کرده و بعد از آن از دهه ۷۰ تا ۹۰ با اجرای سیاست های توسعه ای از جمله اشتغال زنان، آموزش عالی و... کاهش پیدا کرده است

امام خامنه ای تأکید دارند: بررسی های علمی و کارشناسی نشان می دهد که اگر سیاست کنترل جمعیت ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیری و در نهایت کاهش جمعیت خواهیم شد، بنابراین مسئولان باید با جدیت در سیاست کنترل جمعیت تجدید نظر کنند و صاحبان رسانه و تربیون از جمله روحانیون در جهت فرهنگ سازی این موضوع اقدام کنند.

برای تبیین علمی منویات و دغدغه های مقام معظم رهبری در زمینه ی تغییر ساختار جمعیت، بایستی به زمینه های تاریخی تحولات جمعیت کشور، چالش ها و پیامدهای گذار ساختار سنی جمعیت در کشور توجه نمود.

فراز و نشیب تغییر در سیاست های کنترل جمعیت

بررسی جمعیت در برنامه ریزی ها و مطالعات کاربردی جمعیت در ایران از حدود ۴۵ سال پیش که تهیه طرحهای جامع و تفصیلی آغاز شد و برای

نخستین بار جمعیت به عنوان مهمترین عامل در برنامه ریزی تجلی یافت. برنامه‌های تنظیم خانواده در مفهوم اخص در سطح جهانی نیز قدمتی حدود ۵۰ سال دارد. امروزه حدود ۸۵ درصد از کشورهای جهان سوم از خدمات تنظیم خانواده حمایت می‌کنند.

در ایران قبل از انقلاب سیاست کنترل جمعیت به عنوان پایه توسعه مد نظر برنامه ریزان بود، سیاست‌های تنظیم خانواده در زمان پهلوی دوم و از سال ۱۳۳۷ به صورت غیرمتمرکز در شکل‌هایی در حال اجرا بود، در سال ۱۳۴۶ در وزارت بهداشتی «معاونت جمعیت و تنظیم خانواده» زیر نظر هویدا تاسیس شد، در آن دوره نرخ رشد به طور متوسط سالانه ۳/۱ درصد بود که با اجرای سیاست‌های «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ فقط با اندکی کاهش به ۲/۷ درصد رسید.

روند نزولی رشد جمعیت با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ متوقف شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدت کوتاهی برنامه‌های تنظیم خانواده به بوته فراموشی سپرده شد و نتیجه این امر، افزایش سریع موالید و رشد جمعیت بود. البته روند صعودی رشد جمعیت نیز استمرار نیافت، انتشار نتایج سرشماری ۱۳۶۵ نوعی نگرانی در میان مسئولین برنامه ریزی و اجرایی که در تدارک اجرای اولین برنامه‌ی توسعه‌ی ملی پس از انقلاب بودند به وجود آورد. علاوه بر این، عوامل دیگری چون فروکش کردن هیجان‌های سال‌های اولیه‌ی انقلاب، تغییر تدریجی نگرش به جمعیت به عنوان عامل قدرت و پیروزی در جنگ و مهم تر از همه فشارها و مشکلات اقتصادی باعث نوعی چرخش در سیاست‌های جمعیتی دولت در راستای تنظیم خانواده و کنترل موالید در سال ۱۳۶۷ و اجرای عملی آن از سال ۱۳۶۸ شد.

البته سیاست کنترل جمعیت تا پایان دولت اصلاحات پیگیری شد؛ اما با روی کار آمدن دولت نهم تجدید نظرهایی در این سیاست‌ها صورت گرفت، رئیس جمهوری وقت در سال ۸۸ تبلیغ «دو بچه کافی است» را توطئه

استثمارگران دانست و گفت: "ما با توجه به منابع غنی موجود در کشور می‌توانیم تا سه برابر جمعیت کشور را هم تغذیه کنیم" و تغییر در این سیاست‌ها را خواستار شد.

رهبر معظم انقلاب نیز از ظرفیت منابع ایران برای ۱۵۰ میلیون نفر خبر دادند و کارشناسان از روند تغییرات جمعیت کشور سخن گفته‌اند و زنگ خطر را در این زمینه به صدا در آورده‌اند. اگر میزان نرخ باروری افزایش پیدا نکند، ایران در کمتر از سه دهه، جمعیتی سال خورده خواهد داشت و این مسئله به افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی به رفع دغدغه خیل عظیم سالخوردگان منجر می‌شود.

وضعیت جمعیتی ایران در میان کشورهای مشابه

با اشاره به اینکه یکی از شاخص‌های جمعیتی برای ظرفیت جمعیتی محاسبه تراکم حسابی و بیولوژیک است، می‌توان بیان کرد: در حال حاضر تراکم حسابی جمعیت ایران برای ۴۳ نفر در هر کیلومتر مربع و تراکم بیولوژیک نزدیک به ۴ نفر در هر هکتار است که تراکم حسابی جمعیت در آسیا در سال ۲۰۰ برابر ۱۲۰ نفر در هر هکتار بوده است و مثلاً در ژاپن نزدیک به ۳۳۹ نفر و در کره شمالی ۱۹۷ نفر در هر هکتار بوده است که با این مقایسه ایران جزء کشورهای کم جمعیتی در کشورهای آسیایی به شمار می‌آید.

البته ایران در مقایسه با کشورهای همچون تابلند، کوبا، ایتالیا و آلمان از نرخ رشد بیشتری برخوردار است لکن در مقایسه با کشورهای همسان جمعیتی همچون مصر، فیلیپین، اتیوپی و کنگو از نرخ پایین تری برخوردار است.

مقایسه‌ی نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت ایران با کشورهای هم جمعیت جهان در سال ۲۰۱۱م.								
سناریوی رشد کمتر			سناریوی رشد برابر			سناریوی رشد بیشتر		
کشور	تعداد	نرخ رشد	کشور	تعداد	نرخ رشد	کشور	تعداد	نرخ رشد
نابلند	۶۹/۵	۰/۵	ایران	۷۷/۹	۱/۳	کنگو	۶۷/۸	۲/۸
فرانسه	۶۳/۳	۰/۴	ترکیه	۷۴/۰	۱/۲	انپویی	۸۷/۰	۲/۷
ایتالیا	۶۰/۸	-۰/۱	ویتنام	۸۷/۹	۱/۰	مصر	۸۲/۶	۲/۰
آلمان	۸۱/۸	-۰/۲				فیلیپین	۹۵/۷	۱/۹

مقایسه نرخ باروری ایران و جهان

شاخص ۲/۱ یا کمتر (یعنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل) یکی از شاخص‌های شناخته شده نرخ باروری کل (T.F.R) است، یعنی تعداد فرزندی که جانشین والدین می‌شوند که اگر این شاخص در حد ۲/۱ یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل است. این رقم طبق اطلاعات مرکز آمار ایران و سازمان ملل در سال ۱۳۸۵ برای کل کشور ۱,۸ و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱,۶ فرزند رسیده است و اگر روند فعلی ادامه یابد در سال ۱۳۹۵، جمعیت ایران به ۷۶ میلیون و ۹۷۳ هزار نفر، باروری کل ۱,۳۴، میزان مرگ و میر ۵,۴، میزان مولید ۱۳,۷، شاخص سالخوردگی ۸,۸ و نرخ خالص مهاجرت به ۰,۴- خواهد رسید.

در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان نرخ فرزند آوری در ایران بسیار نگران کننده است. زنان ایرانی با دارا بودن ۱/۸۷ فرزند در مکان ۱۴۴ ام جدول جهانی فرزند آوری قرار می‌گیرند. در حالی که آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، و انگلیس رتبه ۱۳۷ را در این جدول به خود اختصاص داده و در مکان‌های بالاتر از ایران قرار گرفته‌اند.

جدول تحولات میزان باروری کل طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱م

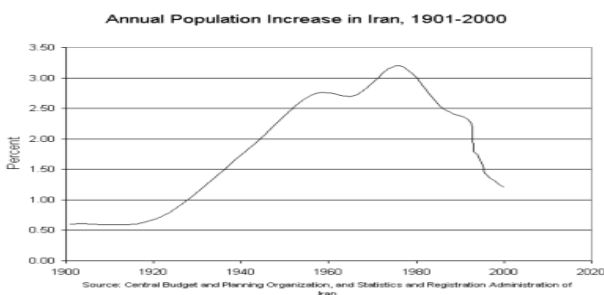
ردیف	کشور	میزان باروری کل		تغییرات مطلق	رشد سالانه	ردیف	کشور	میزان باروری کل		تغییرات مطلق	رشد سالانه
		۲۰۱۱	۲۰۰۵					۲۰۱۱	۲۰۰۵		
۱	آلبانی	۲.۳	۲.۰	۰.۸	-۳۴.۸	۲۳	قبرقیزستان	۲.۷	۲.۶	۰.۱	-۳.۷
۲	ایران	۲.۱	۱.۶	۰.۵	-۲۳.۸	۲۴	مالزی	۲.۹	۲.۶	۰.۳	-۱۰.۳
۳	مالدیو	۴.۳	۱.۷	۲.۶	-۶۰.۵	۲۵	مصر	۳.۵	۲.۶	۰.۹	-۲۵.۷
۴	امارات متحده عربی	۲.۵	۱.۷	۰.۸	-۳۲.۰	۲۶	سوریه	۳.۵	۲.۸	۰.۷	-۲۰.۰
۵	لبنان	۲.۳	۱.۸	۰.۵	-۲۱.۷	۲۷	اردن	۳.۵	۲.۹	۰.۶	-۱۷.۱
۶	تونس	۲	۱.۹	۰.۱	-۵.۰	۲۸	تاجیکستان	۲.۸	۲.۲	۰.۶	-۱۵.۸
۷	برونئی	۲.۵	۲	۰.۵	-۲۰.۰	۲۹	پاکستان	۴.۳	۳.۲	۱.۱	-۲۵.۶
۸	ترکیه	۲.۵	۲	۰.۵	-۲۰.۰	۳۰	جیبوتی	۵.۱	۳.۶	۱.۵	-۲۹.۴
۹	الجزایر	۲.۵	۲.۱	۰.۴	-۱۶.۰	۳۱	سودان	۴.۴	۴.۲	۰.۲	-۴.۵
۱۰	اندونزی	۲.۴	۲.۱	۰.۳	-۱۲.۵	۳۲	موریتانی	۵.۸	۴.۴	۱.۴	-۲۴.۱
۱۱	آذربایجان	۱.۹	۲.۳	۰.۳	۱۵.۸	۳۳	سنگال	۵	۴.۶	۰.۴	-۸.۰
۱۲	مراکش	۲.۸	۲.۲	۰.۶	-۲۱.۴	۳۴	کومور	۴.۹	۴.۷	۰.۲	-۴.۱
۱۳	قطر	۳	۲.۲	۰.۸	-۲۶.۷	۳۵	گامبیا	۴.۷	۴.۷	۰	۰.۰
۱۴	بنگلادش	۳.۳	۲.۲	۱	-۳۱.۳	۳۶	سیرالئون	۶.۵	۴.۷	۱.۸	-۲۷.۷
۱۵	عمان	۳.۸	۲.۲	۱.۶	-۴۲.۱	۳۷	یمن	۶.۲	۴.۹	۱.۳	-۲۱.۰
۱۶	ازبکستان	۲.۷	۲.۳	۰.۴	-۱۴.۸	۳۸	گینه	۵.۱۵	۴.۹	۰.۲۵	-۴.۹
۱۷	ترکمنستان	۲.۸	۲.۳	۰.۵	-۱۷.۹	۳۹	چاد	۶.۷	۵.۸	۰.۹	-۱۳.۴
۱۸	کوت	۲.۴	۲.۳	۰.۱	-۴.۲	۴۰	بورکینافاسو	۶.۷	۵.۸	۰.۹	-۱۳.۴
۱۹	بحرین	۲.۵	۲.۴	۰.۱	-۴.۰	۴۱	مالی	۶.۹	۶.۱	۰.۸	-۱۱.۶
۲۰	جهان	۲.۷	۲.۴	۰.۳	-۱۱.۱	۴۲	سومالی	۶.۴۴	۶.۳	۰.۱۴	-۲.۲
۲۱	لیبی	۳	۲.۴	۰.۶	-۲۰.۰	۴۳	نیجر	۵.۸	۶.۹	۱.۱	۱۹.۰
۲۲	عربستان سعودی	۴.۱	۲.۶	۱.۵	-۳۶.۶						

پیش بینی جمعیتی ۸۰ سال آینده ایران

در خصوص پیش‌بینی جمعیتی ایران براساس سناریوی رشد پایین سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ باید گفت که در سال ۱۴۰۰، جمعیت ایران به ۷۸ میلیون و ۶۵۷ هزار نفر، باروری کل ۱.۰۵، میزان مرگ و میر ۵.۴، میزان مولید ۱۰، شاخص سالخوردگی ۱۰.۷ و نرخ خالص مهاجرت ۰.۳- و در سال ۱۴۰۵، جمعیت ایران به ۷۹ میلیون و ۱۴۱ هزار نفر، باروری کل ۰.۸۶،

میزان مرگ و میر ۵,۸، میزان موالید ۷,۲، شاخص سالخوردگی ۱۳,۳ و نرخ خالص مهاجرت به ۰,۳- خواهد رسید.

همچنین در سال ۱۴۱۰، جمعیت ایران به ۷۸ میلیون و ۹۸۵ هزار نفر، باروری کل ۰,۸۴، میزان مرگ و میر ۶,۴، میزان موالید ۶,۲، شاخص سالخوردگی ۱۶,۳ و نرخ خالص مهاجرت به ۰,۳- و در نهایت در سال ۱۴۸۰ جمعیت کشور به ۳۱ میلیون و ۳۹۷ هزار نفر، باروری کل ۱,۴۸، میزان مرگ و میر ۲۴,۹، میزان موالید ۶، شاخص سالخوردگی ۴۷,۴ و نرخ خالص مهاجرت به صفر خواهد رسید.

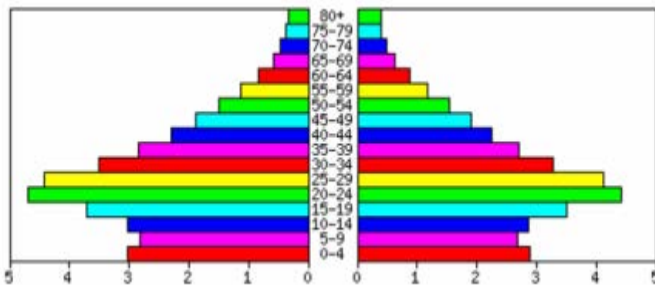


بنابر این طبق آمار داخلی و پیش بینی سازمان ملل در آینده بعد از کمی افزایش تا سال ۱۴۰۵، رشد جمعیت رو به کاهش می‌گذارد و در سال ۱۴۷۰ کل جمعیت ۳۷ میلیون نفر است که ۴۹,۸ درصد آن یعنی نیمی از جمعیت را سالخوردگان تشکیل می‌دهند و رشد باروری کل در آن زمان حدود (۱/۵) است.

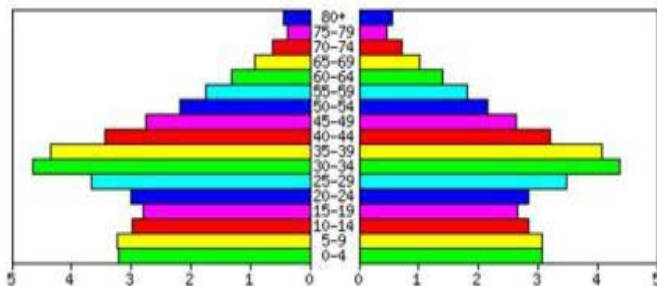
لذا بر اساس پیش بینی های آماری منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰، در صورتی که کاهش رشد جمعیت کشور ما با نرخ فعلی ادامه یابد در ۸۰ سال آینده ایران جمعیتی حدود ۳۱ میلیون نفر خواهد داشت که نزدیک به نصف آن را افراد بسیار پیر تشکیل می‌دهند و در نتیجه با توجه به عدم وجود نیروی انسانی کافی عملاً کشور دستخوش تهدید

های بزرگ امنیتی و اقتصادی خواهد شد. هم اکنون ایران یکی از ۱۰ کشوری است که جمعیت آن به سرعت به سمت کهن سالی پیش می‌رود و متأسفانه هنوز هم تبلیغ کاهش زادآوری حتی در رسانه های رسمی و دولتی ادامه دارد.

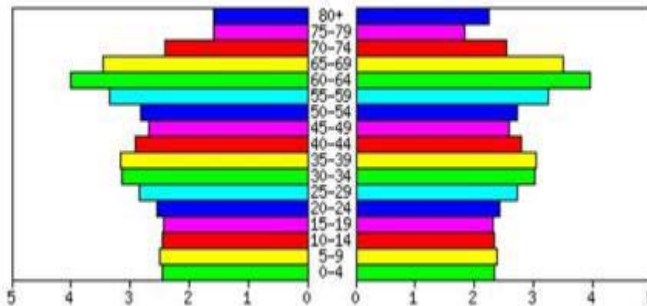
در صورتی که روند فعلی تغییرات جمعیت کشور ادامه پیدا کند ساختار سنی جمعیت در طی مدت دو سه دهه به صورت هرم وارونه در خواهد آمد.



ساختار سنی جمعیت در سال ۱۳۸۸



ساختار سنی جمعیت در سال ۱۳۹۸



ساختار سنی جمعیت در سال ۱۴۲۸

این در شرایطی است که چشم انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ و مرجعیت علمی ۱۴۳۵ در کنار تلاش برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان از مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران است، اما روند سالخورده شدن ساختار جمعیت کشور مانع جدی برای چنین اهدافی به شمار خواهد رفت و کشور را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد.

چرا غرب کنترل جمعیت را برای ایران تجویز می‌کند؟

علی‌رغم عدم توجه سیاست‌گذاران ایرانی به این خطر بزرگ، سیاست‌مداران دنیای استکبار به خوبی به این معضل ایران آینده توجه دارند تا جایی که در سال ۲۰۰۹ برژینسکی نومحافظه‌کار آمریکایی که یکی از سیاست‌گذاران کهنه کار آمریکا و از اعضای مهم تشکیلات بیلدربرگ و کلوب بوهوم و از طراحان پروژه نظم نوین جهانی است در مصاحبه‌ای با روزنامه وال استریت ژورنال می‌گوید: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفتگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست».

پیامدها و بحرانهای پیری جمعیت

حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که در صورت وقوع جامعه‌ی پیر برای ایران در آینده، با چه بحران‌هایی مواجه خواهیم شد؟ با توجه به تجربه‌ی انتقال جمعیتی در کشور، پیش‌بینی‌های علمی انجام شده و آینده‌نگری مسائل جمعیتی از دیدگاه صاحب‌نظران جمعیتی کشور، پیامدهای پیری جمعیت (دغدغه)، شامل پیامدهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و از همه مهمتر سیاسی - امنیتی خواهد شد که عبارت‌اند از:

- پیامدهای جمعیتی

۱. بحران میزان باروری و تجدید نسل
۲. کاهش حجم کل جمعیت ملی و رشد جمعیت ملی؛
۳. افزایش میانه‌ی سنی و بحران سالمندی جمعیت؛
۴. افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی

پیامدهای اقتصادی

۱. کاهش جمعیت در سن کار؛
۲. کاهش رشد اقتصادی؛
۳. پایین آمدن نرخ پس‌انداز خانواده؛
۴. افزایش بار مالی نسل‌های جوان‌تر؛
۵. افزایش بار تکفل؛
۶. افزایش تقاضای بازنشسته‌های فعلی و فشار بر سیستم تأمین اجتماعی؛

- پیامدهای اجتماعی - سیاسی

۱. شکاف‌های نسلی در اثر بهم خوردن توازن جمعیت نسل‌ها؛
۲. جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان.

۳. تغییرات هویتی و فرهنگی و بحران امنیتی

۴. بحرانهای قومیتی و مذهبی

مقایسه سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت در ایران و جهان

در حالی که سیاست تبلیغ کاهش جمعیت از سوی دنیای غرب شروع و پیگیری شده امروز این رتبه ایران است که در جدول آماری فرزندآوری بیش از ۲۰ پله از آمریکا عقب بوده و این رتبه برای اسرائیل دو برابر ایران است. بدین معنی که تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده صهیونیست اسرائیلی یا یک خانواده آمریکایی است.

در حال حاضر کشورهای پیشرفته که نرخ باروری کل آنها کمتر از ۲ است با ارائه مشوق‌هایی تلاش دارند تا والدین را به داشتن فرزند بیشتر ترغیب کنند و کسی هم اقدامات آنها را منفی ارزیابی نمی‌کند.

✓ کمک ماهانه ۴۰۰ دلاری برای خانواده صاحب فرزند شده در آلمان
✓ از تسهیلات سه سال مرخصی تا کمک هزینه برای گرفتن خدمتکار در فرانسه

✓ پرداخت ۱۳۰۰۰ ین در هر ماه به پدر و مادر ژاپنی تا ۱۵ سالگی فرزند

✓ دولت روسیه برای بچه اول ۱۵ هزار دلار و برای بچه سوم یک خانه می‌دهد

✓ اعطای مرخصی متناوب برای مادر و پرداخت کمک‌هزینه تا ۱۶ سالگی فرزند در سوئد

✓ پرداخت حقوق ۱۰۰۰ تا ۷۵۰۰ دلاری به ازای فرزند اول تا سوم در کشورهای غربی و کانادا

در واقع سیاست‌های مشوق باروری اعمال شده در کشورهای اروپایی که با روند کاهشی باروری روبه‌رو بوده‌اند عبارت‌اند از:

- مشوق‌های مالی و اقتصادی؛
- تدوین قانون حمایت از خانواده و قرار دادن آن در رأس برنامه‌ها؛
- سازگار نمودن مشارکت زنان در بازار کار با فرزند دار شدن (سازگار نمودن نقش مادری با نقش کارمندی و کارگری) شامل مرخصی زایمان به مدت مناسب با حقوق «فراهم آوردن امکانات نگهداری کودکان در مهد کودک‌ها»؛
- تشویق تولد فرزند دوم و سوم؛
- تشویق تساوی مسئولیت‌ها برای زن و مرد هم به‌عنوان کارمند و هم به‌عنوان ارائه دهنده‌ی مراقبت برای کودک؛
- مرخصی آموزشی با حقوق؛
- وام‌های بدون بهره به زوج‌های تازه ازدواج کرده؛
- افزایش پاداش‌های مادی به تولدها؛
- افزایش مزایای پرداختی ماهانه‌ی خانواده؛
- بهبود مراقبت از کودکان؛
- افزایش سرمایه‌ی انسانی با تشویق مردم برای کارکردن برای سال‌های طولانی‌تر. این امر به معنای طولانی کردن طول مدت زندگی کاری و تشویق ورودی‌های جدید به بازار کار مانند زنان است (این سیاست بیشتر برای مقابله با عواقب سالمندی جمعیت است.)؛
- برنامه‌ی تخفیف ساعت‌های کار و مزایای مربوط به آن (نروژ)؛
- برنامه‌ی حمایت از مراقبت کودکان در مراکز غیردولتی (نروژ).

بررسی سیاست‌های جمعیتی دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی

مصوبات جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۵ ماده و ۶ تبصره در جلسات ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱ و ۷۱۲ به تصویب رسید.

در راهبردهای ملی این مصوبه به فرهنگ سازی برای دستیابی به

جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری به ویژه زیر حد جانشینی، تدوین سیاست ها، برنامه ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دست یابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست ها، برنامه ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری، تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هرچه کامل تر نقش مادری و همسری، ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور، آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست های مهاجرتی به منظور جهت دهی به جابجایی های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی و اهتمام به ارتقاء کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آنها اشاره شده است.

براساس این مصوبه، متناسب با هر یک از راهبردهای ملی اقدامات ملی صورت می گیرد که شامل تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه های آموزشی، پژوهشی، اطلاع رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه های جمعیتی به ویژه صدا و سیما و شبکه های استانی آن با هدف گفتمان سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی می شود.

محور سیاستهای تشویقی جمعیتی:

- ✓ تبیین نظریه جمعیتی اسلام و ترویج آن توسط روحانیت
- ✓ اصلاح نگرش ها و برنامه های درسی در سطوح آموزش و پرورش و آموزش عالی
- ✓ پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دو سالگی کودک
- ✓ اختصاص بسته بهداشتی- درمانی رایگان

- ✓ افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه
- ✓ طرح آتیه فرزندان با مبنا قرار گرفتن ارزش ریالی سال ۱۳۸۹ به عنوان سال پایه
- ✓ در نظر گرفتن تسهیلات برای مادران دانشجو
- ✓ تغییر الگوهای اشتغال زنان
- ✓ پرداخت وام قرض الحسنه «فرزند» به مبلغ یکصد میلیون ریال به خانواده‌ها
- ✓ کاهش مدت خدمت سربازی متناسب با سن ازدواج و تعداد فرزندان
- ✓ افزایش اعتبارات، امکانات و فعالیت‌های ورزشی دختران و پسران در مدارس و دانشگاه‌ها
- ✓ ترویج زایمان طبیعی و بدون درد و مقابله هدمند با سزارین‌های غیرضروری
- ✓ بسترسازی مناسب برای اجرای سیاست جمعیتی توسط مسئولان

اگرچه شاید با تصویب مصوباتی از این دست اشتیاق فرزندآوری در برخی زوج‌های جوان ایجاد شود، ولی نباید فراموش کرد که افزایش نرخ باروری پیش از قانون به فرهنگ سازی نیاز دارد و برای فراگیر شدن آن باید ماده‌ای از این مصوبه که به این امر توجه می‌کند به خوبی و درستی اجرا شود و بسترسازی مناسب صورت گیرد. به علاوه اینکه امیدواریم مشوق‌های مصوب این قانون به سرنوشت طرح آتیه فرزندان دچار نشده و حتماً اجرا گردد.

جمع بندی

در اثر ادامه سیاست‌های غلط تحدید نسل و کم‌کاری مسئولان، از یک طرف خطر پیری نسل و از دست رفتن نیروی جوانی اقتصاد، قدرت سیاسی - ملی و استقلال آینده ایرانی را که ما و فرزندانمان در آن زندگی خواهیم کرد، تهدید می‌کند و از دیگر سوی تغییر ساختار قومیتی، یکپارچگی و اتحاد ما را به مخاطره خواهد انداخت چرا که سیاست‌های تنظیم خانواده تحت تاثیر فرهنگ‌های مختلف نتایج متفاوتی را به همراه داشته و می‌تواند ترکیب

جمعیتی را به گونه‌ای تغییر دهد که زمینه برای تفرقه‌افکنی دشمنان خارجی آماده شده و شرایط از کنترل مدیرانی که آن روز شاید از نظر جمعیت در اقلیت باشند، خارج شود.

اما در کشورمان با وجود هشدار صریح مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام کشور در خصوص لزوم تجدیدنظر در سیاست کنترل جمعیت، متأسفانه در طول یک سال گذشته شاهد اقدامی عملی از سوی نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط نبوده‌ایم و این در حالیست که پیش از این و در راستای اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت که به مدت بیش از ۲۰ سال از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱ به صورت منسجم و سازمان‌یافته به اجرا درآمد، تمام توان و امکانات ارکان‌های مختلف نظام در راستای عملی شدن سیاست تحدید نسل و کنترل جمعیت به کار گرفته شد به طوری که وزارت بهداشت و درمان به عنوان مسئول اصلی اجرای این سیاست، برنامه مدونی را با حمایت‌های مالی سازمان بهداشت جهانی و منابع مالی گسترده داخلی و خارجی برای کاهش جمعیت کشور به اجرا گذاشت.

به هر حال از دشمنان انتظاری جز دشمنی نیست اما نهادهای مسئول و وزارتخانه‌هایی از جمله وزارت بهداشت و درمان کشورمان نیز در این رابطه کمتر از نهادهای بین‌المللی مقصر نبوده به طوری که در راستای اجرای نسخه‌های پیچیده شده توسط این نهادها با حمایت‌های مالی آنان، فرهنگ‌سازی برای کنترل جمعیت را به صورت گسترده برای سالیان طولانی در دستور کار قرار گرفت و حتی دور افتاده‌ترین نقاط کشور نیز از تبلیغات گسترده برای "ایجاد باور لزوم کنترل جمعیت" بی‌نصیب نماند به گونه‌ای که شعار "فرزند کمتر زندگی بهتر" در تمام ابعاد زندگی و باور خانواده‌های ایرانی رسوخ کرد.

متأسفانه باید گفت تا به امروز اقدام عملی درخوری از سوی بخش‌های مختلف دولت، مجلس، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی صورت نپذیرفته است،

خطر ایرانی با جمعیتی به مراتب اندک‌تر و با نسبت سالمندانی بسیار بیشتر از امروز تبدیل به کابوسی برای آینده شده است.

دستاوردهای جهادی دولت های نهم و دهم

بهزاد کاظمی

مقدمه

روحیه جهادی در مفاهیمی از قبیل اخلاص و ایثار، کم توقعی، پرکاری، استقامت، بردباری و گذشت قابل تبیین است.

روحیه جهادی در حقیقت فراتر از انگیزه سازمانی یا سود شخصی است. وقتی روحیه جهادی حاکم شود، انسان خود را در چارچوب وظایف تعیین شده اداری و یا سود شخصی محدود نمی کند.

عملکرد جهادی داشتن، به این معنی است که هر فردی در حوزه مسئولیت خود، آنچه طاقت و توان دارد و آنچه برایش مقدور است به کار گیرد تا مأموریت محوله را برای خدا، به نحو احسن و با همت مضاعف و تلاش بی وقفه به سر منزل مقصود برساند.

امام خامنه‌ای در این زمینه تاکید دارند:

«روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس



دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.» (سخنرانی در مشهد مقدس - ۱۳۹۰ / ۱ / ۱)

مروری بر اقدامات دولت های نهم و دهم نشان می‌دهد که با وجود نقاط ضعف موجود، خدمات تحسین برانگیزی در هشت سال گذشته صوت گرفته که برخی از آنها قابل مقایسه با خدمات تمام دولت های پیش از آن نیست. رهبر معظم انقلاب روز پنجم تیرماه ۹۲ در دیدار مسئولان و کارکنان قوه‌ی قضائیه مطالب مهمی را بیان فرمودند:

"من در مورد اظهاراتی هم که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند - قبل از انتخابات عرض کردم - عرایضی دارم؛ فعلاً خیلی مجال نیست انسان تفصیل را بگوید؛ لیکن یکی از حرف‌های ما همین است. بله، نقاط ضعفی وجود دارد، اما نقاط قوت را هم باید دید. دولت کنونی هم نقاط قوت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدام ما در کار کردمان، در عملمان، نقطه‌ی ضعف نداریم؟ نقاط قوت را هم باید دید. کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنایی‌ای که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، اینها را نباید ندیده گرفت. اینها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ای تبلیغات انتخابات، غالباً ندیده گرفته می‌شد. چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی را بیان می‌کنند، گرانی را بیان می‌کنند، تورم را بیان می‌کنند - که البته اینها واقعیت هم دارد - در کنارش کارهایی که انجام گرفته است، زحماتی که کشیده شده، اینها را هم بیان میکردند."

در اینجا بنا داریم به بیان برخی از اقدامات و دستاوردهای جهادی دو دولت نهم و دهم بپردازیم.

برخی از بخش ها و حوزه‌هایی که با اقدامات مؤثر دولتمردان، روند رو به

رشد آنها به صورت چشمگیری آشکار است در پی می آید:

حوزه بهداشتی و درمانی

طبق آمارهای جهانی در ۸ سال دولت نهم و دهم شاخص بهداشت از ۰,۸۱ به ۰,۸۳۹ ارتقا پیدا کرده است. خانه بهداشت روستایی به تعداد ۲۰۲۸۱ رسیده که بیش از ۲,۸ برابر آمار دوره قبلی می باشد. طی ۷,۵ سال گذشته ۵۵۱ بیمارستان و مرکز درمانی به اتمام رسیده و یا در حال اجراست و ۱۸ هزار تخت بیمارستانی آماده بهره برداری شده است. دولت نهم با بودجه ۲۵۰ میلیون دلاری که از مجلس گرفت، توانست عمل‌های جراحی قلب باز را از تمرکز در تهران خارج و استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ را به آنژیوگرافی مجهز کند و هم‌اکنون در بسیاری از شهرستان‌ها این عمل انجام می‌شود.

حوزه خدمات آب و برق

سدسازی: کل آب موجود پشت سد های کشور تا سال ۸۴ معادل ۲۴ میلیارد متر مکعب بوده است. با احداث ۱۱۲ سد، ۲۳ میلیارد متر مکعب ظرفیت آب پشت سدها افزایش یافت و به ۴۷ میلیارد متر مکعب رسید و تقریباً صد درصد میزان آب پشت سدها افزایش یافته است.

کاهش پنج درصدی هدر رفت آب

در هشت سال فعالیت دولت های نهم و دهم، هدر رفت آب در این بخش بیش از پنج درصد کاهش یافته و از نابودی بخش قابل توجهی از منابع کشور جلوگیری شده است. این در حالی است که کاهش این میزان هدر رفت از شبکه آبرسانی صرف هزینه های بالایی را می طلبد.

تسریع در اجرای طرح های آب و فاضلاب

متکی بودن طرحهای انتقال آب، شبکه های فاضلاب و احداث تصفیه

خانه ها به منابع دولتی باعث شده بود عمر اجرای این پروژه ها در برخی از موارد به بیش از ۳۰ سال برسد و چشم انداز روشنی هم از اتمام آن وجود نداشته باشد.

این در حالی است که در مدت ۳۰ سال، جمعیت ساکن در مناطقی که قرار است این طرح ها اجرا شود، تغییرات زیادی می کند و عدم تناسب این طرح ها با واقعیات اجتماعی و اقتصادی، توجیه آن را زیر سوال می برد. از این رو دولت های نهم و دهم در این زمینه گام های بلندی برداشتند و موفق شدند عمر اجرای این طرح ها را به کمتر از پنج سال برسانند.

برق: در زمان دولت نهم و دهم تاکنون ۲۷۵۰۰ مگاوات برق تولید وبه ظرفیت کشور افزوده شده که ۷۲ درصد تولید برق کشور افزایش داشته است. کل برق تولیدی کشور تا سال ۸۴ به میزان ۳۸۰۰۰ مگاوات بوده است. ضمناً در طرح مهرماندگار ۱۱۰۰۰ مگاوات تولید برق در دست اقدام است که با اتمام این پروژه ها میزان برق تولیدی در ۸ سال بیشتر از کل برق تولیدی در تاریخ تولید برق کشور خواهد بود.

حوزه گاز رسانی

آمارهای رسمی نشان می دهد که رشد و توسعه شبکه گاز طبیعی کشور در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار چشمگیر بوده است. تا پیش از سال ۱۳۵۷، تنها پنج شهر و یک روستا از نعمت گازطبیعی برخوردار بودند و تا سال ۱۳۸۴، بیش از ۶۰۰ شهر از نعمت گاز برخوردار شدند.

عملکرد دولت های نهم و دهم در بخش گازرسانی نسبت به دولت های قبل پرشتاب تر بوده، به طوری که در ۸ سال گذشته گاز رسانی به ۴۰۰ شهر و بیش از ۱۲ هزار روستای کشور صورت گرفته است.

تا شهریور ماه سال ۱۳۸۴، بیش از ۲ هزار و ۸۰ روستا از نعمت گاز برخوردار بودند، اما در دولت های نهم و دهم ۱۲ هزار و ۲۲۰ روستای دیگر به شبکه سراسری گاز طبیعی متصل شده اند.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران دراین خصوص اعلام کرد: درصد برخورداری خانوارهای شهری و روستایی کشور از گاز طبیعی تا شهریور ماه سال ۱۳۸۴ بیش از ۶۰ درصد بوده است که این رقم در هشت سال اخیر ۲۳ درصد افزایش یافت و به رقم ۸۳ درصد رسید.

علاوه بر گازرسانی به بخش خانگی، گازرسانی به واحدهای صنعتی نیز همواره مورد توجه بوده است. در حالی که ابتدای کار دولت نهم تنها ۹ هزار و ۵۰۰ واحد صنعتی کشور از گاز طبیعی برخوردار بودند، این تعداد در حال حاضر به بیش از ۵۸ هزار واحد صنعتی افزایش یافته که حاکی از رشد بیش از شش برابری است.

بنابراین می توان گفت که از مجموع شهرها، روستاها و واحدهای صنعتی برخوردار از نعمت گاز در کشور، ۴۰ درصد از شهرها، ۸۵ درصد از روستاها و ۸۴ درصد از واحدهای صنعتی کشور، در ۸ سال اخیر و با همت دولتهای نهم و دهم از امکان استفاده از گاز برخوردار شده اند.

برای گازرسانی به شهرها و روستاهای کشور ۳۴۰ هزار کیلومتر خط انتقال و ۲۳۸ هزار کیلومتر شبکه گذاری اجرا و ۱۶,۵ میلیون اشتراک گاز ایجاد شده است.

همچنین در بخش گازرسانی به پروژه های مسکن مهر تا پایان سال ۱۳۹۱، به یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد از دو میلیون و ۲۰۰ هزار واحد مسکن مهر گازرسانی شد و تا پایان شهریورماه امسال به ۶۰۰ هزار واحد مسکن مهر دیگر نیز گازرسانی می شود. براساس برنامه تدوین شده قرار است تا پایان سال جاری به باقی مانده این واحدها نیز گازرسانی صورت گیرد.

حوزه علمی و فناوری

در سند چشم انداز پیش بینی شده بود که ایران از نظر تولید علم در سال ۱۴۰۴ در منطقه مقام اول را داشته باشد اما با تلاش دانشمندان ایرانی و سیاست های دولت خدمتگزار، این مهم زودتر محقق شد. (رشد تولید علم

ایران هم اکنون ۱۱ برابر متوسط رشد تولید علم دنیا است) رتبه اول منطقه در حوزه فناوری نانو، کسب رتبه ۲۹ جهان در زمینه ثبت بین المللی اختراعات و کسب رتبه دوم ثبت بین المللی اختراعات نانو در منطقه و جهان اسلام از دستاوردهای حوزه علم و فناوری دولت های نهم و دهم است.

تعداد کل دانشجویان دو برابر، دانشجویان دکتری سه برابر و دانشجویان فوق لیسانس پنج برابر شده و تعداد مقالات از پنج هزار در سال، به ۲۵ هزار مقاله رسیده است.

همچنین تشکیل ۱۱ ستاد ملی فناوری های راهبردی و تصویب اسناد توسعه و کاربرد فناوری های هوا فضا، علوم و فناوری شناختی و فناوری زیستی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، راه اندازی ۶۰ کانون هماهنگی دانش و صنعت و رونمایی از نقشه راه ۱۰ کانون از اقدامات دیگر در این حوزه به شمار می رود.

تصویب و اجرای ۲۶ طرح کلان ملی و فناوری و نوآوری در زمینه هایی مانند تولید دارو، تجهیزات پزشکی، ابر رایانه ملی، ماشین آلات کشاورزی، رادیو داروها، راکتور و نیروگاه آزمایشی گداخت، سامانه پرتودهی صنعتی چند منظوره گاما و غیره نیز جزء دستاوردهای علم و فناوری دولت های نهم و دهم است.

همچنین رونمایی و بهره برداری از ۷ نوع رادیو دارو؛ بزرگ ترین تونل باد در کشور؛ تولید و بهره برداری از واکسن گامبرو؛ تولید صنعتی تجهیزات پزشکی یکبار مصرف؛ تولید کیت های تشخیصی، فناوری فرآوری سلول های جنینی با هدف درمان بیماری های صعب العلاج، بهره برداری از طرح شبکه گرید محاسباتی ملی با اتصال ۱۴ دانشگاه و مرکز علمی کشور در شبکه مذکور و افتتاح و بهره برداری از ۲ ابر رایانه ملی نیز از اقدامات دولت های نهم و دهم است.

ایجاد و فعالیت حدود ۹۰۰۰ شرکت دانش بنیان در عرصه تولیدات

محصولات دانش بنیان، ایجاد بانک جامع سلول‌های بنیادی کشور و اهداکنندگان سلول‌های بنیادی نیز جزء دستاوردهای حوزه علم و فناوری دولت‌های نهم و دهم ذکر شده است.

در زمینه تلفن همراه، در آغاز دولت نهم ۸ میلیون سیم کارت تلفن همراه وجود داشت که این عدد به ۱۱۳ میلیون رسیده و تعداد مشترکین از ۷ میلیون مشترک در سال ۸۴ به ۵۶ میلیون مشترک فعال (یعنی ۷۰۰ درصد رشد) افزایش یافته و قیمت آن به نازل‌ترین قیمت ممکن رسیده است. پوشش تلفن همراه نیز در جاده‌های اصلی کشور از ۱۱۱۵۰ کیلومتر در سال ۸۴ به ۶۱۰۰۰ کیلومتر رسیده است (۵,۵ برابر)

ضریب نفوذ اینترنت در کشور افزایش چشمگیر داشته (۴۷ نفر به ازای هر ۱۰۰ نفر) که بیشترین کاربران اینترنت در منطقه را ایران دارد و ۱۴۰۰ خدمت دولتی و غیر دولتی به صورت الکترونیکی به مردم ارائه می‌شود، همچنین پهنای باند اینترنت در کشور از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ به میزان ۹ برابر افزایش داشته است.

حوزه مسکن

مسکن یکی از محورهای عمده تلاش دولت در جهت خدمت به مردم است و آمار عملکرد دولت‌های نهم و دهم نشان از حرکتی جهادی در جهت تامین مسکن مردم بویژه محرومان دارد.

طرح مسکن مهر از جمله ابتکارات دولت نهم بود که به عنوان بزرگترین طرح ساختمان سازی تاریخ ایران در جهت حل پایه ای و اصولی مسکن ملت ایران صورت پذیرفته است.

این طرح با توجه به انبوه سازی، صنعتی سازی و سرعت فوق العاده، قیمت بسیار مناسب و تسهیلات مالی قابل توجه توانست عده زیادی از هموطنان را از دغدغه بی مسکنی نجات دهد.

بر اساس آخرین آمار رسمی بیش از ۳۴ هزار میلیارد تومان عمدتاً به

صورت قرض الحسنه در قالب این طرح پرداخت شده و تاکنون حدود یک میلیون و دویست هزار مسکن مهر در سراسر کشور افتتاح شده است ضمن اینکه قرار است تا پایان سال ۹۲ نیز یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکن مهر در نقاط مختلف کشور واگذار شود. این در حالی است که قبل از دولت نهم طی هشت سال تنها ۱۲۰ هزار واحد مسکونی ساخته شد.

مقاوم سازی مسکن در روستاها و شهرها با اعطای وام بانکی در دولت نهم و دهم با جدیت صورت گرفته است. به عنوان نمونه در زلزله آذربایجان شرقی کسانی که از وام مقاوم سازی استفاده کرده بودند نه خسارت جانی داشتند و نه مالی، اما در فاصله ۵۰ کیلومتری از آن، هم خسارت مالی و هم جانی به وجود آمده بود.

ساخت بیش از ۷ میلیون و ۳۹۳ هزار واحد مسکونی در دولت احمدی نژاد سبب شد تا مجموع مسکن ساخته شده در کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بیش از ۱۲ میلیون واحد مسکونی برسد که از این میزان ۶۱,۲ درصد در دولت احمدی نژاد، ۵,۲۶ درصد در دولت اصلاحات و ۱۲,۳ درصد در دولت‌های اول تا ششم ساخته شده است.

براساس آمارهای موجود، متوسط سالانه تولید مسکن شهری در دولت احمدی نژاد نسبت به دولت اصلاحات ۹۷ درصد افزایش داشته است. همچنین مقایسه آمارهای موجود در زمینه مسکن روستایی نیز نشان می‌دهد متوسط سالانه تولید مسکن روستایی بیش از ۲۱ برابر شده که این امر نشان از توجه جدی برای تامین مسکن اقشار کم درآمد جامعه و در راستای اهداف عدالتخواهانه این دولت بوده است.

حوزه فرهنگی و اجتماعی

در این بخش در قسمت های مختلف همچون مجتمع های فرهنگی هنری، موزه، کتابخانه، فضاهای ورزشی و پروژه های تلویزیونی جمعاً ۳۳۶۵ پروژه به اتمام رسیده و یا در حال اجرا است.

میران اماکن ورزشی تا سال ۸۴ حدود ۳۳۰۰ مکان بوده که با احداث ۴۶۰۰ مکان جدید به ۷۸۰۰ واحد در سال ۹۰ افزایش یافته است. هر قدر تا قبل از دولت نهم سالن ورزشی مدارس ساخته شده است معادل نصف آن در دولت نهم و دهم ساخته شده است.

حوزه کشاورزی

از ابتدای انقلاب تا سال ۸۴، جمعاً ۴۹۲ هزار هکتار تحت پوشش آبیاری نوین و پیشرفته قرار گرفته بود که در طول دولت‌های نهم و دهم این عدد به ۶۵۰ هزار هکتار رسیده که در این بخش دولت با اختصاص ۱۶۰۰ میلیارد تومان کمک بلاعوض ۸۵ درصد هزینه‌های آن را تقبل نمود. تولید محصولات کشاورزی از ۸۷ میلیون تن در سال ۸۴ به ۱۱۰ میلیون تن در سال ۹۰ افزایش یافته است.

احداث شبکه‌های فرعی آبیاری و تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزان به میزان حداقل یک میلیون و ۲۴۰ هزار هکتار با اختصاص ۲۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار.

بهره‌برداری از ۳۵۸۰ کارخانه صنعتی فراوری محصولات کشاورزی با ظرفیت بیش از ۲۲ میلیون تن محصولات کشاورزی و همچنین ظرفیت صنایع تبدیلی کشاورزی ۶,۸ میلیون تن در سال بود که ۲۴,۵ میلیون تن به آن اضافه شده است.

حوزه آموزشی

شمار دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و همچنین آمار دانشجویان که از جمله شاخص‌های مطرح در ارزیابی سطح آموزشی کشورها به شمار می‌آید در طول فعالیت دولت نهم و دهم در ایران دو برابر رشد یافته است. آمارهای موجود نشانگر رشد کمی و کیفی در بخش‌های مختلف آموزش عالی به ویژه در حوزه آموزشی است به گونه‌ای که تعداد مراکز دانشگاهی و

موسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم از هزار و ۳۰۰ مرکز در سال ۱۳۸۴ به دو هزار و ۵۰۴ مرکز در پایان دوره دولت دهم افزایش یافته است که رشد دو برابری را در این زمینه نشان می دهد.

همچنین آمارهای وزارت علوم نشان می دهد در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ مجموعاً دو میلیون و ۳۸۹ هزار و ۸۶۷ دانشجو در مراکز دانشگاهی کشور تحصیل می کردند که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ این آمار تقریباً دو برابر شده و به چهار میلیون و ۴۰۳ هزار و ۶۵۲ نفر رسیده است.

در این مدت تعداد دانشجویان مقطع کارشناسی دو برابر شده، شمار دانشجویان کارشناسی ارشد حدود پنج برابر و تعداد دانشجویان دکتری نیز سه برابر افزایش داشته است و به زبان آمار، تعداد یک میلیون و ۵۲۲ هزار و ۲۷۳ دانشجوی مقطع کارشناسی در سال ۸۴ به دو میلیون و ۸۹۸ هزار و ۶۰۵ نفر رسیده و جمعیت دانشجویان کارشناسی ارشد نیز در این سال ها از ۹۲ هزار و ۵۴۱ نفر به ۴۶۰ هزار نفر افزایش یافته است.

در سال ۸۴ تعداد دانشجویان دکترای تخصصی دانشگاه های کشور ۱۹ هزار و ۲۳۷ نفر بود که در سال ۹۱ به بیش از ۵۶ هزار نفر رسید و آمار دانشجویان دکترای حرفه ای نیز در این مدت از ۴۰ هزار و ۲۲۳ نفر به ۵۲ هزار و ۹۷۳ نفر افزایش یافت.

جذب بیش از ۲۴ هزار عضو هیات علمی

در سال ۸۴ تعداد ۴۲ هزار و ۶۲۵ عضو هیات علمی تمام وقت در دانشگاه های کشور مشغول خدمت بودند که این تعداد در سال ۹۱ به ۶۷ هزار و ۹۸ نفر افزایش یافته و علاوه بر این، ده هزار نفر عضو هیات علمی جدید و دانشجوی بورسیه دکترا نیز در این مدت جذب شده اند.

رشد تعداد رشته محل های تحصیلی

از ابتدای دولت نهم تاکنون تعداد رشته محل های تحصیلی دانشگاهی از ۱۳ هزار و ۷۷ مورد به ۳۵ هزار و ۱۴۷ رشته محل افزایش یافته و بیش از دو و نیم درصد رشد داشته است البته این رشد در مقاطع مختلف تحصیلی،

متفاوت است که به عنوان مثال در مقطع کاردانی با رشد بیش از چهار برابری و در مقطع دکترای تخصصی با رشد بیش از سه برابری همراه شده است.

در بخش دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها ۳۶۹ واحد دانشگاهی و دانشگاه در شهرهای مختلف کشور تاسیس و یا در حال راه اندازی است. ۱۲۱ خوابگاه برای دانشجویان عزیز کشور به اتمام رسیده و یا در حال تکمیل و تحویل می‌باشد. و اکنون شهرستانی نداریم که در آن مراکز آموزش عالی نداشته باشیم.

در هشت سال تعداد ۷۱۷۴ مدرسه، هنرستان، مدرسه شبانه روزی و مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کامل شده و یا در حال اجرا و اتمام می‌باشد. سرانه فضای آموزشی از ابتدای دولت نهم از ۹۰ مترمربع به ۱۵۰ مترمربع تا پایان سال ۹۱ رسیده است.

در طی دولت های نهم و دهم، ۲۰ میلیون مترمربع فضای آموزشی در استان های کشور احداث شد یعنی از مجموع ۶۰ میلیون متر مربع فضای آموزشی کشور، یک سوم آن (۲۰ میلیون متر مربع) طی هفت سال و نیم گذشته احداث شده است.

دو هزار و ۸۰۰ کلاس درس طی دو سال در طرح های مسکن مهر احداث شده وهم اکنون به همین میزان کلاس نیز در دست اجرا است. در دولت نهم و دهم فضای آموزشی و مکمل آموزش از جمله کتابخانه، نمازخانه و سالن ورزش با افزایش مواجه بوده و به تبع آن سرانه کلاس درس نیز افزایش یافت و تا پایان سال ۹۱ به طور متوسط هر روز ۱۰ پروژه آموزشی در کشور به بهره برداری رسیده است.

حوزه راه سازی و حمل و نقل

ساخت آزادراه در دولت هفتم و هشتم کلاً ۵۱۹ کیلومتر بوده و در ۶،۵ سال دولت نهم و دهم ۸۹۷ کیلومتر ساخته شده است که ۱۱۳ درصد رشد را

نشان می دهد.

بزرگراه حادثاتی در دولت هفتم و هشتم ۲۹۸۵ کیلومتر بوده و در ۶،۵ سال دولت نهم و دهم ۸۰۹۰ کیلومتر که ۲۳۴ درصد رشد داشته است. راه روستایی حادثاتی در دولت هفتم و هشتم ۱۵۶۰۰ کیلومتر بوده و در ۶،۵ سال دولت نهم و دهم ۲۵۷۰۰ کیلومتر که از رشد بالایی برخوردار بوده است.

در بخش ریلی افزایش تعداد لکوموتیو و واگن باری و مسافری و میزان بار مسافر جابجا شده با رشدهای چشمگیر مواجه بوده ایم. در توسعه بخش حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی شامل ناوگان دریایی، تجاری، نفتی، مسافری و هوایی، توسعه قابل توجهی بین ۱۳۰ تا ۵۰۰ درصد اتفاق افتاده است.

تلفات جاده ای به طور محسوسی کاهش یافته به طوری که در سال ۸۴ که کل خودروها در کشور شش میلیون عدد بود، ۲۷ هزار و ۸۰۰ کشته تلفات جاده ای داشتیم که این میزان تا سال ۹۱ علیرغم افزایش تعداد خودروها به ۱۸ میلیون و نیز افزایش مسافرت جاده ای، به کمتر از ۱۹ هزار کشته رسید که این سریع ترین کاهش نرخ تلفات جاده ای در جهان محسوب می شود.

حوزه تولیدات صنعتی

تولید فولاد از ۹،۷ میلیون تن در سال ۸۴ اکنون به ۲۴ میلیون تن رسیده است و رتبه جمهوری اسلامی ایران در تولید فولاد از ۲۲ به ۱۵ رسیده است.

ظرفیت تولید سیمان کشور در ابتدای سال ۸۴ رقمی معادل ۳۳ میلیون تن بود و این رقم الآن به بیش از ۸۰ میلیون تن رسیده است و طی یک سال ۱۲ میلیون تن سیمان صادر کردیم در حالی که در سال های ۸۴ و ۸۵ برای مصارف عمرانی سیمان وارد می کردیم.

در صنعت پتروشیمی ظرفیت تولید در ابتدای سال ۸۴ رقمی معادل ۱۸,۲ میلیون تن بود که این عدد اکنون به بیش از ۵۸ میلیون تن رسیده است.

حوزه دانش و انرژی هسته ای

قبل از دولت نهم عقب نشینی های سنگینی بر ایران تحمیل شد که البته نه تنها نتیجه ی مثبت و گرمی روابط ایران و غرب را در پی نداشت بلکه بیشتر به گستاخی و تشدید تحریم ها منجر شد.

امام خامنه ای در بهار ۸۴ بر ضرورت دستیابی ایران به انرژی صلح امیز هسته ای تاکید نمودند. در پی این سخنرانی مجلس هفتم و اصول گرایان طرحی را تصویب کردند که دولت را مکلف به تامین ۲۰ هزار مگاوات برق سالانه از انرژی هسته ای میکرد.

در همین زمان دولت محمود احمدی نژاد بر سر کار آمد و شعار انرژی هسته ای حق مسلم ماست به شعار اساسی دولت تبدیل شد و دیپلماسی فعال و انقلابی دولت نهم مبنی بر ایستادگی و پایداری برای احقاق حقوق مسلم ملت، موجب شد ایران به کشورهای عضو باشگاه اتمی بپیوندد و در آوریل ۲۰۰۶ دانشمندان ایرانی موفق به تولید چرخه کامل سوخت هسته ای در مقیاس آزمایشگاهی شدند.

هدفمند کردن یارانه ها

طرح هدفمندی یارانه ها از مهم ترین طرح های اقتصادی بود که می تواند زمینه ها و بسترهای لازم را برای سالم سازی و بهبود اقتصاد ایران در همه حیطه ها را فراهم سازد.

طرح هدفمندی یارانه ها مؤثرترین و بزرگترین طرح اقتصادی طی سالهای پس از انقلاب است. دولت نهم و دهم با شجاعت و برنامه ریزی، کاری که باید در دولت های گذشته صورت می گرفت را عملیاتی کرد.

این طرح در سال اول اجرا آثار و دستاوردهای بسیاری داشت و کاهش فراوان مصرف انرژی و اصلاح ساختارها و بهره‌وری را به دنبال داشت.

دشمنان انقلاب نیز به خوبی درک کردند که اگر ایران این تحول اقتصادی را از سر بگذراند دیگر هیچ تهدید و تحریمی نمی‌تواند به آنان آسیب برساند. به همین دلیل برای ابتر ماندن این طرح آرام ننشستند. از سوی دیگر برخی اشتباهات و سوء مدیریت های داخلی هم مانع تحقق کامل اهداف آن شد.

ارتباط نزدیک مسئولان با مردم بویژه از طریق سفرهای استانی

سفرهای استانی هیأت دولت یکی از کارهای مهم و محوری در سال های اخیر بوده است که با هدف شناسایی نیازها، اولویت‌ها و خدمت رسانی سریع، سهمیم کردن مسوولان محلی و استانی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ها و توسعه عدالت اجتماعی و کاستن از بوروکراسی مکاتبات اداری صورت گرفت.

ابتکار سفرهای استانی هیات دولت که به ۱۰۷ نوبت می رسد و همه استان ها حداقل سه دور سفر هیات دولت را تجربه کرده اند عامل بسیاری از موفقیت های دولت های نهم و دهم به شمار می آید.

این سفرها علاوه بر تمرکززدایی و توجه مناسب به همه نقاط کشور برای رفع مشکلات آنها موجب تقویت همبستگی اجتماعی و پیوند عاطفی بیشتر بین مردم و دولتمردان و مسئولان محلی گردید.

تا کنون رئیس جمهور، وزرا و معاونان ۹۲۶ هزار و ۷۷۵ دیدار فرد به فرد داشته اند. این اتفاق یک رکورد جهانی وتاریخی است. شایان ذکر است بخش قابل توجهی از درخواست های مردم نیز از سوی دولتمردان بویژه شخص رئیس جمهور با پاسخ مثبت مواجه شده است.



تأثیر فشارهای کشورهای خارجی بر روند شکل گیری قطعنامه ۵۹۸

فاطمه بهاری لشکری^۱

چکیده

با پایان یافتن جنگ تحمیلی، سؤال‌هایی بر سر راه چرایی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در بین سیاستمداران و صاحب نظران خصوصاً نسل سوم شکل گرفت. عوامل مختلف سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در پذیرش این قطعنامه مؤثر بوده است. در این مقاله تلاش بر این است تا با واکاوی علل مختلف پذیرش قطعنامه ۵۹۸ پاسخی مناسب که تلفیقی از عوامل سیاسی و خارجی بخصوص فشارهای بین المللی، است را برای این سؤالات ذکر نمود.

واژه‌های کلیدی:

قطعنامه، بین المللی، جمهوری اسلامی ایران، عراق، خلیج فارس

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نه تنها پایان مبارزات امت مسلمان ایران علیه حاکمان کفر و استکبار داخلی و خارجی نبود، بلکه خود سرآغاز مبارزه‌ای

^۱ هادی سیاسی، سپاه استان گیلان، کارشناسی ارشد علوم سیاسی

سهمگین در ابعادی گسترده‌تر گردید به همین دلیل رژیم‌های غاصب و مرتجع غرب و شرق از هر سو اقدامات براندازی جمهوری نوپای اسلامی را در دستور کار خود قرار داد، عملیات رخنه، خرابکاری، شورش، کودتا و توسط عمال اجیر شده داخلی، هر روز چالش‌های جدیدی در داخل آفریدند که بخشی از منابع اقتصادی - انسانی جمهوری اسلامی ایران را به هدر دادند. استکبار جهانی هنگامی که از این کوشش‌ها حاصلی بدست نیاورد، رژیم بعثی عراق را برای تجاوز به جمهوری اسلامی ایران تحریک کرد.

با توجه به این که در قرن بیستم ما شاهد جنگ‌های فراوانی در سطح جهان بوده‌ایم که اکثر این جنگ‌ها بطور ناخواسته بر کشورها تحمیل شده اند و در به پایان رسانیدن آن نیز عوامل بسیاری نقش داشته است. جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله جنگ‌های ناخواسته‌ای بود که بر کشور ما تحمیل شد. که نتیجه آن به شهادت رسیدن هزاران زن و مرد، کودک و جوان و پیر و با اسارت کشیده شدن هزاران خواهر و برادر و ویرانی بسیار گردیده است.

زمینه‌های تاریخی و اختلافات مرزی

وضعیت حقوقی خطوط کلی مرزهای زمینی غرب جمهوری اسلامی ایران به هنگامی که دولت عثمانی حاکمیت بر سرزمینهای عربی را بر عهده گرفته بود طی عهدنامه‌های متعدد از جمله معاهدات ذهاب ۱۶۳۹ میلادی (۱۰۱۸ شمسی) مشخص گردیده بود^۲ قبل از جنگ جهانی اول روابط دولت عثمانی و انگلستان و روسیه دوستانه بود، پس از فشار دولتهای روسیه و انگلستان مذاکرات تعیین خطوط مرزی ایران و عثمانی در سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۳ میلادی (۱۲۹۳ - ۱۲۹۲ شمسی) منتهی به تهیه پروتکل ۱۹۱۲ میلادی (۱۲۹۲ شمسی) استامبول (قسطنطنیه) و تحدید حدود به نفع دولت عثمانی به ضرر دولت جمهوری اسلامی ایران گردید.^۳ در پروتکل (قسطنطنیه) مقرر گردید که نمایندگان طرفین تحدید حدود مرزی در مرزهای آبی و خاکی دو کشور را در اسرع وقت شروع نمایند، که با شروع جنگ جهانی اول، موضوع لاینحل باقی ماند.

بعد از خاتمه جنگ جهانی اول، کشور عراق تحت قیومیت انگلستان قرار گرفت و بار دیگر موضوع تعیین خطوط مرزی دو کشور مطرح شد و موضوع در ۲۶ ماه مه ۱۹۳۵ (۱۳۱۴ شمسی) در جامعه بین‌الملل به بحث گذاشته شد و طی بحث‌های مختلف سرانجام در سال ۱۹۳۷ عهدنامه‌ای براساس معاهده و ارض روم و پروتکل استامبول تهیه و به امضاء دو کشور ایران و عراق انجامید. پس از تسلط حزب بعث بر عراق، جلسه کنفرانس سران اوپک در ماه مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳ شمسی) عهدنامه ۴ ماده‌ای برای رفع اختلافات مرزی ایران و عراق مجدداً امضاء شد که معروف به عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر گردید، در زمان امضاء این عهدنامه صدام حسین معاون رئیس جمهوری عراق بود، شاه و صدام به این توافق نامه نیاز داشتند تا قاطع‌تر و مطمئن‌تر به سرکوب قیام‌های داخلی بپردازند، با سقوط رژیم پهلوی در ایران و روی کار آمدن دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی ایران، رژیم بعث عراق فرصت را مناسب دیده و با دامن زدن به اختلافات مرزی بین دو کشور، جنگ تحمیلی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

آغاز تهاجم

جنگ عراق با جمهوری اسلامی ایران که در ایران با نام‌های دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، جنگ هشت ساله؛ شناخته می‌شود، جنگی است که در شهریور ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷ با تحریک آمریکا و کشورهای غربی به همراهی رژیم صهیونیستی اسرائیل با تحمیل بر رژیم بعثی عراق علیه کشور جمهوری اسلامی ایران جریان داشت.

این جنگ ناعادلانه و نابرابر هشت سال بطول انجامید، که با فراز و فرودهایی همراه بود. در روزهای آغازین جنگ چون که ملت جمهوری اسلامی ایران آمادگی این تهاجم را نداشت، غافلگیر شده و شهرهای مرزی کشور مانند مهران، اندیمشک، دهلران، آبادان و خرمشهر توسط رژیم بعث عراق مورد هجوم، اشغال و یا محاصره گردید، اما با درایت و رهبری حضرت امام خمینی^(ه) و ملت غیور جمهوری اسلامی ایران این محاصره طی عملیات‌های ثامن الائمه، طریق

القدس، بدر و بیت المقدس شکسته شد و شهرهای ایران آزاد شد. با پیروزی رزمندگان اسلام، سازمان ملل موضوع قطعنامه را مطرح کرد، ولی شرایط جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش بس به هر اقدام دیگری تأکید می کرد. اما جمهوری اسلامی ایران بر صلح شرافتمندانه و تضمین شده تأکید داشت و بر آن پافشاری می کرد. رژیم عراق که از جمهوری اسلامی ایران، شکست پی در پی خورده بود و از نظر روحی و روانی دچار تزلزل شده بود، حامیان عراق؛ آمریکا و کشورهای غربی برای مقابله با تأثیرات احتمالی ناشی از پیروزی جمهوری اسلامی ایران تمهیدات جدیدی اتخاذ کردند که به برخی از آنها اشاره می شود.

- آمریکا در آذر ۶۱ اعتباری ۳۰۰ میلیون دلاری برای خرید برنج و گندم در اختیار عراق قرار داد و در مرحله دیگر این اعتبار را تا یک میلیارد دلار افزایش داد.
- شوروی تعداد زیادی موشک و تعدادی جنگنده های میگ ۲۵ شناسایی و هلی کوپترهای توپدار به عراق ارسال کرد.
- فرانسه نیز به عراق بمب افکن میراژ و همچنین ۱۳ دستگاه موشک انداز متحرک علاوه بر سکوهایی ثابت به عراق تحویل داد و همچنین راکتور هسته ای ازیراک که در سال ۱۹۸۱ به دست اسرائیل ها منهدم شده بود را بازسازی کرد.
- انگلیس برای عراق یک پناهگاه ۴۸۰۰۰ نفری با کلیه امکانات پیش بینی کرد.

آمریکا نیز فشارهای خود بر جمهوری اسلامی ایران را بیشتر کرد:

۱. ایجاد محدودیت در منابع ارزی
 ۲. جلوگیری از ورود سلاح به ایران
 ۳. ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران
 ۴. تقویت وضعیت اقتصادی عراق
- بر اثر تهاجمات عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و

به موازات آن تهدید کمپانی‌های خارجی صادر کننده نفت جمهوری اسلامی ایران و حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و کشتی‌های تجاری، وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار گرفت و قیمت نفت نیز به کمتر از ۱۰ دلار رسید.

در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ آمریکایی‌ها به دو سکوی نفتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس حمله کردند و هم زمان با آن، عراقی‌ها تهاجم به فاو را آغاز کردند و آن را به تصرف خود درآوردند، بدون تردید حمایت شرق و غرب به ویژه آمریکا با افزایش توان نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور نقش مهمی در تغییر اوضاع به نفع عراق داشت.

آمریکایی‌ها هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران را با ۲ فروند موشک که از رزم ناو آمریکایی وینسنس، مستقر در خلیج فارس شلیک شد، ساقط کردند. این حادثه پیام روشن و قاطع آمریکا مبنی بر تشدید جنگ در صورت عدم اقدام جمهوری اسلامی ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود بنابر ملاحظات جدید و همچنین تشدید فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، و فضای سیاسی، اقتصادی و ... جمهوری اسلامی ایران اقدام به پذیرش قطعنامه نمود که امام خمینی^(ره) طی بیانیه‌ای از آن تعبیر به نوشیدن جام زهر نمود. لذا رئیس جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به خاویر پرز د کوئیار، دبیرکل وقت سازمان ملل پذیرش قطعنامه را رسماً اعلام و قطعنامه در روز ۱۳۶۷/۴/۲۷ توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد.

نگرشی منطقی و استدلالی به قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل در طول هشت سال دفاع مقدس بیانگر مواضع محکم و اصولی جمهوری اسلامی و مبین این مطلب می‌باشد که پس از ۸ سال جنگ نابرابر، جهانیان این مطلب را پذیرفتند که حق با جمهوری اسلامی ایران بوده و عراق آغازگر جنگ است. شاید تاکنون بارها از خود پرسیده باشید چرا ایران در همان اوایل جنگ که دشمن را از خاک خود بیرون کرده و حتی در خاک دشمن نیز نفوذ کرده بود، قطعنامه‌های شورای امنیت را نپذیرفت و جنگ را

تمام نکرد؟

همانطور که گفته شد رژیم عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمایت گسترده و همه جانبه کشورهای غربی و به ویژه آمریکا تجاوزی آشکار و گسترده را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. با شروع درگیری میان عراق و ایران، دبیرکل سازمان ملل متحد از شورای امنیت خواست با توجه به خطر افزایش جنگ، میان دو کشور تشکیل جلسه بدهد.

شورا نیز به سرعت تشکیل جلسه داد و در پایان جلسه، رئیس شورای امنیت، بیانیه‌ای را صادر کرد. لذا شورا که از عدم کارآیی و بلا اثر بودن بیانیه آگاه شده بود، مبادرت به صدور اولین قطعنامه کرد که به دنبال آن هفت قطعنامه دیگر نیز منتشر شد که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌شود؛

قطعنامه ۴۷۹

این قطعنامه که در ۵ بند تقسیم شده بود شروع کننده جنگ را معرفی و اعلام نکرده و در آن از تجاوز، تعیین متجاوز و تنبیه متجاوز سخنی به میان نیاورده بود. این قطعنامه بیشتر حالت توصیه داشت تا تصمیم قاطع و لذا جمهوری اسلامی ایران از پذیرش آن خودداری کرد.

قطعنامه ۵۱۴

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با انجام عملیات‌های ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس توانسته بود دشمن را در کلیه نقاط مرزی از خاک خود بیرون کند و ضربات مهلکی به نیروهای عراقی وارد نماید، شورای امنیت به درخواست اردن و با حمایت آمریکا در تاریخ ۲۱ تیرماه سال ۱۳۶۱ تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را به تصویب رساند. در مهمترین بند این قطعنامه آمده بود که کلیه عملیات‌های نظامی خاتمه یابد و علاوه بر آن خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شده بود. همان طور که ملاحظه می‌شود در قطعنامه ۵۱۴ عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی و شناخته شده هنگامی مورد گفتگو قرار گرفت که قوای عراقی از اکثر نقاط استراتژیک ایران بیرون رانده شده بودند. بنابراین این قطعنامه از طرف ایران

مورد قبول قرار نگرفت و رد شد.

قطعهنامه ۵۲۲

عنوان قطعهنامه ۵۲۲ نیز مانند قطعهنامه‌های قبل وضعیت مابین ایران و عراق بود و مانند دو قطعهنامه قبلی توصیه بود تا تصمیم با توجه به اینکه در شکل، متن و محتوای قطعهنامه ۵۲۲ تفاوت چندانی با قطعهنامه ۵۱۴ نداشت و با عنایت به اینکه تحولات عمده و مهمی نیز در جبهه‌های جنگ بوجود نیامده بود، مشخصاً قطعهنامه ۵۲۲ فقط پاسخی به فشار عراق و طرفدارانش در شورای امنیت بود و شورا تحت تاثیر آن ناگزیر به صدور قطعهنامه‌ای شد که تکرار قطعهنامه پیشین بود و لذا این قطعهنامه نیز از طرف ایران پذیرفته نشد.

قطعهنامه‌های ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۸۲ و ۵۸۸ نیز مانند قطعهنامه‌های قبلی همگی در راستای توقف جنگ و حمایت از عراق انجام پذیرفت و بر این اساس جمهوری اسلامی ایران هیچ‌یک از قطعهنامه‌های مذکور را نپذیرفت.

قطعهنامه ۵۹۸

شورای امنیت پس از مشورتهای فراوان و با توافقات اصولی که به عمل آمده بود در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶، قطعهنامه ۵۹۸ را که توافق شده بود، به اتفاق آراء به تصویب رساند:

۱- در این قطعهنامه برای اولین مرتبه با موضوع جنگ عراق با ایران برخورد جدی شده و شورای امنیت با صدور این قطعهنامه تصمیم خود را برای خاتمه بخشیدن به جنگ عراق با ایران ثابت می‌کند.

۲- در بند سوم مقدماتی (ابراز تاسف از آغاز و ادامه منازعه) در خصوص آغاز منازعه حاوی نکته مثبتی به نفع جمهوری اسلامی ایران بود.

۳- در بند چهارم قسمت مقدماتی بر کاربرد سلاحهای شیمیایی تاکید شده و به بمباران مناطق مسکونی و حمله به کشتی‌ها و هواپیماهای غیرنظامی اشاره گردید، با توجه به اینکه هیچ شکایتی از جانب عراق در این مورد نشده بود، لذا تصریح این موارد مواضع به حق جمهوری اسلامی ایران را در اعتراض به عراق روشن می‌ساخت.

۴- پیشرفت دیگری که در بند ۹ قسمت مقدماتی بوجود آمده بود، تغییر نام جنگ عراق با ایران از وضعیت به برخورد یا اصطکاک و یا منازعه بود. شورای امنیت تا قبل از قطعنامه ۵۹۸ اصرار داشت که جنگ عراق با ایران را وضعیت نام نهد و تنها در قطعنامه ۵۹۸ بود که شورای امنیت واقعیت را پذیرفت و این را از نظر سیاسی یک پیروزی به حساب می‌آمد- یکی از عمده‌ترین و شاخص‌ترین امتیازات قطعنامه ۵۹۸ نسبت به قطعنامه‌های قبلی و اصولاً شاخصه تغییر روش شورا، بند ۶ قسمت اجرایی قطعنامه بود که طی آن مسئول شروع جنگ باید شناخته می‌شد. همچنین قطعنامه ۵۹۸ دارای نقاط قوت دیگری نیز بود که تمایل ایران را برای پذیرش قطعنامه نسبت به قطعنامه‌های دیگر شورای امنیت در مورد جنگ عراق با ایران بیشتر می‌کرد

عوامل و یا حوادثی مهم در هر جنگی منجر به خاتمه آن می‌شود، در جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز حوادث مهمی رخ داد که منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ شد. از حوادث بسیار مهمی که در این رخداد دخیل بوده است می‌توان به سقوط فاو، سقوط شلمچه، سقوط جزایر مجنون و حتی تصرف مجدد خاک جمهوری اسلامی ایران نام برد. ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران و ادامه آن با شکست‌های پیاپی و عقب نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی. پس عراق تصمیم به تحکیم مواضع و استحکامات خود گرفت. در سال ۱۳۶۶ برنامه تسلیحاتی عراق با حماسه شرق و غرب شتاب بی‌سابقه‌ای پیدا کرد.

عوامل مؤثر بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

الف- زمینه تغییر در موازنه قدرت^{۱۵}

ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران و ادامه آن با شکست‌های پیاپی و عقب نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و

سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی. پس عراق تصمیم به تحکیم مواضع تدافعی و استحکامات خود گرفت. در سال ۱۳۶۶ برنامه تسلیحاتی عراق شتاب بی‌سابقه‌ای پیدا کرد. در این سال رژیم عراق از کشورهای آمریکا و متحدانش تسلیحات نظامی بسیاری خریداری کرد که در ذیل به موارد مهمی از آن اشاره می‌نماییم:

ب- نقش کشورهای خارجی

۱- کمک‌های آمریکا به عراق

سیاست جانبدارانه آمریکا از عراق با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس ارزیابی جدید شکل جدیدتری به خود گرفت که در بخش بعد بیشتر به آن اشاره می‌نماییم. امریکایی‌ها در سال ۱۳۶۶ با سازماندهی «فشار دیپلماتیک» به جمهوری اسلامی ایران از جمله تصویب قطعنامه ۵۹۸، هم زمان با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفتکش‌های کویت را برعهده گرفت، بدین وسیله آمریکا با ایجاد «چتر حمایت استراتژیک» فرصت و امکان مناسب را برای حملات عراق به پایانه‌های نفت جمهوری اسلامی ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران، فراهم ساخت.

۲- کمک‌های شوروی به عراق

از جمله کمک‌های شوروی به عراق، فروش موشک‌های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد-B، تانک‌های جدید تی - ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ و همچنین چهار فروند هواپیمای سوخت رسان از نوع توپولوف ۷۲ بود.

۳- کمک‌های فرانسه به عراق

فرانسه در مقایسه با سایر کشورهای غربی بیشترین تسلیحات مورد نیاز عراق را به این کشور واگذار کرد، میراژ F-۱، موشک‌های هوا به هوا ماژیک - ۱، موشک‌های اگزوست AM-۳۹. همچنین به عراق کمک کرد تا کارخانه هواپیما سازی «سعد- ۲۵» را احداث کند.

۴- کمک‌های انگلیس به عراق

انگلیسی‌ها به عراق فروش ابزار ماشین تا سقف ۳۱/۵ میلیون دلار افزایش

دادند.

۵- کمک‌های آلمان به عراق

فن آوری آلمانی‌ها در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی و موشکی بیش از سایر بخش‌ها بود.

همچنین کشورهای عربی بخصوص عربستان و کویت، با کمک‌های مالی به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را متحمل شدند.

عراقی‌ها در سال ۱۳۶۶ به تولید دو موشک با نامهای «الحسین» و «العباس» با بردهای ۶۰۰ و ۸۶۰ کیلومتر دست یافتند که بعدها نخستین بار در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ شروع به موشک باران تهران پرداختند. هدف عراق از حملات موشکی به تهران برای فشار به جمهوری اسلامی ایران و قبول صلح بوده و از طرفی می‌ترسید که جامعه بین المللی جنگ را فراموش کنند و یا با توافقی کمتر از آن چه خودش می‌خواهد جنگ را به پایان برسانند. عراق در سال ۱۳۶۶ در سازمان رزم تغییرات اساسی ایجاد کرد و نیروهای نظامی خود را افزایش داد و آنها را تحت آموزش شدید قرار داد.

ج- حوادث مهم منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸

عوامل و یا حوادثی مهم در هر جنگی منجر به خاتمه آن می‌شود، در جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز حوادث مهمی رخ داد که منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ شد. از حوادث بسیار مهمی که در این رخداد دخیل بوده است می‌توان به سقوط فاو، سقوط شلمچه، سقوط جزایر مجنون و حتی ورود مجدد به خاک جمهوری اسلامی ایران نام برد.

عراقی‌ها با تغییر موازنه، با پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ با افزایش توان خود و در مقابل کاهش تدریجی توان جمهوری اسلامی ایران، به دلایل مختلف که در این مقاله نمی‌گنجد در مواضع پدافندی، نگرانی‌های جدیدی را نسبت به نتایج تهاجمی عراق بوجود آورد. از طرفی تمرکز درگیری جمهوری اسلامی ایران با آمریکا در سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس و آسیب نرساندن قابل ملاحظه‌ای به سازمان و استحکامات عراق، سبب شد تا عراق بر اثر فرصت بدست

آمده، ضمن بازسازی و حفظ قوای خود، بر حجم و کارایی آنها بیفزاید. علاوه بر این، تأثیر حملات هوایی عراق به زیر ساخت‌های اقتصادی ایران، همراه با کاهش تولید نفت که موجب تضعیف بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شد. با شروع سال ۱۳۶۷ جمهوری اسلامی ایران در شرف برگزاری انتخابات سوم مجلس شورای اسلامی بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر ۱۰ به شهرهای خود بازگشته بودند، رژیم عراق از این شرایط استفاده کرد و به فاو حمله کرد و آن را تصرف کرد و موجب سقوط فاو شد. سقوط فاو، استراتژی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر متقاعد ساختن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران، به خاطر داشتن موضع برتر به دلیل ادامه حملات به مواضع عراق و در اختیار داشتن مناطق تصرف شده در خاک عراق، آسیب پذیر کرد و در معرض تغییر قرار داد. آمریکایی‌ها پیش از این، با اسکورت نفتکش‌های کویت و تلاش برای تصویب قطعنامه ۵۹۸، در نظر داشتند، با در دست گرفتن ابتکار عمل، مقدمات پایان دادن به جنگ را فراهم کنند. مهمترین معضل آمریکا مقاومت به دلیل در اختیار داشتن مناطق تصرف شده بود. جمهوری اسلامی ایران بر اساس همین وضعیت در پی دریافت امتیاز لازم مبنی بر متجاوز شناختن عراق بود و آمریکا از پذیرفتن و تأمین این خواسته خودداری می‌کرد زیرا معتقد بود با مشخص شدن عراق به عنوان متجاوز ممکن است موجب سقوط رژیم عراق شود.

بعد از سقوط فاو دیدها به سمت شلمچه گرایش پیدا کرد، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی کردند که احتمال حمله رژیم عراق به شلمچه وجود دارد، پس در این منطقه خطوط دفاعی را مورد توجه قرار دادند، در مقابل عراقی‌ها بعد از آزادی فاو، نقل و انتقال برای عملیات بعدی را آغاز کردند و ۳۸ روز پس از حمله به فاو به شلمچه حمله کردند.

نتایج برخاسته از روند جنگ، منجر به آن شد که جمهوری اسلامی ایران اقدام به افزایش فعالیت دیپلماتیک و پی گیری روند جابجایی در بندهای قطعنامه ۵۹۸ کند و همچنین اقدام به دعوت از مردم برای پشتیبانی از جبهه‌ها نماید. بعد از حمله به شلمچه، منافقین با همکاری رژیم بعث عراق در اقدامی

مشترک در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مهران حمله کرده و وارد این شهر شدند. از حوادث بسیار مهمی که در ماههای آخر جنگ رخ داد، حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ و کشته شدن ۲۹۰ تن از انسانهای غیر نظامی بود که بازتاب جهانی داشت و موجب تشدید درگیری میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران شد، و ایران خواستار رسیدگی به این اقدام تروریستی از سوی سازمان ملل و شورای امنیت شد، که نتیجه مثبتی از سوی این سازمان‌ها حاصل نگردید. آمریکا نیز از جمهوری اسلامی ایران بخاطر بروز این حادثه عذرخواهی نکرد و غرامت نیز پرداخت ننمود و حتی به ناخدای این ناو جنگی نشان لیاقت و شجاعت اهدا نمود.

بحث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از تیرماه ۱۳۶۶، از طرف سازمان ملل و شورای امنیت مطرح شده بود، ولی جمهوری اسلامی ایران به دلیل این که مفاد آن نظرات ایران را لحاظ کرده بود و از سوی دیگر مناطق نسبتاً حساس عراق را در اختیار داشت و از برتری قابل توجهی برخوردار بود، آن را رد می‌کرد و خواهان شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت پافشاری کرده و در پی تغییر بندهای قطعنامه با دبیر کل سازمان ملل بحث و گفتگو می‌کرد. زیرا با تغییر این بندها مهمترین خواسته جمهوری اسلامی ایران تأمین می‌شد. با ادامه حملات عراق به جمهوری اسلامی ایران و بمباران شیمیایی مردم و ابعاد این فاجعه انسانی، سازمان ملل را به واکنش و داشت و پیشنهاد جدید خود مبنی بر گفتگو در سطح کارشناسان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق را ارائه داد که مورد قبول جمهوری اسلامی ایران واقع گردید و در نهایت موجب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران شد.

نتیجه

در جنگ تحمیلی نقش رهبری بسیار مهم بود، در کنار آن نقش مردمی نیز بسیار چشمگیر بود؛ مردم جمهوری اسلامی ایران با مقاومت و پایداری خود در هشت سال دفاع مقدس نشان دادند که با توجه به تحریمات اقتصادی و نظامی و

فشارهای بین‌المللی تحت رهبری امام خمینی^(ره) در بدترین شرایط ماندند و از جان و مال خود گذشتند و نگذاشتند حتی ذره‌ای از خاک میهن به دست بیگانه بیفتد. مردم ما دوش به دوش هم در شرایط سخت اقتصادی مشارکت خود را کم نکردند، چه در زمان حضور در جبهه‌ها و چه در پشت جبهه‌ها با کمک‌های مردمی خود، همیشه گوش به فرمان رهبر خود بودند. از همان ابتدای جنگ جمهوری اسلامی ایران بر موضع خود یعنی، شناساندن متجاوز و دریافت غرامت پافشاری می‌کرد و هیچ وقت تا تیر ماه ۱۳۶۷ این موارد در آتش بس‌های مطرح شده از سوی سازمان ملل بیان نشده بود. همانطور که بیان شد یکی از عوامل مؤثر بر روند شکل‌گیری قطعنامه ۵۹۸ فشارهای کشورهای خارجی بوده و همچنین عدم اطمینان به رژیم بعثی در اجرای قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ و اجرای مواد آتش بس بوده است و در کنار آن عوامل داخلی نظیر مواضع برخی از مسئولین^۱ و کمبود منابع مالی و نبود امکانات جنگ افزاری جمهوری اسلامی ایران بود که در این مقاله تنها به عوامل خارجی پذیرش قطعنامه اشاره شده و عوامل داخلی آن مورد بررسی قرار نگرفته است. اما با تمام این موارد مردم دست از حمایت خود از امام^(ره) و مسئولین بر نداشتند. در همه حال ابر قدرت‌ها بر این بوده اند که مردم را برعلیه نظام تحریک کنند و بین مردم و رهبری شکاف ایجاد کنند، ولی مردم ما با شعور سیاسی خود همیشه آگاه بودند و این توطئه‌ها را خنثی می‌کردند. همانطور که حضرت امام خمینی^(ره) فرمودند:

«در کجای دنیا شما سراغ دارید که همچو مطلبی، یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش، سراغ نداریم ما جایی در این دنیا، نظیر داشته باشد.»

منابع و مأخذ

- ۱) صحیفه نور، "مجموعه رهنمودهای امام خمینی"، تهران، ۱۳۶۹، جلد ۱۳.
- ۲) همایون الهی، "ضرورت تداوم دفاع مقدس"، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
- ۳) سید محمود مسلمی "اختلاف جمهوری اسلامی ایران و عراق در خصوص

۱- رجوع شود به کتاب «راز قطعنامه، چرایی و چگونگی پایان جنگ» نوشته کامران غضنفری چاپ دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان

- حاکمیت و حقوق کشتیرانی دو کشور در اوند رود "تهران، چاپ سپهر، ۱۳۵۹.
- (۴) همایون الهی، پیشین.
- (۵) سید محمود مسلمی، پیشین.
- (۶) اسماعیل منصوری لاریجانی، "تاریخ دفاع مقدس" انتشارات اسلیمی، ۱۳۸۰.
- (۷) محمد درودیان، "خونین شهر تا خرمشهر"، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۹.
- (۸) محسن رضایی، "تجزیه و تحلیل جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق"، ۱۳۷۴.
- (۹) کنت آرتیمرمن، ترجمه احمد تدین، "سوداگری مرگ" مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳.
- (۱۰) محمد درودیان، "آغاز تا پایان"، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۹.
- (۱۱) محمد درودیان، پیشین.

اندیشه سیاسی محقق سبزواری

علی مرادزاده

اندیشه‌های سیاسی خاستگاه و زیر بنای رفتارها، کردارها و گفتارهای سیاسی بشمار می‌رود، دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی در اسلام از الگوی واحدی برخوردار نیست و هر یک از اندیشمندان به تناسب گرایشها و شرایط محیطی خویش به گونه‌ای خاصی اندیشه‌های سیاسی را تقسیم‌بندی کرده‌اند، در مجموع می‌توان یک طبقه‌بندی معطوف به هدف و غایت را درباره متون سیاسی اسلام ارائه کرد تا آثار سیاسی از هر مذهب و فرقه‌ای را بتوان در چارچوب آن تبیین و تعریف نمود.

۱- اندیشه‌های سیاسی انقلابی: که در صدد تغییر دادن اوضاع هستند.

۲- اندیشه‌های سیاسی اصلاحی: اندیشه‌هایی که از وضع موجود تاراضی هستند و برای رسیدن به وضع مطلوب ارائه طریق می‌کنند و همگی خواستار انجام اصلاحاتی در وضعیت سیاسی مملکت هستند. اندیشه‌های سیاسی تغلبی و استبدادی: که در صدد توجیه وضع موجود هستند و به حکومت زور و منافع خودکامگان

توجه دارد و می‌گویند حق با کسی است که غلبه پیدا می‌کند. اندیشه سیاسی محقق سبزواری در شمار دسته دوم یعنی اندیشه‌های سیاسی اصلاحی تعلق دارد. محمد باقر سبزواری معروف به محقق سبزواری فرزند محمد مؤمن در سال ۱۰۱۷ ق در روستای نامن سبزواری بدنیا آمد ۷۳ سال عمر کرد و معاصر چهار تن از شاهان صفویه بود. وی پس از فوت پدر برای تحصیل به اصفهان رفت و به سرعت سرآمد عالمان عصر خویش گردید، به گونه‌ای که پس از چندی به درخواست شاه عباس دوم سمت امامت جمعه و جماعت و شیخ الاسلامی را پذیرفت و از این زمان، اولاد و اعقاب او به شیخ الاسلام معروف و مشهور شدند. (مکارم الآثار، ج ۲، ص ۸۲۳)، سبزواری از حکما و فقه‌های بزرگ شیعه در قرن ۱۱ هجری است.

محقق سبزواری از محضر اساتید بزرگی در رشته‌های معقول و منقول بهره‌مند شد و شاگردان زبردستی در رشته‌های مختلف تربیت کرد و معاصر علمای بزرگی چون فیض کاشانی و سلطان العلماء بود و آثار بسیار ارزشمندی را از خویش به یادگار گذاشت. علاوه بر آثار فقهی و آثار فلسفی و آثار مربوط به عبادات و دعاها و اذکار دارای آثار ارزشمند سیاسی نیز هستند، مهمترین این آثار را در روضه‌الانوار عباسی و شرح حدیث برالوالدین می‌توان نام برد.

سیاست در قاموس روضه‌الانوار

روضه‌الانوار عباسی مهمترین کتاب محقق سبزواری است که به تقاضای شاه عباس دوم نگاشته شد. این کتاب نگاهی گذرا به اوضاع زمانه و تحولات سیاسی معاصر خود می‌پردازد و شاه را از اوضاع باخبر می‌سازد. وی در این کتاب راهکارها و عرصه‌های قابل اصلاح را برای شاه توضیح می‌دهد، در فصل دیگری از این کتاب عوامل زوال دولت و حکومت را مورد بررسی قرار می‌دهد و ۱۵ عامل را برمی‌شمارد، وی با کنایه قرائن و شواهد ضعف و زوال سلطنت صفوی را به شاه گوشزد می‌کند تا شاه با ساماندهی اوضاع کشور از زوال حکومت پیشگیری نماید. وی در این باره چند اقدام اساسی را تعقیب نمود:

۱- درخواست توبه از شاه عباس دوم: محقق سبزواری با تبیین ارزش و آثار توبه در اسلام، شاه را به توبه از گناهان ترغیب می‌کند و می‌گوید: اگر کسی تمام عمر کافر باشد یا مشغول به انواع معاصی و ذنوب باشد و در نفس آخر اسلام آورد یا از همه گناهان توبه کند، خدای عزوجل می‌آمرزد و بی حساب به بهشت می‌رود. (روضه‌الانوار عباسی، فصل دوم). در فراز دیگری ضمن برشمردن برکات توبه از شاه می‌خواهد به آنچه صلاح اعلی حضرت است به منهج استقامت و صلاح درآیند. (همان، فصل ششم)

۲- نهی از منکر شاه عباس دوم از شرابخواری و لهو و لعب: سبزواری اشتغال زیاد شاه به شرابخواری و لهو و لعب و غفلت او از امور مملکت و تفویض کارهای کشور به امرا و وزراء را یکی از عوامل زوال حکومت بر شمردند و از شاه می‌خواهد به این اوضاع پایان دهد.

۳- تأکید بر فکر و اندیشه در اداره حکومت: سبزواری شاهان و درباریان را به فکر و اندیشه در امور کشورداری فراخواند و می‌نویسد: اگر کسی در کارها فکر و اندیشه بسیار کند و آنچه به احتیاط نزدیکتر باشد بعمل آورد، در دنیا و آخرت ایمن و سالم است. و شرابخواری و لهو و لذت جویی منافی فکر و احتیاط است. (همان).

۴- نقد اوضاع فرهنگی و مذهبی: سبزواری به نقد اوضاع فکری، فرهنگی از جمله نقد متصوفه و گروهی از زهاد می‌پردازد که در لوای زهد زر اندوزی می‌کنند. در این زمینه می‌نویسد: بسیاری از متزه‌دان و متصوفان چنین بوده‌اند و هستند که اظهار زهد و دوری از دنیا کنند و در آن لباس، طالب دنیا باشند. (همان، باب پنجم، فصل پنجم).

۵- امر به معروف و نهی از منکر: سبزواری در باب هفتم کتاب روضه‌الانوار به احیای فرضیه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و برای علاج ناهنجاریها راهکار ارائه می‌دهد و شاه را بدان ترغیب می‌کند. از این رو اصلاح وضعیت اجتماعی بخش عمده‌ای از دغدغه سبزواری بوده است. وی همچنین از شاه می‌خواهد محراب و منبر و خطابه را که در اصل مکان پیغمبران و

امامان است از اهل باطل بی حاصل مصون نماید. (همان، باب هفتم، فصل اول)

۶- نقد وضعیت قضایی کشور: سبزواری نسبت به رشوه خوردن قضات زمانه اعتراض می کند و با برشمردن انواع گناهان کبیره و صغیره، رشوه خواری را گناه کبیره می داند و از شاه می خواهد این اوضاع را اصلاح نماید و توصیه می کند: کسانی که قابل این شغل عظیم (قاضی بودن) نباشد، نصب نکند و مردم نادان که عارف به قواعد احکام شرع نباشد یا طامع باشند و امین و متدین نباشند و طمع در اموال مسلمانان کنند، نصب ننماید. (همان، فصل سوم)

اول) منابع و مبانی کلانی و فلسفی: منابع و مبانی اندیشه سیاسی سبزواری

براساس افکار و آثار محقق سبزواری مهمترین منابع اندیشه سیاسی محقق سبزواری را قرآن کریم، احادیث و سنت و سیره پیامبر^(ص) و امامان معصوم^(ع) و سخنان حکمای مسلمان تشکیل می دهد.

سبزواری می نویسد: اهتمام دارد که در هر باب به قدر میسر استشهاد به آیات بینات قرآنی و احادیث شریفه نبویه، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^(ع) و آرای حکمای سابقین و سخنان ملوک مافین مذکور باشد و در هر باب حکایات مناسب مقام، بی تطویل کلام ایراد شود. * پیش گفتار، روضه الانوار).

۲- انسان شناسی: در انسان شناسی طبیعت انسان ها را بر فطرت پاک الهی قلمداد کرده که استعداد خیر و شر دارد و بر اثر محیط و تربیت ها ممکن است به اوج تعالی معنوی و یا به انحطاط برسد. سبزواری معتقد است اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود طبع حیوانات و درندگان در میان انسان ها شایع می گردد. (همان، باب ششم، فصل ششم) در این زمینه انسان ها را در پنج دسته تقسیم می کند:

الف) کسانی که به طبع خیر هستند و خیر و نیکی از آنها به دیگران سرایت می کند.

ب) کسانی که به طبع خیر هستند اما خیر و نیکی از آنها به دیگران سرایت نمی‌کند.

ج) کسانی که نه طبع خیر دارند و نه طبع شر که باید آنها را هدایت و به خیر ترغیب کرد.

د) کسانی که شرور هستند اما شر از آنها به دیگران سرایت نمی‌کند.

و) کسانی که شرور هستند و شر از آنها به دیگران تجاوز می‌کند. (همان، فصل اول)

جهان‌بینی: در جهان‌بینی سبزواری که منطبق بر جهان‌بینی و حیانی است دو جهان دنیا و آخرت انسان را احاطه کرده و حیات واقعی جهان آخرت تلقی می‌شود زیرا در این دنیا عاقبت هر حیاتی مرگ است و هیچکس را در این دنیا حیات ابدی و ثبات و بقا نیست بلکه همه چیز این جهان در معرض تغییر و زوال و انقلاب است. (همان، قسم اول، باب اول) و نقطه پایان جهان را بهشت یا جهنم می‌نامد که پس از آن سفری نیست.

۴- ایمان و مراتب آن

براساس روایات رسیده از پیشوایان دین ایمان در اندیشه سبزواری عبارت است از اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، وی عمل با اعضا و جوارح انسان را جزء ایمان بشمار نمی‌آورد. بنابراین مرحله اول ایمان، اعتقاد قلبی به خدا و نبوت و امامت و معاد و هرآنچه پیامبر از سوی خداوند آورده است می‌باشد. مرتبه دوم ایمان را اقرار زبانی به هر آن چیزی می‌داند که بدان ایمان قلبی پیدا کرده است، مرتبه سوم ایمان، مرتبه سابقان و مقربان است. اینان مؤمنانی هستند که جز خدا به هیچ چیز از دنیا و آخرت توجه ندارند و رضای آنها تنها در رضای الهی باشد. (همان، فصل دوم)

۵- ممنوعیت تقلید در اصول و ارکان دین و ضرورت تحقیق در آنها

۶- وجوب تقلید در فروع دین: به جهت آنکه فهمیدن احکام از قرآن و حدیث برای همه کس مقدور و میسر نیست بلکه مخصوص جماعتی است که به فهم و ادراک صحیح موسوم باشند. (رساله خلاصیه، برگ ۲)

دوم) مبانی فقهی اندیشه سیاسی سبزواری

در اندیشه سیاسی محقق سبزواری حکومت کردن حق فقه‌های شیعه است و مشروعیت آن بواسطه شریعت و اتصال به اهل‌بیت^(ع) است، از این رو هر چند با دربار شاهان صفوی همکاری می‌کرد لکن دائماً آنها را دعوت به توبه و ترک گناهان کبیره و صغیره می‌کرده و بخشی از آثار خویش را به نصیحت پادشاه و درباریان اختصاص داده است. در کتاب ارزشمند روضه‌الانوار رابطه دین و دولت به خوبی تبیین گردیده و تنها فقیه عادل امین جامع‌الشرایط را شایسته حکومت می‌داند که از سوی ائمه^(ع) در زمان غیبت در تمام امور نیابت‌پذیر، نیابت دارد. وی در این زمینه به روایتی از معصوم^(ع) استناد می‌کند.

سوم) مبانی اندیشه سیاسی فقهی سبزواری

محقق سبزواری در آثار مختلف خویش سیاست و حکومت را در قامت کلام اسلامی و فقه سیاسی اسلام به روشنی برجسته می‌سازد. ایشان در کتاب کفایه‌الاحکام می‌گوید: اگر فقیه یا عالم در شهر بود احتیاط واجب است که غیر او امام جمعه نشوند یا اینکه از فقیه اجازه گرفته و اقامه کنند. (کفایه الاحکام، ص ۲۰). در عصر غیبت، احوت، دادن زکات به فقیه مأمون امامی است (فقیه‌ی که امین و شیعه دوازده امامی باشد). (همان، ص ۴۰). بعید نیست که در عصر غیبت هم اگر فقیه امامی مأمون، زکات را درخواست نماید اعطای به او واجب و امتناع غیر مجزی باشد. (همان) در عصر غیبت اموال خاصه امام (مناکح، مساکن، مستاجر) برای شیعیان مباح است. (همان، ص ۴۵) متولی تقسیم خمس در عصر غیبت، فقیه عادل جامع‌الشرایط است. (همان) خراج و تقسیم آن را فقط امام عادل می‌تواند تعیین کند. (همان، ص ۷۶) فقه‌های شیعه در عصر غیبت می‌توانند در صورت ایمنی از ظالم، بین مردم حکم کرده، زکات و خمس را تقسیم کنند و یا دارا بودن شرایط افتاء فتوا دهند. (همان، ص ۸۳) طبق مقبوله عمر بن حنظله قاضی

باید فقیه جامع الشرایط باشد. (همان، ص ۲۶۱)

چهارم) سلسله مراتب نظام سیاسی

در اندیشه سیاسی محقق سبزواری فقیه جامع الشرایط در رأس حکومت و عامل مشروعیت و هدایت نظام سیاسی است که از آن به حکیم مجتهد (مجتهد حکیم) تعبیر کرده است. پس از او شاه صفوی قرار دارد که به تأیید فقها حکومت می‌کند و در چارچوب احکام شریعت به اداره جامعه و حل و فصل امور مردم می‌پردازد. پس از شاه سمت وزیر اعظم و پس از او سایر ارکان حکومت قرار دارد. سبزواری تلاش می‌کند تا اصلاحاتی در حکومت صفویه ایجاد کند تا بدین طریق از انحطاط و زوال این دولت که تلاش می‌کند در چارچوب شریعت و فقاہت کشور اداره نماید پیشگیری و جلوگیری شود.

پنجم) مبانی اخلاقی اندیشه سیاسی سبزواری

پیوند سیاست و اخلاق همواره در مکاتب سیاسی محل بحث و جدل بوده و غالب اندیشمندان مسلمان بر پیوند استوار این دو مقوله اذعان داشته‌اند. محقق سبزواری در این راستا به درآمیختگی سیاست و اخلاق باور دارد و آن را منطبق بر نص صریح ارزشها و آموزه‌ها و متون دینی می‌داند.

سبزواری بر اساس روایات رسیده از پیامبر اعظم^(ص) عدالت را وظیفه سلطان می‌داند و می‌گوید: دوست‌ترین مردم به خدای عزوجل در روز قیامت و نزدیکترین آنها به خدا، حاکم عادل است و مبغوض‌ترین مردم به خدای عزوجل در روز قیامت و سخت‌عذاب‌ترین ایشان پادشاه ظالم است. (روضة الانوار، باب پنجم، فصل اول). سبزواری فوائد فراوانی برای عدالت محوری حاکمان بر می‌شمارد که مهمترین آنها عبارتند از: تحصیل خشنودی و رضایت خداوند، تحصیل درجات اخروی و نجات از عذاب، دوام و بقای دولت، سربلندی در قیامت برای حفظ امانت الهی، کسب نام نیکو، کسب دعای خیر

مردمان و زیر دستان، آثار و برکات عدل به اولاد و اعقاب سرایت می‌کند و ظلم باعث قطع نسل می‌شود، عدل باعث معمری و آبادانی مملکت می‌شود. (همان)

محقق سبزواری همچنین شکرگزاری از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی را جزئی از اخلاق اسلامی می‌شمارد و بویژه آنرا برای حاکمان و مسئولان ضروری می‌شمارد، (همان، فصل دوم). در اخلاق سیاسی مورد نظر سبزواری صبر بر دشواریها و مشلات برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی ضروری است زیرا پیشبرد کار جهان منوط به تدبیر است و تدبیر باید توأم با صبر باشد. صبر کلید نجات، مقدمه فلاح و رستگاری، سبب خشنودی الهی و علامت حصول مقصود و دستیابی به هدف است. صبر بر ترک کناه، صبر بر بلاها و مصیبت‌ها و صبر در مقابل دشمنان تماماً به معنای پایداری و ایستادگی در راه رسیدن به رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی است.

ایشان همچنین کمالاتی چون توکل بر خداوند و حسن خلق با مردم و رفق و مدارا را برای حاکمان لازم می‌داند و آنها را شرط موفقیت در مدیریت اسلامی بشمار می‌آورند.

قانون مداری

قانون مداری و تبعیت از قانون در تمامی مراحل زندگی سیاسی و اجتماعی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. از نگاه سبزواری تدبیر اجتماع سیاسی نیازمند صاحب شریعت است. صاحب شریعت همان پیغمبری است که از جانب خدا وحی به او می‌رسد. بنابراین تفسیر سبزواری از دین و نبوت و ارسال رسولان تفسیری کاملاً سیاسی است. بنظر سبزواری وظیفه پیامبر این است که احکام طاعات و عبادات، معاملات، نکاح و سایر احکامی را که در شرع مقرر شده، به خلق برساند تا حقوق هر یک معلوم شود که چیست و حد هر یک چیست تا مردم چون به حقوق و حدود خود قائل شوند و عمل کنند، کار عالم منتظم شود و فساد و فتنه مرتفع شود و هر یک در رفاه بتوانند

زندگی کنند. این قانون، قانون عظمای شریعت نام دارد و مجری این قانون، حاکم عادل است. (روضة الانوار، مقدمه)

شرایط حاکم اسلامی

محقق سبزواری حکومت را در اصل حق پیامبر اسلام^(ص) و پس از آن حضرت حق ائمه هدی می‌داند، ایشان در عصر غیبت حکومت را حق فقهای جامع‌الشرایط می‌داند که دارای شرایط زیر باشند: به عدل زندگی نماید، پیروی سیرت و سنت امام اصل کند، در دفع ظالمان بکوشد، هر کس را در مرتبه استحقاق خود نگاه دارد، حفظ رعایا و زیردستان که امانات الهی‌اند بکند، مؤمنان و شیعیان را از شر طغیان و استیلا کفار و مخالفان دین محافظت نماید، ترویج شعار و آئین اسلام و مذهب شیعه بنماید، اهل علم و تقوی و دین را تقویت کند، اهل باطلو بدعت و تلبیس را دفع کند، طمع در اموال رعایا نکند، رعایا و اموال آنها را ابزار فسق و فجور و لہو و لعب خود نکند، امر به معروف و نهی از منکر بجا آورد، در امنیت راههای کشور بکوشد، سرحدات و مرزهای کشور را به مردم کاردان حفظ نماید. (روضة، مقدمه).

طیف‌ها و طبقات اجتماعی

در اندیشه سیاسی سبزواری، دسته‌بندی حاکم و زیر دست مشهود می‌باشد، حاکم موظف به اداره کشور در چارچوب شرع و عدل می‌باشد، از سوی دیگر مردم قرار دارند که آنها را در چهار طیف و طبقه متفاوت دسته‌بندی می‌کند:

۱- اهل قلم: کسانی که به کمک فکر خویش به ملت و مملکت و دین قوام می‌بخشند، این دسته شامل علما، حکما، فقها، وزراء، قضات: نویسندگان و کاتبان، مهندسان، پزشکان، منجمان و شعرا می‌شوند.

۲- اهل شمشیر: دلیران، مجاهدان، حافظان قلعه‌ها و مرزها و سردادن لشکرها و نگهبانان دولت که نظام امنیت و آسایش خلق بدون آنها صورت

نمی‌گیرد. اینان تأمین کننده امنیت و آسایش کشورند.

۳- ارباب معاملات: مانند تجار که فواید و منافع هر مملکت را تأمین می‌کنند و رشد می‌دهند. صاحبان حرفه‌ها و ارباب صناعات، جمع‌کنندگان مالیات و حساب رسان دولتی و... را شامل می‌شود وظیفه اینان تأمین ضروریات و حوائج مردم است.

۴- اهل زراعت: شامل کشاورزان و دهقانان که غذای کشور را تأمین می‌کنند. (روضه الانوار، قسم اول، باب اول، فصل اول)

شایسته سالاری

شایسته سالاری در گزینش کارکنان و سپردن مسئولیت‌ها امر خطیری است که بیش از هر چیز دیگر مورد توجه محقق سبزواری است و یکی از مهمترین وظایف حاکم را شایسته سالاری می‌داند و رعایت شایستگی و صلاحیت را شرط استخدام و تصدی مسئولیت‌های حکومتی می‌شمارد. ایشان چند شرط را برای استخدام‌ها که منجر به واگذاری مسئولیت می‌شود بر شمارد و می‌گوید: هر کس که عملی از امور سلطانی و دیوانی به او واگذار می‌شود باید قابلیت شایستگی آن کار را داشته باشد، چه اکثر خلل‌ها که در دولت‌های پادشاهان پدید می‌آید از آن است که جماعتی که قابل کار نبودند و استحقاق و اهلیت آن شغل و مسئولیت نداشتند در امور مملکتی دخیل شدند و از دخالت آنها خلل‌ها بوجود آمد. و مرتبه مرتبه (به تدریج) زیاد شد تا کار به جایی رسید که فساد حکومت بلکه زوال دولت را به دنبال داشت. (روضه الانوار، قسم دوم، باب دوم، فصل اول). در دیدگاه محقق سبزواری استحقاق و شایستگی شغل و تصدی مسئولیت منوط به داشتن معیارها و ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱- دانا و عالم به قواعد وقوانین شغلی که به او سپرده می‌شود باشد و صاحب تجربه باشد.

۲- قدرت و توانایی انجام آن کار را داشته باشد.

- ۳- امین و معتمد باشد و در کاری که به او سپرده می‌شود خیانت نکند.
 - ۴- دارای ثبات و عزم راسخ و صبر بر مشقتها و آفات آن شغل باشد.
 - ۵- از لَهو و فراغت و عیش طلبی و راحت‌جویی دور باشد.
 - ۶- صاحب عقل و نظر قدرت تشخیص باشد تا بتواند راه حل منطقی و علمی ارائه کند.
 - ۷- اگر شغل و مسئولیت او مالی باشد بهتر است که دارای مال و مکنّت باشد تا چشم و دل او سیر باشد و برخوردن و بردن تحریک نشود.
 - ۸- کم طمع باشد زیرا بیشترین فسادها بخاطر طمع مسئولان است.
 - ۹- بین شغل و شاغل تناسب باشد مانند داشتن سابقه در آن شغل
 - ۱۰- بدی اصل و نسب و ناخوشی طینت نداشته باشد و از اراذل و اسافل نباشد. (نجف لک زایی، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، ص ۱۷۵)
- در مجموع می‌توان کارایی و داشتن تجربه و تخصص و خوش سابقه بودن و امین بودن را از مهمترین ویژگی مسئولان دانست. تلاش مسئولان و حاکمان برای تأمین حقوق مردم را نیز علاوه بر تأکید بر تکلیف دینی افراد لازم و ضروری می‌داند. وی امر به معروف و نهی از منکر را در مشورت دادن به مسئولان کشور بسیار تعیین کننده و الزامی قلمداد می‌کند.

نهادهای حکومتی

در آثار محقق سبزواری مشهود است که بنظر ایشان حاکم و پادشاه به تنهایی نمی‌تواند امور مملکت را اداره کنند.

حاکم نیازمند نهادها و اعوان و انصاری است که بتوانند او را در مملکت داری یاری نمایند. از این رو مهمترین نهادهای حکومتی را عبارت می‌داند از:

دسته اول) نهادهای فرهنگی: وظیفه این نهادها حفظ دین و مذهب، ضبط قواعد شرع و ملت، ارشاد و هدایت مردم، اشاعه مراسم اسلام و شعائر دین، شناساندن قوانین عقلی، تعلیم ضوابط کلی، مساعدت در امور اخروی، که بر عهده علما و مبلغین دینی است.

دسته دوم) نهادهای خدماتی دربار : این نهادها امور دربار و دستگاه حاکمیت را مدیریت می کنند.

دسته سوم) نهادهای نظامی و انتظامی و امنیتی: جمعی که جهت ثبت و ضبط احوال نظامیان ایجاد شده اند

دسته چهارم) نهادهای مالی و اقتصادی: جهت حفظ اموال، تحصیل آن و افزایش درآمدها

دسته پنجم) نهادهای عمرانی و آبادانی: دستگاههایی که متولی تدبیر و محافظت امور رعایا و آبادانی شهرها و روستاها هستند، وزارت کشور، راه، کشاورزی و مانند اینها را شامل می شود. (روضه الانوار، ص ۵۱۹)

وظایف حاکم و مسئولان کشور

در آثار مختلف محقق سبزواری کم و بیش به وظایف حاکم اسلامی و پادشاه اشاره شده است. یکی از مهمترین وظایف حاکم که در بخش پیشین بدان اشاره رفت سپردن مسئولیتها و امانتها به اهل آن یعنی انسانهای شایسته و امین و توانمند می باشد. تخصص گرایی و داشتن تجربه نیز از شاخصه های این شایسته سالاری است. مشورت کردن با صاحب نظران و دلسوزان امری ضروری است که ریشه در مبانی اسلامی دارد و از وظایف حاکم بشمار می رود. نظارت مستمر و اشراف بر عملکرد وزیران و مسئولان در سطوح مختلف از دیگر وظایف حاکم اسلامی و دیگر مسئولان کشوری است، اعطای اختیار و استقلال به مدیران توسط حاکم لازمه موفقیت مدیران است، تشویق و تنبیه بجا و بموقع و به اندازه به فراخور هر یک از کارکنان ضرورتی انکار ناپذیر است، از بین بردن حسد در بین مدیران و دشمن و کدورت نسبت به یکدیگر از وظایف حاکم بشمار می رود تا امور مملکت به خوبی ساماندهی و اداره شود. اعتدال در هنگام خشم و غضب و نیز هنگام خشنودی و رضایت باید در روحیه و رفتار حاکم مشهود و دائمی باشد. علاوه بر همه اینها تحقیق و تفحص درباره اخبار و گزارشهای مثبت و منفی لازم است تا تصمیمات

صحیح اتخاذ گردد. (علی اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۶، ص ۳۱۶)

روابط و مسئولیت متقابل مردم و حکومت

بدیهی است در آثار و اندیشه‌های محقق سبزواری مسئولیت در امر حکومت امری یکجانبه و یکسویه نیست، حقوق متقابل، روابط متقابل، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی متقابل امری اجتناب‌ناپذیر و الزامی است، بدون چنین روندی هرگز امور حکومت به سامان مطلوب نخواهد رسید. در این زمینه بحث‌های زیادی قابل طرح است اما به لحاظ رعایت اختصار برخی از مهمترین شاخصه‌هایی این روابط متقابل را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱- مشورت: محقق سبزواری عقل آدمی را محدود دانسته و بر ضرورت و وجوب مشورت تصریح می‌کند و دهها فایده برجسته را برای مشورت بر می‌شمارد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر: از واجبات عظیمه اسلام است و امر دین و نظام ملک و ملت به آن مستقیم می‌شود و اگر مردم دست از این برندارند، فاسقان و فاجران را بر اعمال زشت و ناخوش که مرتکب آن می‌شوند تعزیر نکنند و به خود واگذارند، فساد سرایت می‌کند و طبیعت حیوانات و درندگان در میان انسانها شایع می‌گردد. (روضه الانوار، ص ۴۳۳)

۳- تأمین حقوق مردم: دفاع از حقوق مردم توسط حاکمان در اندیشه سیاسی محقق سبزواری و دیگر اندیشمندان مسلمان امری برجسته و آشکار است ایشان سلطان و پادشاه را همواره بر رعایت حقوق مردم و برنامه‌ریزی و تلاش برای تحقق و تأمین آن ترغیب می‌کند.

نگاه آسیب شناسانه در حکومت‌داری

یکی از اهداف و روش‌های محقق سبزواری آسیب‌شناسی حکومت و دستگاه سلطنت است، وی حکومت صفویه را مورد نقد قرار می‌دهد، با قلم و

بیانی زیرکانه و هوشمندانه آسیب‌ها و عوامل و نشانه‌های انحطاط و زوال حکومت را شناسایی و گوشزد می‌کند. اگر چه حاکمان صفوی به پندها و هشدارهای سبزواری عمل نکردن و به تدریج زوال و انقراض خود را رقم زدند اما نگاه آسیب‌شناسانه او عبرتی ماندگار و رویکردی جامع برای مسئولان کشور بشمار می‌رود و همواره حکومت‌ها و دولت‌ها و دستگاه‌های مختلف می‌توانند این نگاه آسیب‌شناسانه را مبنای عمل قرار دهند تا استمرار ریاست خویش را تضمین نمایند.

آشنایی با مفاهیم سیاسی

۱- اعتماد سیاسی

اعتماد از نخستین مفاهیمی است که هر فرد در روند جامعه‌پذیری می‌آموزد. معنای اعتماد را باید سهل و ممتنع دانست زیرا تعریف آن دشوار می‌باشد. انسان در دوران کودکی باید ذهنش شفاف و روشن از مفهوم اعتماد داشته باشد در غیر این صورت در تمام زندگی به بیراهه می‌رود و به بهانه افزایش اعتماد در جاده بی‌اعتمادی سیر می‌کند. بنابراین راههای کسب اعتماد یکی از آموزشهای اصلی جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری بشمار می‌رود.

اعتماد یک رابطه دو طرفه است، یکی از طرفین تعهد می‌سپارد که اقدامی را انجام دهد و یا کاری را ترک کند و دیگری این تعهد را قبول می‌کند در این صورت چنانچه به تعهد خود عمل کند، اعتماد طرف دیگر را جلب کرده و یا افزایش می‌دهد و اگر به تعهد خود عمل نکند بی‌اعتمادی حاصل می‌شود. این واقعیت می‌تواند بین دو فرد انجام شود یا بین دو جریان و طیف اجتماعی، یا میان دولت و مردم و یک مسئول با افراد تحت مدیریت خویش در هر صورت عمل به وعده‌ها و تعهدات اثرات وضعی و



قطعی کاهش یا افزایش اعتماد سیاسی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. برخی معتقدند که اعتماد عبارت است از اطمینان متقابل که هیچ‌یک از طرفین حاضر نمی‌شود از آسیب‌پذیری طرف مقابل برای کسب منفعت استفاده نماید. برخی دیگر قائل هستند که اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. عمل کردن بر مبنای آن انتظار باعث افزایش اعتماد می‌شود. (محسن ردادی، نظریه اعتماد سیاسی، ۱۳۹۰، ص ۳۸)

یکی از کارکردهای اعتماد، بهره‌مندی از منابع خارج از دسترس می‌باشد که با کسب اختیار از سوی دارندگان این منابع حاصل می‌گردد. تفویض اختیار، به عنوان کارکرد اعتماد، دستمایه تعریف این مفهوم از سوی برخی صاحب‌نظران شده است. اینکه مردم فرد خاصی را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خویش در امور اجرایی کشور (رئیس جمهور)، هدایت کلان کشور (رهبری)، امور قانونگذار (مجلس شورای اسلامی)، مدیریت شهری (شورای اسلامی شهر و روستا)، پیگیری حقوق شخص (وکیل برای محاکم قضایی و وکیل در عقد ازدواج و طلاق و برخی دیگر از معاملات بر می‌گزینند از اعتماد آنان حکایت دارد نماینده و وکیل باید تمام تلاش خود را در انجام وظایف بکارگیرد تا اعتماد مردم افزایش یابد.

چارلز اعتماد را یک محصول تاریخی می‌داند که به تدریج در کنش و واکنش بدست می‌آید. (همان، ص ۴۱) اینکه آیا اعتماد متقابل در جامعه در حال افول است؟ و یا در حال افزایش است؟ چگونه می‌توان اعتماد را بازسازی کرد؟ در جای خود باید به تفضیل مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد و اتفاقاً یکی از مهمترین نیازها و اقتضائات امروز جامعه ما بررسی و چاره‌جویی برای این مهم می‌باشد. اعتماد همیشه مهم بوده است همه مکاتب اهلی و بشری و تمامی ملت‌ها و گروه‌ها قدر اعتماد را می‌دانند و بزرگترین سرمایه اجتماعی خود را اعتماد می‌دانند.

وجوه افزایش اهمیت و ضرورت اعتماد در جهان کنونی عبارتند از:

افزایش قدرت انتخاب انسانها، تخصصی شدن نیازها، افزایش وابستگی‌ها،

افزایش ارتباط و تعامل با غریبه‌ها، توسعه سیاسی جوامع، افزایش ارتباطات، امنیت روانی.

بیشتر تعریف‌های اعتماد سیاسی به انتظارات هنجاری مردم از دولت باز می‌گردد. اعتماد سیاسی به جهت‌گیری مؤثر و محاسبه شده مردم به دولت باز می‌گردد و بر پایه این قرار داد که تا چه حد دولت مطابق انتظارات هنجاری مردم رفتار می‌کند. هر چقدر دولت بیشتر بتواند انتظارات هنجاری مردم را برآورده سازد بیشتر مردم مورد اعتماد قرار می‌گیرد. جریانها و نهادهای سیاسی نیز هر قدر براساس قانون و منافع ملی حرکت کنند بیشتر مورد اعتماد نظام سیاسی و مردم قرار می‌گیرند و کمترین شائبه ارتباط با بیگانه یا فرصت طلبی و خیانت باعث سلب اعتماد مردم و نظام نسبت به آنها خواهد شد.

اعتماد سیاسی کارکردها و پیامدهای بسیار ارزشمندی دارد نظیر افزایش حمایت مردم از نظام، رضایت‌مندی و ثبات سیاسی، تمکین مردم نسبت به دستورها و قوانین نظام سیاسی، افزایش کارآمدی نظام سیاسی، جهت دهی و تأثیرگذاری بر رفتارهای انتخاباتی.

۲- بنیادگرایی

بنیادگرایی اصطلاحی است که امروزه بویژه توسط تسلط نظام سلطه‌گر جهانی و بلوک غرب نسبت به کشورهای متدین بکار می‌برند. این واژه برای توصیف زیاده روی و افراطی‌گری سیاسی جنبش‌هایی که در ارتباط تنگاتنگ با اعتقادات مذهبی هستند بکار می‌رود. بیشترین تمرکز دولت‌ها و نخبگان غربی بر روی مکاتبی است که الهام بخشی سیاسی و نقش‌آفرینی سیاسی هستند و با رفتارها و نهضت‌های خود تحولی پدید می‌آورند. البته باید متذکر شد که بنیادگرایی دارای دو معنای متفاوت است، در معنای نخست که بیشتر در ادبیات فارسی با عنوان اصولگرایی از آن یاد می‌شود عبارت از اصولی و راست کیش بودن اعتقادات و باورها و تمسک به آنها (ارتودوکس). در معنای

دیگر که بیشتر بار ارزشی منفی دارد برابر با نهاد قشری‌گری و تمسک به ظواهر و نپذیرفتن تحول و اصلاح است. (فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، ص ۱۲۸)

برخی دیگر بنیادگرایی را اعتقاد به بازگشت به نص متون مقدس دانسته‌اند. برخی معتقدند بنیادگرایی یک رویه سیاسی افراطی نسبت به موضوعی خاص است. رادیکالها عموماً نسبت به وضع موجود در درون دولت یا حکومت موضع مخالف ابراز می‌دادند. (دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، علیرضا شایان مهر، ص ۱۱۲، کتاب اول)

از آغاز قرن حاضر نهضت جای مذهبی بسیار تند و محافظه‌کارانه‌ای در عالم مسیحیت برای حفظ تفسیرهای کهن کتاب مقدس در اروپا تشکیل شد که مبارزه سرسختانه‌ای را با علم و شاخصه‌های متعددش شروع کردند. شعار رایج هواداران این نهضت با حفظ اصول عقاید مسیحی در برابر خطر اکتشافات علمی بوده است. با قدرت گرفتن ناسیونال سوسیالیست‌های آلمان، بعد از جنگ جهانی اول، و پیشرفت‌های بسیار سریع علمی و تضعیف خودبخودی فرقه‌های بنیادگرای مسیحی به دلیل اکتشافات جدیدتر، این نهضت فروکش کرد. (فرهنگ فرهیخته، ص ۱۸۴).

بنابراین بنیادگرایی در ابتدا به فرقه‌هایی از مسیحیت نسبت داده شد که اکتشافات و نظریات علمی جدید را نمی‌پذیرفتند و بر باورهای دیرینه کلیسا پافشاری می‌کردند. در چند دهه اخیر این مفهوم در خصوص برخی فرقه‌های مسلمان سنی مذهب مانند وهابیت، القاعده، طالبان و دیگر فرقه‌هایی که در افراطی‌گری گوی سبقت را از همگان ربوده‌اند نیز بکار رفت زیرا آنان هیچیک از مظاهر تمدن مدرن را بر نمی‌تابند و نسبت به سایر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی با خشونت تمام مقابله می‌کنند و همزیستی مسالمت‌آمیز برای آنان معنا و مفهومی ندارد.



« پاسخ به سؤالات سیاسی »

۱- ارزیابی شما از روند رای اعتماد نمایندگان

مجلس به کابینه دولت یازدهم چیست؟

در واقع، اصرار بر مشخص کردن موضع در قبال فتنه به معنای اصرار بر اعلام موضع در خصوص اعتقاد به حدود و ثغور قانونگرایی بود و طبیعی است که قوه مقننه به عنوان نهاد قانونگذاری باید بیشترین حساسیت را در صیانت از قانون و مرزهای قانون و آینده‌نگری در این خصوص داشته باشد.

الف- تاکید آقای رئیس‌جمهور و وزیران پیشنهادی

بر «بی‌پایه بودن ادعای تقلب در انتخابات ۸۸» و «اظهار برائت تمام وزیران پیشنهادی از فتنه» اثبات این مسئله بود که در فضای عمومی جامعه نیز «گفتمان ضد فتنه» برتری آشکاری دارد و گرنه، دولت و وزیران پیشنهادی که تاکید زیادی بر «پیام انتخابات ۲۴ خرداد» داشتند، اگر پیام انتخابات اخیر را چیزی مغایر با این مطلب می‌دانستند، به هیچ‌وجه حاضر نمی‌شدند علیه بدنه اجتماعی خود و در واقع علیه فضای عمومی کشور

حرکت کنند و یا سخن بگویند.

ب-جدیت مجلس درخصوص «خط قرمز» بودن فتنه ۸۸ با توجه به تصریحات اخیر رهبر معظم انقلاب که بطور واضحی در بیانات ایشان، پررنگ بود، لیبکی به تاکیدات ایشان بود. بررسی ترکیب آرای وزیرانی که توانستند از مجلس رای اعتماد بگیرند، نشان می‌دهد سابقه و مواضع گذشته و کنونی آنان درخصوص فتنه، نسبت معناداری با میزان رأی اعتماد دارد.

۲- یکی از مسائلی که این روزها در رسانه‌های وابسته به اصلاح طلبان و حتی برخی شبکه‌های اجتماعی خارج کشور به آن می‌پردازند بحث مذاکره با آمریکا است ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

یکی از تهدیدهای جدی که در حوزه اجتماعی دولت یازدهم با آن مواجه است موضوع مذاکره با آمریکا است باید گامی جدی برای علاج، گامی اساسی بردارد. ظرف چند ماه خود را با موانعی غیر قابل عبور روبرو خواهد دید. مهم ترین تهدید برای دولت روحانی از این جهت است که اجازه بدهد غربی‌ها و رسانه‌ها، افراد و منابع وابسته به آنها به ذهنیت و انتظارات افکار عمومی از دولت شکل بدهند. تجربه گذشته به ویژه از مذاکرات استانبول دو به این سو نشان داده است که طرف غربی انرژی بسیار زیادی روی گروگان گرفتن افکار عمومی ایران و شرطی کردن آن درباره مسائل ویژه از جمله مذاکرات صرف می‌کند. اگر دولت یازدهم در ابتدای کار در مسئله مهم سخن گفتن با مردم خودمان کاهلی کند و اجازه بدهد که آمریکایی‌ها و اروپایی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای شان با مردم ما سخن بگویند و آنچه می‌گویند هم هیچ معارض جدی در داخل نداشته باشد، در کمتر از چند ماه خواهد دید که افکار عمومی نسبت به موضوعاتی مانند مذاکرات هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها دچار انتظارات غیر واقعی بسیار حادی شده و بازار نسبت به این تحولات به نحو شرطی رفتار می‌کند. این بدترین اتفاق برای دولتی است که

می‌خواهد زمان کافی برای یافتن یک راه حل معقول داشته باشد. راه حل فوری این است که دولت و تیم مذاکره کننده آن همانقدر که برای افکار عمومی خارج از ایران و دولت‌های طرف مذاکره خود وقت می‌گذارد برای ملت ایران هم وقت بگذارد و منطق رفتار خود و استدلال‌های حمایت کننده آن را در فواصل زمانی کوتاه و به تفصیل برای مردم بازگو کند.

۳- به نظر شما مهمترین برنامه دولت برای حل مشکلات جامعه

چیست ؟

قوه مجریه به دلیل جایگاه و نقش و کار ویژه‌هایی که در قانون اساسی برای آن تعریف شده از موقعیتی بی بدیل و راهبردی برای هم افزا کردن امکانات کشور جهت حل مشکلات و بهبود وضع معیشتی مردم برخوردار است. اکنون دولت یازدهم با برخورداری از چنین موقعیت و جایگاهی، در آزمون حل مشکلات قرار گرفته و مردم داوران این صحنه آزمون هستند. پس دولت و هم کاران ایشان در هیات دولت باید فرصت‌ها را غنیمت شمرده و برای پیشبرد کشور و حل مشکلات و عمل به وعده‌های انتخاباتی خود تلاش مضاعف نمایند. چرا که فرصت چهارساله با سرعت در حال سپری شدن است.

۴- به نظر شما امکان تحقق وعده حل مشکلات جامعه در ۱۰۰ روز

که رییس جمهور اعلام کرد وجود دارد؟

حقیقت آن است که در طول مدت ۱۰۰ روزه نمی‌توان کاری اساسی انجام داد اما این بدان معنا نیست که در این مدت نمی‌توان جهت حرکت اقتصادی دولت را مشخص کرد. اگر تیم اقتصادی دولت در ۱۰۰ روزه بتواند با هماهنگی مبادرت به اخذ تصمیم‌های درست اقتصادی کنند، بی شک این امر به لحاظ روانی در جامعه، ثبات اقتصادی را ایجاد نموده و نتیجه آن تثبیت هزینه‌های معیشتی مردم خواهد بود. هر چند چالش‌های اقتصادی موجود ناشی از ساختار اقتصادی و دردی کهنه است و امکان علاج این درد یک باره

میسر نمی شود مگر این که علاوه بر برچیده شدن وابستگی اقتصاد کشور به نفت، تفکرات تکنوکراتی نیز از عرصه مدیریتی کشور حذف و مدیریت جهادی را جایگزین آن نمود.

۵- ارزیابی شما از عدم رای اعتماد نمایندگان مجلس به وزای آموزش و پرورش، علوم و ورزش دولت یازدهم چیست ؟

عدم رای اعتماد نمایندگان به سه وزیر پیشنهادی دولت در وزارت خانه های علوم، آموزش و پرورش و ورزش و از یک سو بیانگر این نکته اساسی بود که تندرهای حاکمیت هشت ساله اصلاح طلبان در زیردبین نمایندگان بوده است از سوی دیگر نمایندگان تصمیم ندارند مسئولیت این وزارت خانه ها به خصوص علوم و آموزش و پرورش را به دست کسانی بسپارند که فضای تندر و سیاست زدگی گذشته را، به وزارتخانه های حساس تزریق کنند. نمایندگان نشان دادند که باید صبغه علمی و تخصصی افراد معرفی شده برای وزارت خانه های راهبردی، بر سابقه سیاسی و حزبی آن ها برتری داشته باشد تا هم چون گذشته شاهد پیشرفت و توسعه در عرصه های علمی و فن آوری بوده و رشد و موفقیت های کنونی متوقف نشود. از سوی دیگر نشانگر این بود که نمایندگان هم چنان بر جریان فتنه و ایجاد شبهه تقلب در انتخابات سال ۱۳۸۸ حساسیت دارند. بنابراین چنانچه افرادی با ویژگی های مورد اشاره فوق، مجدد از سوی رییس جمهور معرفی شود رای نخواهند داد.

۶- اهداف غرب از ایجاد جنگ روانی علیه سوریه مبنی بر استفاده از سلاح های شیمیایی چیست؟

هم زمان با استفاده تروریست های سوریه از سلاح های شیمیایی علیه مردم بی دفاع و ارتش سوریه، امریکا و برخی دولت های غربی با توسل به اهرم و مدل برنامه ریزی شده گذشته در عراق، طرح تکمیلی را برای اهداف جدید به اجرا گذاشتند که طی آن رژیم صهیونیستی و عربستان، با تولید بهانه، مقدمات تحریک غربی ها برای تکرار دروغ وجود سلاح های شیمیایی در

عراق با تشکیل ائتلاف و حمله به عراق حتی شورای امنیت سازمان ملل را نیز دور زدند. این بار نیز با مستمسک قرار دادن این بهانه با جنجال رسانه‌ای بین‌المللی تصویری مطلوب از آن چه را که می‌خواستند و نیاز داشتند را به نمایش گذاشتند. گرچه با این اوضاع و خط و نشان کشیدن آمریکا به دولت سوریه جنگ منطقه‌ای دیگری دور از انتظار نیست. ولی نباید فراموش کرد که وارد شدن به ژنو ۲ با دست‌های خالی و بدون اهرم فشار و چماق باج خواهی، خود کشی سیاسی است که تاکنون آمریکا و غرب برای آن آماده نبود و شاید در ادامه این بازی جنایتکارانه و ضد بشری و وارونه کردن حقایق منتظر کسب امتیاز در پروسه سیاسی باشند. با فرض همه این مسائل نباید از شر و هابیون کینه توز و دولت عربستان دولت به خصوص شخص بندربین سلطان که آماده اند تمامی منطقه را به آتش کشیده و دیکتاتوری خود و دیگر وابسته‌های غربی را حفظ کنند، در امان ماند.

۷- علل و عوامل اصلی انفجارات اخیر در لبنان را چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

شواهد موجود بیانگر این حقیقت است که عوامل پشت پرده این حوادث رژیم صهیونیستی، عربستان، قطر و گروه‌های تکفیری و تروریستی حاضر در صحنه جنگ سوریه و برخی حامیان آن‌ها باشند، به دنبال شکست‌های پی در پی و سنگین گروه‌های تروریستی در سوریه که عامل اصلی آن را مسدود شدن مرزهای لبنان، و نرسیدن کمک‌های پشتیبانی به تروریست‌ها معادلات موجود در صحنه سوریه را به ضرر آنان رقم زد به همین دلیل آن‌ها با اقدامات تروریستی در لبنان که در واقع تلاش برای تکمیل طرح‌های توطئه آمیز با هدف کشاندن لبنان به جنگ و ناآرامی همچنین کاشتن بذر فتنه طایفه‌ای و مذهبی در میان مردم این کشور است، روی آوردند. تا هرچه سریع تر آتش جنگ داخلی سوریه را به لبنان نیز سرایت داده تا در سایه آن بتوانند موقعیت‌های از دست رفته در سوریه را مجدداً به دست آورند.

۸- علل بزرگنمایی مشکلات اقتصادی بر جای مانده از دولت نهم و

دهم چیست؟

یکی از راهبردهای مهم برای دولت یازدهم بهره‌مندی از فرصت‌ها و زیرساخت‌های ایجاد شده در هشت سال گذشته در حوزه‌های گوناگون اجرایی چون، ساخت و ساز، راه‌سازی، مسکن مهر، سهام عدالت، هدفمندی یارانه‌ها، چهار صد سفر استانی و... به دست آمد است، بزرگ نمایی مشکلات بودجه مصوب سال ۱۳۹۲، کمبودهای باقی مانده از گذشته و... در همین راستا ارزیابی می‌شود.

یادآوری این نکته لازم است و آن هم این که اخیرا دیده می‌شود حتی وزرای دولت یازدهم به جای تمرکز بر مدیریت حوزه مسئولیتی خود، تیم‌های کاری ویژه، برای آنچه نام آن را گزارش وضعیت کشور به مسئولان گذاشته‌اند تشکیل داده و درصدد آن هستند که در ۲-۳ ماه آینده انرژی اصلی خود را صرف انتقاد از اسلاف خود به جای تمرکز بر حل مشکلات مردم قرار بدهند. بدتر این است که حتی شنیده شده خود رییس جمهور متقاضی اصلی چنین گزارشهایی بوده است. دولت باید بداند که اگر وقت خود را صرف انتقام کشیدن از گذشتگان بکند آن وقت کم نیستند کسانی که درصدد مقابله با آن برآیند با این تفاوت که منتقدان بیرون از دولت نشسته اند و مسئولیتی ندارند اما دولت مسئول زندگی مردم است و اگر وقت خود را در این بگو مگوها تلف کند، در زمانی کوتاه خواهد دید که از اولویت‌های بسیار بزرگتر غافل شده است.. اصرار بر بزرگنمایی و ضعف‌های دولت نهم و دهم و تاکید بر مشکلات اقتصادی باقی مانده از گذشته که با هدف نقد و به دور از انصاف و جوانمردی به آن پرداخته می‌شود به گونه‌ای که در صددند فضای اقتصادی کشور را خواسته یا نا خواسته متزلزل و بی اعتماد سازند.

۹- ارزیابی شما از کشتار مردم مصر توسط ارتش آن کشور چگونه

است؟

آن چه در مصر اتفاق افتاد نتیجه و محصول تلاش خرنده‌ای بود که طی

یک فرایند بده و بستان کلان عربستان سعودی با آمریکا به منصفه ظهور رسید با این نگاه دولت موقت را می‌توان منصوب عربستان دانست. بنابراین اگر به فرض این دولت همچنان که مطرح است از حمایت غرب برخوردار باشد. این قدر به در خواست‌های آن‌ها مبنی بر مشارکت دادن اخوانی‌ها در روند انتقالی جدید بی توجهی نمی‌کرد. علاوه بر این شیوه سرکوب معترضان هم بیشتر به رویکردهای عربستان شباهت دارد که پیش از این در کشورهایی چون بحرین و یمن تجربه شده است. از این رو برخلاف آن چه در رسانه‌ها منعکس شد. نقش عناصر و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی که تحت نفوذ و سلطه عربستان قرار گرفته به مراتب بیشتر از ارتش مصر است. از این جهت ارتش مصر در دامی افتاده که سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی مصر باهماهنگی عربستان، اردن و یا رژیم صهیونیستی پهن کرده اند.

۱۰- ارزیابی شما از آزادی فرعون مصر چیست ؟

واقعیت این است که آزادی مبارک فرعون مصر چندان دور از انتظار نبود. چرا که شواهد بازگشت مبارک زمانی کلید خورد که "طلعت عبدالله" دادستان کل مصر به عمد از یک سو ادله جنایت او را مخفی کرد از سوی دیگر دولت اخوانی‌ها با چالش بزرگ بازماندگان رژیم مبارک که در شاه‌رگ حیاتی اقتصاد مصر ریشه دوانده بودند مواجه نمود. هرچند همان موقع برخی از سران انقلابی در پی این بودند که فرعون مصر باید اشد مجازات یعنی اعدام شود زیرا بر این باور بودند در صورت مماشات باید بازگشت او را به نظاره نشست.

از سوی دیگر کسانی که محمد مرسی دست یاری و مشارکت در قدرت به سوی آنها دراز کرده با نفوذ خود در جای نهادها مصری علاوه بر مصون نگه داشتن مبارک از گزند اخوانی‌ها فعال‌تر از همیشه منتظر چنین فرصت‌های جدید بودند. از سوی دیگر کد‌هایی که داده می‌شد مثل همان موضعی که فرعون مصر از همان گرفت و اعلام کرد حاضر نیست به هیچ کشوری پناهنده شود. حتی هنگام کناره‌گیری از قدرت گفته بود اداره کشور

را به رئیس شورای نظامی می‌سپارد و این شورای نظامی بود که در تمام این مدت به نیابت از مبارک حافظ منافع بازماندگانی بود که گروههای انقلابی مصر و در راس آنها جریان حاکم اخوان المسلمین جرات رویارویی صریح با آنها را نیافتند. در نهایت با سقوط جریان اخوانی‌ها فرعون مصر بدون هیچ مشکلی از زندان آزاد شد.

امام خمینی (ه):

ما در جنگ به مردم جهان و

خصوصا مردم منطقه

نشان دادیم که علیه تمامی

قدرت ها وابر قدرتها

سالیان سال

می توان مبارزه کرد.



۱۳۵۷

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

معاونت سیاسی